

مسائل بین المللی

مجله تئوریک و اطلاعاتی

شماره ۵ (۸۳)

مهر - آبان سال ۱۳۵۵

مجله «مسائل بین المللی» که هر دو ماه یکبار انتشار می یابد، به تشریح مسائل تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کارگری اختصاص دارد.

مدرجات این مجله از میان مقالات مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» که نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و متمسک کننده نظریات و اندیشه های آگانت، انتخاب و ترجمه میشود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره های ۹ و ۱۰ (سپتامبر - اکتبر) سال ۱۹۷۶ مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» بجاپ رسیده است.

شماره حساب بانکی جدید مجله
«مسائل بین المللی»:

Berlin
Deutsche
Außenhandelsbank A. G.
Konto-Nr. 9608-3131-0010

خوانندگان عزیز!

باین نشانی با ما مکاتبه کنید:

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

فهرست مقالات این شماره :

نویسندگان مقاله ها	عنوان	صفحه
پطرم شروف	هدفهای حزب کمونیست اتحاد شوروی در پرورش انسان نو	۱۳ - ۲
دژیونیش	از رسمهای مبارزه طبقاتی در راه حاکمیت در چهارستان	۲۳ - ۱۴
حمید صفیری	تبلیغات رژیم و واقعات انقلاب سفید	۳۳ - ۲۴
عزیز محمد	وظایف نیروهای انقلابی در عراق	۴۱ - ۳۴
فریدل فورنبرگ	در باره تضاد های سرمایه داری معاصر	۵۰ - ۴۲
رلف بائوکومان کارل گایسر المار یولیسر	چگونه "مارکس شناسان" بر ضد مارکسیسم - لنینیسم مبارز میکنند	۵۸ - ۵۱
-	برخی اطلاعات در باره احزاب کمونیست و کارگری	۶۰ - ۵۹
-	طبق آمار رسمی	۶۶ - ۶۱

هدفهای حزب کمونیست اتحاد شوروی

در پرورش انسان نو

پطرم شروف

عضو مشاور پروری سیاسی حزب
کمونیست اتحاد شوروی
دبیر اول کمیته مرکزی حزب
کمونیست بلوروسی

پروژه سازندگی کمونیستی کسبالمونتهای از مردم شوروی برهبری حزب لنین در آن شرکت
دارند با وجود مشخصه بسیار متناقض و مشروط عوامل عینی و ذهنی، توصیف میکردند . مهمترین
هدفهای بنیاد آن در مرحله کنونی عبارتست از ایجاد زیربنای مادی - تکنیکی کمونیسم ، بوجود
آوردن مقاصد اجتماعی کمونیستی و پرورش و تربیت انسانهای نو . این وظایف راهگشای ساختمان
کمونیستی بطور بدیهی با هم ارتباط متقابل دارند ، در زمان واحدی انجام می پذیرند و تابع
یک هدف انفرجه بیا نگرشرفت و انسان دوستی تاریخی نظام نوین است و چنین خلاصه میشود :

"همچنین علاوه بر این برای غیروفاه انسان " .
رئیس موزتیک بد بیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی چنین گفت : " مبداء کمونیسم
که پیروزی انقلابیون و کمونیستهای اکثریت ساختمان سوسیالیسم در کشور ما در آخرین تحلیلهای روایع
امروزم در جهت این هدفها بودند که با رها ساختن مردم زحمتکش از بهره کشی و ستم برآنها تسلیس
امکانات یک زندگی آزاد ، تامين شده و از لحاظ فرهنگی و اخلاقیت سرشار با به عبارت دیگر زندگی
شایسته انسان بظالترین معنی این گنمه را فراهم آورد " (۱) .

این امکان حال حاضر کشور ما برای تولیدهای انبوه زحمتکشان از لحاظ مادی ، سیاسی و حقوقی
بفائده و تقویت زندگی بهبود شده است . چنان شیوه زندگی سوسیالیستی برقرار گردیده ، بسط و
تکامل میباید و شیوه زندگی جمع گرا (کلکتیویسم) و رفاهت ، دوستی تمام طبقات
و خلقهای کشور که بطور مستقیم حکم میباید ، سلامت اخلاقی ، اصول و موازین زندگی اجتماعی و چنان
سازمان فعالیت های اجتماعی از مشخصات ویژه آن است که هر آنچه را در انسان بهتر و نیکوتر است
پرورش داده و تثبیت میکند .

در کشور ما به معنی همگی بیگانه شدن کار با وضعی که تشریف میزند . دست و تنگتر فرد زحمتکش
که به تصاحب طبقه بهره کش در آمده و بر طبقه خود کارگر نگار میبرد و صورت نیروی خصمانه آنها را میباید
کاملاً از پای سیاسی و اجتماعی او را معدوم و میسازد پایان داده شده است . افتادن زمام امور بدست

۱ - برژنف ، ماشی لنینی ، سخنرانیها و مقالهها (بزبان روسی) ، جلد ۱ ، مسکو ، ۱۹۶۰ ، ص ۵۹

مرد ز مستحسن و الغای مالکیت خصوصی بر وسائل تولید امکان داد تا کار از حالت پدیده ای اجباری به پدیده ای اولی و طلبانه و گاه ناکامانه تنبلی از او میسر آید و در این صورت در هر یک از اینها شرایط لازم برای تحلی آزاد شخصیت و استعداد های روحی و جسمی وی تامین گردد .

طریق نظر تکبر بر شی انتزوریسمین های بورژوازی درباره اینکه سرشت آدمی گه برای همیشه ناقص و تغییرناپذیر برآمده شده و هیچ انقلابی قادر نیست آنرا بهبود بخشد ، اتحاد شوروی به سه جهان شخصیت مالکیت کومونیستی عرضه داشت که دارای خالصترین خصوصیات اجتماعی ، روحی و اخلاقی است . مملو نهان از مردم شوروی خواه در روزهای صلح و خواه در سالهای دشواری ترین آنرا میباید جنگی بطرز مضمونی خاصه ای نیکو و انسان شوروی را نظیر بر وفاداری به آثار مباحث کومونیستی قهرمانی و مردانگی توده ای و شهروند لبر و شادمانی و شوروی عالی از خود نشان دادند . آنها در همین حال صفات جالب انسانی نظیر صبر پائی ، همدردی ، خوش بینی و هوشی بزندگی راه هم بشکل بارزی نمودار ساختند . حقیقت نظر ماركسینستی درباره تنبلی پدیده تاریخی سرشت انسان و اینکه در شرایط سوسیالیسم تولید اجتماعی بدون واسطه به پروسه ای جدل میگردد که کارل ماركس آنرا با این کلمات توصیف کرده : " . . . غنا و تکامل گنجینه سرشت انسانی بنظر اولی پدیده ف (۱) " خلافا باقیات رسید .

اما این رشد فکری و اخلاقی انسان شوروی بطور خود بخودی انجام نمیگردد . پروسه تبدیل یافتن موازین و اصول شیوه زندگی سوسیالیستی و آرزوهای عالی کومونیسم به اعتقاد عمیق باطنی و جدادات اخلاقی ثابت انسانها فوق العاده بفرستج و پیچیده است .

حزب ما همواره متوجه تمام بفرستج و وظیفه پرورش انسان توده و یواسته به اوضاع و احوال مشخص تاریخی و جبهه متحده و کارهای فکری و تربیتی و گنجینه شیوهها و وسائل آن ، این وظیفه را دقیق تر ساخته و بطور خلاق مرحله عمل در آورده است . در ظلمه مکتب شوروی ما از این راه مسازویه میگردیم که به پیشگویی مالکیت شخصی و انکه انسانها از نظام کهنه سرمایه داری به فرستج بودند ریشتمندان سازه و خصائل و صفات صاحبان اموال جمعی ، صاحبان و واقفوننگاهای خویشتن و گفتند خویشتن را در آستان رشد و پرورش و هم . امروزه هر چه با روح احساس مسئولیت فراوان ، شایسته کومونیستی و کارور مالکیت اجتماعی بنظر اولی از عهد و کارهای فکری و تربیتی ، حزب کومونیست اتحاد شوروی بفرستج خود بخودی یافته است . این مطلب بویژه به جوانان مربوط میگردد که بنا باین گفته نیوسن بر خسیب ضرورت مجبورند به سوسیالیسم طرز دیگری نرسوند ، " نه بدان شکل و نه در آن اوضاع و احوالی که پدرانشان (۲) "

در همین حال دردوران سوسیالیسم پیشرفته و تأیید پرورش و تربیت شخصیت بهر تأیید بیشتر و پیچیده تر از پیش است . کافی است در نظر آوریم که در شرایط انقلاب علمی وقتی انسان چقدر با پیوسته معلومات داشته باشد تا استعداد های خلاف اوتام و کمال بتواند بروز کند و آبره بدید اجتماعی ای وجود نماید و وسیع باشد تا بتواند از مسائل بفرستج زندگی سر در آورد و موضع درست آید لولونیک و اخلاقی اشتغال کند و سازو ثبات و پایداری در راه کومونیسم گردد .

مسئله پرورش و تربیت انسان نوازلحاظ اصطلاح همجانبه بودن خود نین بفرستج ویژه ای کتب میکند ، زیرا سخن بر سرهما هتگی همجانبه پرورش و تربیت تمام افراد جامعه است و نه گروههای

۱ - ماركس و انگلس ، مجموعه آثار او (روس) ، جلد ۲۶ ، بخش دوم ، ص ۱۲۳ .
۲ - لنین ، مجموعه کامل آثار (بزبان روس) ، جلد ۳۰ ، ص ۲۶۶ .

مهمین و باحتی اکثریت مردم . در همین حال پرورش و تربیت همه جانبه روحی و جسمی انسان و آشکارسار ساختن کامل ذوق و استعداد او در آن واحد مهمترین هدف و مهمترین شرط ضروری ساختن موفقیت آمیز کومونیسم است .

هر ساله با پشت سر میماند ن هر یک از مراحل سازندگی کومونیستی شرایط بنیادی مادی و فرهنگی بهبود شرایط تربیت انسانهای شوروی بفرستج و تحکیم تر میشود و دانشمندی اجتهای آنان گسترده تر میگردد . در همین حال مملو نهان از مردم شوروی در مسیر پیشرفت خویش به مرحله عالیتری از مراحل معنوی و اخلاقی میرسد بطوریکه در آنجا احساس دیگری نسبت به خودشان ، به معنویت و تناسخ کارشان و درجه اهمیت نقش خویش در دست یافتن به هدفهای هنگامی و سیاسی پدید میآید . پروسه فکری و شخصیتهای که اهمیت هر چه جدیتری کسب میکند ، بی پایان است .

حزب کومونیست اتحاد شوروی کار خود را در رشته پرورش و تربیت انسان نوبه به تجربه ای که سازمانهای حزبی گرد آورده اند بهر اساس امکانات فرا بنده سوسیالیسم پیشرفته و طبق برنامه های ساختن کومونیستی استوار میسازند . اندیشه اهمیت ضرورت افزایش تمرکز و مجموعه فعالیت های آید لولونیک بطور برجسته در آستانه و مدارک گه به بیست و پنج میگردد ، و چنین تأکید شده است که راه رسیدن بدان " برخورد همجانبه به طرح مجموعه امر پرورش و تربیت افراد ، یعنی تامین وحدت نزدیک تربیت آید لولونیک و سیاسی و اخلاقی و برخورد بکار با د نظر گرفتن ویژگیهای گروههای مختلف ز مستحسن است " (۱) .

پرورش و تربیت انسان نوبه از ارتباط نزدیک و متقابل با تحلق علمی مسائل اصلی اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی ساختن کومونیستی جامعه عمل میشود . بطور مثال مسئله ترغیب و کیفیت را کنگره بیست و پنجم حزب کومونیست اتحاد شوروی بنظر اولی اصل عهد و برنامه پنجساله دوم مطرح ساخته و در نظر بگیریم . این مسئله بدین ترتیب از زمین پرورد اقتصاد فقط فراتر میرود و جنبه اخلاقی و روانی کلا . معنی دارد . ما بر این امر واقفیم که افزایش تمرکز و تولید کیفیت کار در تمام خلقت های تولید نیاز به بر طرف ساختن تالاب های کهنه اداره امور اقتصاد و به پایداری و بگریختن سستگیرانگه رولها دارد . از این روستا بهر برای تکمیل خود سازماندهی تولید و شاخص های از نوع کیفیت برتر رجاء معما به شکل مبارزه در تمام کمال انسانها در زمینه های حرفه ای و اخلاقی و سیاسی باز در راه پیروزی اصول رفتار و کردار کومونیستی مردم در میآید .

افراد بی هدف کومونیست و ضد شوروی میگویند گه کار باید لولونیک - تربیتی در جامعه سوسیالیستی فقط فقط به خاطر مصالح تولیدی - اقتصاد و تحمیل میشود و حزب میگوید " کنترل زندگی روزانه افراد را " تشدید نماید " و گه ماركسینسم - لنینسم بطور کلی انسانها را " ابزار گوش فرمان حزب " بشمار میآورد . این قبیل اظهارات آید لولونیک های بورژوازی در حقیقت تف سربالا است . درست در مرحله سرمایه داری است که ارزش انسان کارگرا قدر تر است و استعداد کار کردن وی میسران سودی که میتواند بدید آرزوهای میگردد . در چه چارچوب این نیازها است که امکان تحصیل علم و دانش پیدا میکند . هرگونه کوشش این افراد برای درک نظام خود در جامعه و دخالت در امور حکومت سرمایه بی اثر و بی فایده میگردد و بخوبی پدید آید علمی و صرف هزینه بسیار نا مطلوبی در امور تربیتی و تحمیل دانش بلند آید میشود .

برای کومونیست ها و برای حزب ما و برای انتفا جلوبند یا انسان وجود ندارد . بنظر ما

۱ - برزف ، باطنی لنینی ، مجموعه سخنرانیها و مقاله ها (بزبان روس) ، جلد پنجم ، مسکو سال ۱۹۷۶ ، ص ۵۳۳ .

تولید برای انسان است و نه بالعکس. اینکه چه چیزها مستتر است - منافع فرد یا مصالح کسار - و نوعی طرح مسئله است که در داخل و اساس خود ارتقا را بدست و فایده هرگونه زمینهای است و اینها مابین مفهوم هدف و مجموعه پیشرفت اجتماعی انسان و غیره و فایده او و پیشرفت او است. اصل بعد کمال به فعالیت ایدئولوژیک و ترمیمی حزب در زمان خودها نیز مربوط میگردد و نیز برای گامانه هدف و سمت آن انسان دوستی بعد اطلاق است و همه انسانها برای بهتر بودن و بیشتر زندگی بسربردن کمک میکند.

مارکسیست - لنینیست هائیکو به بدترین این فاکت واقعی تاریخی اند که در هر جامعه ای طایفه حاکم کمینکوشد ایدئولوژی خود را برقرار سازد و سیستم ارزشهای خود را مبدول دارد و زندگی معنوی اهالی را طبق هدفهای سیاست خویش تنظیم میکند. اصل مسئله این است که کدام طبقه و طبقه حاکمه است. ایدئولوژی و هدفهای سیاسی آن کدامند. آیا با آنها ایضاً یعنی تکامل و پیشرفت جامعه و منافع خودها را مردم تطبیق میکند یا نه.

در نظام سرمایه داری ابزار تولید تا ابزار ایدئولوژیک برآگاهی اجتماعی شکل نیروهای انسانی که با انسان زحمتکش بیگانه و دشمن اند داخل میکند و در جامعه بورژوازی شرایط و برتری "پسروش و ترمیمی اجتماعی" چنان است که مکتب با کفایت گوهری و در آنجا (بد بودن) برای انسان بسیار آسان است و... طلی که موجب (خوب بودن) وی گردند بسیار کم است (۱). در اتحاد شوروی همانند در کشورهای جامعه کمونیست سوسیالیستی و مجموعه سیستم مناسبات اجتماعی و سیاسی حزب مردم و سیاست ایدئولوژی تابع یک هدف است. در این کشورها بگفته فیدریش انگلس: "سخن بر سر ایجاد چنان شرایط زندگی برای تمام مردم است که با وجود آنها هرگز امکان ناپدید شدن انسانیت خویش را از آرزو اند تکامل بخشد و با نزدیکان خویش با مناسبات انسانی بسربرد" (۲).

حزب کمونیست بلوروسی بمنزله یکی از گردانهای رزنده حزب کمونیست اتحاد شوروی و ضمن پرورش و تربیت انسان نوهدنهای عالی انسانند و ستانه حزب لنینی ما را رهنمون خود قرار میدهند. مایه برنامه علمی مارکسیستی - لنینیستی پرورش شخصیت در شرایط سوسیالیسم پیشرفته تر است. هدف مشخص منجمد که مواد اساسی آن با عنوان وضعی قراوان در این اتحاد و مدارک کنگره بیست و پنجم حزب و قرارهای کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در بار مناسبات ایدئولوژیک و در سخنرانیهای ر. برزوف در بار مسائل مردم پرورش و تربیت کمونیست تکمیل شده است.

عاطل عده پرورش و تکامل انسان در جامعه ما کار آزاد و اخلاقی است که مهربانی سوسیالیستی سازمان داده شد فوهدنهای عالی اجتماعی برآن رومی تازه دیده است. ما بر این اصل متکی هستیم که کفایت اخلاقی از خصایص کارگران و دهقانان کلهخوری و مهندسان و معلمان و افراد وابسته بسسه انواع گوناگون حرفه های اجتماعی و در دسترس آنان است. کار خلاق در کشور ما بصورت یکی از موازین کار و فعالیت ملیونیهاتن از افراد در میآید. با ورسال در سال ۱۹۷۵ کارگران نوآور و مخترع و دانشمندان شوروی و ملیون تقاضای گواهی نامه ثبت پیشنها و اختراع دادند. در جمهوری ما فقط طی سال های برنامه پنجساله نهم تعداد مخترعین و نوآوران که پیشنها در هائی عرضه داشتند از ۹۸ هزار تا ۱۴۵ هزار یعنی بیست و یک برابر پیشرفت افزایش یافت. این خود یکی از دلالت قدرت افزایش یافته

۱ - ما کسیم گوهری و مجموعه آثار (بزبان روسی) جلد ۲۴، ص ۲۷۲.
۲ - مارکس و انگلس، مجموعه آثار (بزبان روسی) جلد ۲، ص ۵۵۴.

خلاقیت انسانها با الاقین سطح اندیشه و تفکر در تولید برای است. البته در این ستموزگارهای زیادی باید انجام داد. ما بر این نکته واقفیم که انقلاب علمی وقتی همین بوجود تمام حلقه های رشته تولید را در بر گرفته است. هنوز انواع زیادی از کارها وجود دارد که سلسله فعالیتی که برای انجام آنها بصورت پیچیده و میزان کافی با عناصر خلاقیت نیاز است. از این رو است که حزب کمونیست اتحاد شوروی بر این عقیده است که یکی از وظایف درجه اول ما "بهبود هرچه بیشتر شرایط اجتماعی - اقتصادی و تولیدی کار، تشدید و خصلت خلاقیت کارگران و کادرفه های همجانبه کارجمعی و شیوای تخصصی کم و دستی است" (۱). حزب کمونیست بلوروسی در تحقق تدابیر لازم برای انجام این وظایف حد اکثر توجه را مبذول میدارد. برای تحمیل و رفائی تمام سیستم مناسبات درون اجتماعات (کلیتیو) توجه خاصی مبذول میگردد. چنان مبادرا و ابزارهای برای کار معمول میگردد که ابتکار اخلاقی افراد زحمتکش و پیشرفت بیحد آنان در تکامل روحی و معنوی خود و بالا بردن سطح معلومات کلی و مهارت حرفه ای را تا آخرین درجه ترقیب و تشویق میکند.

جشن های توده ای و دسته جمعی کار و انواع گوناگون تجلیل کارگران با سابقه و انفراد پیشرو و نوآوران رشته های تولیدی و در جلسات پرشکوهِ بصف کارگران و پرگزران در آمدن در مسابقات از اجتماعات تولیدی و در شهرها و روستاهای جمهوری ما در برابر سرگشودن به سنت های نیکویش مدل شده است.

جهان سوسیالیسم برای انسان زحمتکش که وظیفه اجتماعی خود را با شایسته ترین وجهی انجام میدهد احترام فراوان قائل است. در ضمن معمولاً به تنهایی برای نتایج کاری که مشکل طبعی و شایسته معین در آمده بلکه برای خصایص انسانی فرد زحمتکش و سیاسی اخلاقی او هم ارزش قائلند. بنا بر اینکه ولا در مهربانیا کوشش در کشور شوروی "همه گارهای یک اندازه مورد نیاز است". طبعی برخورد بکار و سیاسی ایدئولوژیک و اخلاقی معیارهایی هستند که در کشور ما مقام فرد و شرافت و شایستگی وی را تعیین میکنند.

ما در هر قدم شاهد این هستیم که چگونه از آگاهی زحمتکشان در مناسبات آنها نسبت به جمع به تولید و کارهای اجتماعی خصصاتی که ویژه انسان معاصر شوروی است و اصل جمع گرائی و یعنی "تعال من برای من بلکه ما برای ما" را منجمد میسازند جلوه گرمشود. هدفمان و چاگران ایدئولوژی سرمایه داری کاغذی و پرکت بسیاری صرف کردند تا با انواع گوناگون ارتز اصول و سخن جمع گرائی در زندگی جامعه شوروی را بهیچد ارمانند و سرشت آنرا تعریف کنند. آنها میگویند جمع گرائی انسانها را قائلی و یکسان میسازد و شخصیت آزادی فرد را در هم میسازد و شکند.

در حالیکه جمع گرائی سوسیالیستی عملاً دستاوردهای بزرگ نظامی است و همانطور که با انسان کمونیست جمعی موعود خود بدستی با آورده میشود، "یک فرد فقط در میان جمع و مسائلی را بدست میآورد که بوی امکان رشد و تکامل همه جانبه استعدادها را میسازد و بر این آزادی فردی فقط در میان جمع امکان پذیر است" (۲). در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که پایه های اقتصاد و سیاسی جامعه خصلت

۱ - اسناد بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، مسکو، سال ۱۹۷۶، ص ۲۱۵.
۲ - مارکس و انگلس، مجموعه آثار (بزبان روسی) جلد سوم، ص ۷۵.

جمع گرایانه پیگیری دارد ، فرد و جمع حلقه های جدا نغذنی هم آهنگی اجتماعی با سرشت واحدی را تشکیل میدهند که تقابلا یکدیگر را خنثی میکنند .

توجه به انسان ورشد همجانانه ایدئولوژیک ، خرده ای ، اخلاقی و معلومات کنی وی برای ما شرط عمده انجام موفقیت آمیزه افش تولید اجتماعی است . این نکته در فرآیند مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی - در زمره کار فعالیت سازمان حزبی کارخانه تراکتور سازی مینسک در زمینه افزایش فعالیت های تولیدی و اجتماعی - نمایان مجموع کارگران و کارکنان کارخانه " تاکید شده است . در این موسسه در نتیجه مساعی سازمان حزبی وحدت پرورش و تربیت در زمینه ایدئولوژیک سیاسی ، کار و اخلاقی تأمین میشود . دانش فعالیت اجتماعی زحمتکشان در این جمع بسیار وسیع است . اینجا از هر دو کارگر تکنیکی در فعالیت این سازمان اجتماعی شرکت میکند ، از هر سه نفر یکی در مدار سیاسی و یاد رسی آنها ی تئوریک تحصیل میکند و تئوری مارکسیستی - لنینیستی و سایر معلومات اقتصادی و اجتماعی را فرا میگیرد ، چندین نفر فراگز کارکنان کارخانه در زمین انجام کار روزانه صادر مدار عالی یاد رسی در هر حرفه ای و یاد رسی های تحصیل میکند . این کار هم برای آنان و هم برای جامعه ضررهای تکنیکی به بار می آید . کارگران و کارکنان کارخانه تراکتور سازی روز تراژوئیک تعیین شده و وظایف برنامه پنجساله نهم را انجام دادند و اینک در صفوف مقدم مبارزه در راه افزایش شرفی تولید و کیفیت کارگام بر میزد آوند .

حاصلت خلایق کارپویه بطور روشنایی در دوره سابقه سوسیالیستی همگانی بروز میکند . این سابقه در زمین کمک به پیشرفت تولید اجتماعی امکانهای گسترده ای برای پرورش و پیشرفت همجانانه هر یک از افراد بمنزله یک شخصیت واحد برای آشکار شدن و شکفتن بهترین خصوصیات وی فراهم می آید . مردم کشور ما در جریان سابقه بخاطر بدست آوردن شاخه های عالی تولیدی رشد میکنند و قدم به هر چه بزرگتر در کار و ارزش و اهمیت کار شخصی خود بمنزله بخش از کار جمع و برنامه مردم از لحاظ روحی و معنوی تکامل پیدا میکنند . دانش گسترده سابقه سوسیالیستی بر پایه برنامه های اخلاقی فردی هر یک از کارکنان شاهد روشن آشکار این واقعیت است . ل . برزند در پیوسته نهمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی به این نوع ابراه فعالیت اجتماعی مردم شوروی آرج فراوان نهاد و بدین مناسبت در ردیف دستاویز فعالیت تولیدی کارگران و کارکنان کارخانه های اتومبیل سازی مینسک از یاد آوری شد . در برنامه پنجساله کونونی ۱۲ هزار تن از این افراد طبق برنامه های اخلاقی فردی خویش کار میکنند ، تاکنون نزدیک به ۴ هزار پیشقدمان برای افزایش شرفی تولیدی از طرف آنان ارائه شده و برحفظ نظر در آمده است .

نیادهای حزبی جمهوری و طبقه خود را در این می بینند که همانطور که در فرآیند مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی " در راه آمورش و پیشرفت و پرورش و تربیت کارهای ایدئولوژیک در سازمان حزبی بلورومی " گفته شده ، تمام کلکتیوهای زحمتکشان را مرکز واقعی پرورش و تربیت انسان نوسازند . انسان شوروی در صحبت اشخاص فهمیده ، با ایمان و غیر خواه و در محیط حد اعتدالی سخت گیری متقابل در انجام و تأیید و هم می بینند ، رهبران و مدیران موسسات مختلف سازمان های اجتماعی را نه فقط در حل و فصل مسائل تولیدی ، بلکه در مسائل زندگی شخصی زندگیگاه گاه و پیشانی برای خود احساس میکنند . سخن متاور میگوئیم قوزالمیسم را به هر شکلی که برزگردد و در تناهیزمهای فعالیت افراد بر سه کن سازیم . بویژه در حلقه های باقیمان کلکتیوهای زحمتکشان که از همه مردم نرود یک تراژوئیک و حفظ محیط حد اعتدالی توجه به هر یک از افراد در رابطه با ظاهر سازی بلکه از طریق توجه واقعی به رفاه مادی و تحسن اخلاقی آنها از اهمیت ویژه ای برخوردار است بدین مسئله توجه فراوانی میشود .

دنیای باطنی هر یک از افراد شوروی بی اندازه پهنیج ، گوناگونی و درونی خود پی نظریاست . اما اگر از کیفیت طایع مردم کشور ما بیخبر در زمان باید آنگاه در زمین گوناگونی شخصیت آنها در آنان چیزی که سلب بر تمام صیقل انسانی است وجود دارد . آن اعتقاد به اندیشه های کمونیستی است . در واقع همین امر معنی و مفهوم عالی و مفهوم عالی ، بیکر ابروی را با یکدیگر می بخشد و کارگوشی بلانزیا نفرات مرکزی میزبان و صوری هدف واحد و سون میدهد . جهان بینی مارکسیستی - لنینیستی با پایه معنوی و نظری شیوه زندگی سوسیالیستی ما را تشکیل میدهد . در برتو تئوریک و پایه اصول این جهان بینی نزدیک طبعیات و گریهها با اجتماعی و تشکلهای سیاسی اخلاقی - سیاسی مردم شوروی با اشتراک مرتبیت تولیدی انجمنی می شود . اما حتی بر شرابیل حاکمیت بلانزیا اندیشه های مارکسیستی - لنینیستی هم نباید به خود بخود به بودن (اتومبیل) فعالیت آنان ایدئوئیست . فرآیند تنهیب تئوری انقلابی بدون آموزش بنیادی و همگانی در سیستم آموزش همگانی و در وره های گوناگون تعلیمات حزبی و کومسولول و بدین تبلیغ و ترویج مرتب و دقیق فیست . قابل توجه است .

از این روایست که سازمان حزبی جمهوری ، همانطور که مورد نظر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی است به تکمیل مجموعه اشکال ، شیوهها و وسایلی که کمک آنها تا تمام مارکسیستی - لنینیستی و سیاست حزب کمونیست اعتقاد باطنی و شروت معنوی کارگران ، روستائیان گلخوری ، روشنفکران و روحانیان میگردند توجه فراوان دارد . این طریقی است که در مرحله کنونی در جمهوری ما نیز باید سرساز کشور در درجه اول با این مسئله اهمیت داد میشود که مجموعه اندیشه های گرانبیا و نظریات الهام بخش کنگره بیست و پنجم حزب لنین با گاهی چه در اول و جان هر یک از افراد راه باید . استیاد و مدارک کنگره را مردم کشور ما بر شعار و بیشتر دانستن و بصیقلی فهمیدن و بیشتر بهتر کار کردن قرار میدهند . پرورش افراد با اعتقاد بر قابل به اندیشه های کمونیستی محور اصلی کارها در ساختن و پرورش شخصیت انسان جهان نواست . با از همان دوران کودکی و با هدفی مشخص از طریق گفتار و کردار ماد تکرار باطنی به رفتار روزگاری را که در مجموع خود شخصیت کننده سیاسی انسان شوروی است در مردم بوجود آورده و در تربیت آن میگوئیم .

اما این کارها را می نیست . با طوری حال محیط پهنیج و سیاسی پرورش و تربیت در خانواده و در محیط بزرگترین . مشکل بچوان پدر و مادری را تصور کرد که نخواهند فرزندشان افراد نیک و نجیبی با آید که از لحاظ ارزشهای انسانی در بالاترین درجه قرار داشته باشند . جامعه ما برای تربیت یافتن این هدف بی شرایط لازم را آماده میکند ، اما ، با مسافانه پرورش و تربیت هنوز هم در بسیاری از خانواده ها با طوری جنبه خود بخود و ذکر کوایه دارد . در راه پرورش و تربیت والدین معمولاً سیستم لازم در نظر گرفته نمیشود و توصیه و دستورهای علوم تربیتی در تمام موارد مراعات نمیگردد . این را نباید گفت که توصیه های لازم هم از طرف افراد تخصص همیشه در اختیار آنان قرار نمیگیرد . البته در این مورد دانشمندان ما ، معلمان ، روانشناسان و متخصصان در رشته پرورش و تربیت کودکان باید اظهار نظر کنند .

با این خود در جمهوری سیستم آموزش همجانانه والدین را گسترش میدهم و بصیقلی میگوئیم . در جمهوری ما جنب مدارسی و انورسسته های دانشی های تعلیم و تربیتی ایجاد شده است که اهمیت بسیار مسایل پرورش و تربیت خانوادگی و بالا بردن میزان تخصص تعلیم و تربیتی والدین در برنامه آنها مقام مهمی دارد . انتشار کتاب و مطبوعات و برنامه های یاد بو و تلویزیون و سایر تفریحات و در مسائل

سرم تربیت کودکان افزایش میابد .
 مابرای تشدید جنبه های فکری و اخلاقی کار در میان جوانان کسب تحصیل میکند اهمیت فراوان قائلیم . در روزهای تحصیلی مدارس خصوصاً غیر تخصصی در روز بعد از نیکر و مسابقات ورزشی به جامعه تناسی فرا گرفتن اصول اخلاقی کمونیستی هم گنجانده شده و در مدرسه های عالی و مدارس حرفه ای آن هم مورد توجه است در دوره درس اخلاق (اشیا) مارکسیستی کمونیستی هم تدریس می شود .

در بر مرستات به بالا بودن کیفیت تدریس و تربیت بر پایه تحقیق پیگیر اصل کمونیستین حرفه و کار بد این آموزش توجه خاصی میشود . ما سازمانهای حزبی ، کوهنوش و مباحث تربیتی در همه جا راه انداخته ایم . در کلاسها و مدرسه های تخصصی نیز به جهت سرور و خدمت همگانی جوانان و با فعالیت همه جانبه ای پرکنیم گفته فقط با کار آوری مملو است بلکه با اشتراک و اقصی در کار تدریس هم مردم و زندگی اجتماعی همراه باشد - زیرا بدین ترتیب فقط بدین ترتیب در جوانان موضوع فعال و زندگی و به صفات و خصایل ناظر بر فرهنگ ، بلکه صفات و صفات گاه و مسلول جامعه که بنا بنگه کمونیستین مستعد باشد میتوانست . . . چنان عمل کند که در واقع مورد نیاز کمونیسم است (۱)

مسئله بهداشت و تشنگی آگاهانه و هدفمند نیازهای مادی و معنوی اخلاقی انسان و افزایش همگانی خارج و کثرت و رفاه ارزشها و معنوی و اخلاقی و زندگی همسران و فرهنگ از افراد و شرایط رفاه و رفاه افزون مردم شوروی اهمیت فراوان کسب میکند .

آرامشهای کمونیستی با پول و ثمن و پول و تنگ نازک هیچ وجه مشترک ندارند . امید و آرزوی سبب استعدا را و باید کولر های جهان بوزوای بنویشی تشنگی شکل جامعه شوروی و سرایت "هرسور جامعه بشری" بدان صحت میجوید و است . البته این درست است ، ناشناخته دنیا و پرفهنگی نیستیم ، حزب هم تمام کوشش خود را برای رشد هر چه بیشتر سطح مادی و فرهنگی زندگی مردم شوروی بکار میبرد . اما چنانچه بین ما با پرستش اشیا ، روحیه سود جویی و مال اندوزی در نیکانسی گنجد ، نظاره این است که اگر میکولوی انسان با زهر سود جویی مسموم نشده باشد فروت واقعی ران در جهان اشیا و اموال بلکه در و شمشکلی اطرافیان خویش ، در از رفاههای معنوی و رفاه به مفید شدن با کار اخلاقی برای جانشه یعنی مالا برای خویش می بیند . پرورش و تربیت انسانی کار رفاه اندوزانه در پول پرستی و مال اندوزی بلکه در امکان خود اکثریت نیز و اشتد او هسا و نیروهای معنوی میدانند وظیفه درجه اول ما بوده ، هست و خواهد بود .

حزب کمونیست بلورس می همدانند سایر سازمانهای حزبی کشور و فعالها و روشن فکران برای حل مسئله بفرنج هم هفتک ساختن نیازهای مادی و معنوی و تعیین بهترین ساختار (اشترکتور) اشیا ، بزرگترین وقت آزاد مردم ، بپروژه جوانان ، به فعالیت پر معنوی که حد اکثر ارزش را برای رشد و تکامل افراد داشته باشد مورد بررسی قرار داده و انتخاب لازم را بعمل می آید . تحصیل ، خود آموزی ، ورزش ، انجام وظایف گوناگون اجتماعی و ولایتی نسی و هنری از جمله این فعالیتها هستند که هم اکنون تقاطع در آسایش و استراحت بسیاری از مردم کمونیست دارند .

کشور سوسیالیستی بنا بنگه کمونیستین کمونیسم مردمی و آزادی مردم و رفاه و سطح رفاه نسبی است . زحمتکاران بالا تر و امنه خلافت و ابتکار آنان در تمام رشته های زندگی اجتماعی گسترده تر باشد .

کشور سوسیالیستی محکم ترو استوار تر است . مردم شوروی از برخورد خود خواهانه به امور اجتماعی و " فلسفه " انسان کوچک که معتقد است " کارا و پرکار مساندن است " بد واند . برخلاف چنین بی تفاوتی تنگ نظرانه ، سوسیالیسم مابانی فعالیتها و ابتکار آمیز و رانسانها تنه می کند و آنها را چنان پرورش میدهد که بشیوه آری و غیر مصلحت کند و مانی منافع شخصی و اجتماعی نگرند آید . سلیبونیات از مردم شوروی در کارهای جزئی ، کارشوراها ، اتحادیه های کارگری ، کوسووی و دیگر سازمانهای اجتماعی شرکت میکنند . ضمن بحث و گفتگو و جلسنها ، از طریق نامه و مطبوعات و واسطه راد و بیوتلویون آنها پیشنهاد های خود را ارائه میدهند ، بر اساس همین پیشنهادها سازمان دولتی ، برنامه های پیشرفت اقتصادی و اجتماعی ، موسسات و اقتصاد کشور بطور کلی تدوین میشود و تراضی کارها ، فاکت های مربوط به تاد رستی در اداره امور اقتصادی ، شیوه های اداره زوای (بیورکراسیم) و حدود سروری بآن شخص مسئول آشکار میگردد .

حزب کمونیست اتحاد شوروی هم بشیوه خود تمام شرایط لازم را برای بروز فعال ویژه انسانی فعال سازنده مردم شوروی فراهم می آید . حزب آنان را با درک قوانین رشد و تکامل جامعه موعلاط گسترده و در باره جریان کارهای کشور میجوید .

چنانکه میدانیم تبلیغات بیوزوای که اخبار جهانی ، مبتذل و کلام بخورد مردم میدهد ، تلاش خود را به درجه تجزیه زحمتکاران بکار میبرد و میگوید مانع از شرکت آنان در عمل و فعال مساندن اجتماعی و دولتی گردد . وظیفه تبلیغات و ارگانیهای اطلاعاتی ، در این نیست که کجکوی تنگ نظرانه و توغالی افراد میبانی را از اشیا نماید بلکه این است که برای رشد تنگ نظرانه و فرهنگی امکان دادن به فرد فرد زحمتکاران برای بکار بستن فعالیت خویش شرایط لازم را فراهم سازد تسبا در نتیجه هر یک از افراد زحمتکار بتوانند با سهولت و بیعلاقیت و با علاقه و دلشوری یک صاحب کار واقعی در اداره امور کشور و تمام زندگی جامعه شرکت جویند .

ل . بیوزوای دشمن سخنان خود در گفتارهای برلین احزاب کمونیست و کارگری اروپا خوب هر مسمنی گفت که : " ما جامعه ای فارغ از سلطه الیگارسی انحصاری ، فارغ از ترس و در برابر بحران های همکاری و فارغ از هلیات اجتماعی بوجود آورده ایم . ما جامعه افراد با حقوق برابریم یعنی کامل این گله ساخته ایم که امتیازهای قشرهای مختلف ، شریعتان و امتیازهای نژادی و نژاد بر اینها بد و راست ، جامعه ای که نه فقط حقوق افراد انسانی را علاجه دارد ، بلکه برای استفاده از آنها شرایط و امکانات واقعی بوجود می آید " (۱)

حزب کمونیست و دولت شوروی با قاطعیت با سد ارضان و مصالح زحمتکاران اند ، با قاطعیت از هر کوششی برای سوء استفاده از قدرت جلوگیری میکنند و با لاری و تهور از اصلاح انتقاد بر طبقه افراد مشخصی که به تروالیسم و اداره روائی آورد شده اند استفاده میکنند . در کشورها و فعالیتها و خطا کارهای فعالیت این بآن حلقه ادراغ کمونیستها و کارها بر ملا میشود و افرادی که در سرگردان کردن مردم بوسی تجویس بداندان و در پامال کردن حقوق و منافع قانونی اتباع شوروی بقصر اند به میسازات میروند ، بلکه سخن با نظام کسانی که بر سر راه زندگی و فعالیت عادی مردم شوروی ممانعی ایجاد میکنند ، با قاطعیت بد و ننگ عیب جایز نمیشود .

با خاطر صلح ، امنیت ، همکاری و ترقی اجتماعی در اروپا . درباره نتایج گفتارهای

محقق و آزاد بنیای مردم شوروی در جریان سازندگی کمونیستی گهترین یافته با هم میسر
 تازه ای تکمیل میکرد. در کشور ما چنان مسیحت ضلالت اجتماعی ایجاد شده است که هر سسک از
 اتباع شوروی در نیتوان میدانند زندگی و زندگی رستخیز، حق کار کردن و حقوق دیگر اجناسی و در ارج
 و اعتبار و رفتارشان بطرز اطمینان بخشی معین است. انسان زندگی کوفی و آینه اش و آینه سینه به
 تمام فاعولیت های غیر منتظره نیست. اتباع شوروی اطمینان راسخ دارند که استعدادهای
 معلومات اود انرژی و ابتکار آنها بیگسکی مورد استفاده قرار گرفته و اینست یعنی وزارت سرخورد ارخواهد
 بود.

تمام افراد زحمتکش در کشور ما اینطور مبرم در برابر فردای خود طراغ اند و خوش بینی اجتماعی
 و اطمینان به آینده از خواص آنها است. آنها میدانند که جامعه در روزهای سختی آنها را تنها
 نمیدارد و در صورت بیماری از کمک پزشکی رایگان و در صورت طبل شدن از حقوق باز منسکی بهره مند
 خواهند شد و در دوران ببری هم زندگی آنها تامین شده است.

یکی از بارزترین نمونه های انسان دوستی سوسیالیستی کتنام جوانب زندگی کشور را در سر
 میگرد مسولیت جامعه در برابر هر یک از افراد است. ضامن عدم رشد و تکامل هر فرد و آزاد و واقعی
 او نیز در همین است.

اما سوسیالیسم در زمین حال تصویر تعریف شده و در بهره زیاد و انسان را که بیگسک
 بورژوازی معمولاً آنها را آزاد می نامد و خود بخوانه فرد گرا یا نه و با و هوس افراد مربوط میکند بنا
 قاطعیت رد میکند. زیرا بیگانگی فرد با جامعه، تضاد اخلاقی و انسان دوستی و وجدان و عقل و تشدید
 بهرحالت بسیار در در صحنه رقابت و جنگ همه بر میسد. نتیجه چنین آزادی است. در سوسیالیست
 بورژوازی: با خاطر سر نوشت کسانیکه را بر نبرد نیز میماند. اگر نرم و ولایم بگوئیم: بد شانسی اوید یا نه
 روح و حیثیت خود را تمسید هد. در دنیا ای سرمایه داری عدل ترین حق افراد یعنی حق کسانیکه
 فرقی بخواهد سوسیالیستها را (او نیست) هم موقوف خود آرمایان حقوق انسانها حق نیستین
 دانسته و از طرف هیچکس تضمین نشده است.

شکای سوسیالیستها کمونیسم با تامین هر یک از افراد جامعه تا بیگان آمردن حال و آینه هر یک از
 خیر خواه جامعه و خیر خواه خوش آزادی واقعی و برابر قرار میکنند. در همین حال آزادی واقعی غیر
 از مسولیت و در برابر دیگر افراد و بر برابر جمیع جامعه معنی ای ناید بر است.
 مرد کشور ما با اتباع تلاشهایی که برای استتار امور و اذاعات زشت ضد جامعه و زیر پرچم آزادی
 و دموکراسی جعل می آید با قاطعیت مقابلت میکنند.

آنها بخواهند گان جامعه ویرد میجران فرد گرایان و مافریبان به اجرا بیاورند و افراد
 دائم الضرار را زخمید هند از هر دموکراسیها و ستانه نامر استفاده کنند. غیر سوسیالیسی
 نیست مردم و دموکراسی سوسیالیستی که ویژه شهروندی است. مردم در تمدن و سوسیالیسم
 صاحب شدن شد بد هر نوع خود گامگی و هر فردی را که خلاف منافع تمام مردم باشد، با همان قانونی
 لازم و ضروری محاربه. آزادی بدین قبول مسولیت و دموکراسی بدین انضباط وجود ندارد. در
 انطباق و شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی حق بدین وظیفه و عسک و وظیفه بدین حق وجود
 ندارد. بطوریکه ل. برزف در همین زمینه کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی یاد آورید:
 "در واقع فقط بر خورده با قبول مسولیت هر یک از افراد و بوظائف خویش و مصالح مردم بگانه زمین اطمینان
 بخش را برای آزادی واقعی هر فردی فراهم آورد" (۱)

سازمانهای حزبی بلوروس طبق رهنمود های کنگره بیست و پنجم حزب کمونیست اتحاد
 شوروی بر خورد گاه ها به وظیفه اجتماعی را در زمین گنگان و جوانان بوجود می آورد. در جامعه
 ما انسان پخته سیاسی فردی، اطلاق میشود که با هر نوع ایدئولوژی و اخلاق که مغایر سوسیالیسم
 سوسیالیسم باشد و بهر شکل که بروز نماید سر منحنه آشتی ناید بیا شد. قادر فاع از اعتقاد و ایمان
 خویش باشد و بتواند از نیروی تبلیغی مارکسیستی - لنینیستی و دستاوردهای سوسیالیسم واقعی
 ملی در برابر ایدئولوژیک با دنیای سرمایه داری بطور بیش از استفاد کند. این بدان معنی
 است که در شرایط جامعه فارغ از تضاد های آشتی ناید بر طبقاتی، در شرایطی که اکثریت بزرگ اهالی
 در کفایت تجربه شخصی مبارزه با فکاتی است بر سازمانهای حزبی و کومسول و کارهای رای ناید بولژیوی
 ماست که بکنر پرورش خود آگاهی عمیق طبقاتی زحمتکشان و مقدم بر همه جوانان باشند چه مردم
 برای درک درست قانونی و گرایشهای اساسی بسط و تکامل اجتماعی جهانی کنونی کمک
 کنند.

جهان طی دوران اخیر دستخوش تغییرات مهمی شده است. در اکثر کشورهای اتحاد شوروی
 کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و تمام کشورهای عد امپریالیست چرخش از "جنگ سرد"
 بسوی کاهش تنش بین المللی تامین شده است. این پروسه را باید بازگشت ناید بر ساخت
 اما پیروزی اند بقیتهای همزیستی مسالمت آمیز یعنی صلح و آشتی در جنبه ایدئولوژیک نیست.
 مبارزه میان جهان تنفی سوسیالیستی و بورژوازی حمله هر چه شد بدترین کسب است. نیروهای
 ارتجاعی در کشورهای سرمایه داری میکوشند بکلی شیوهها و مسائل گوناگون در فکرو اندیشه انسان
 شوروی تاثیر کنند. ثابت قدیمی و استواری ایدئولوژیک وی را متزلزل سازند و عدم های زهر آگین فرد
 کرافتی: گشت گرافی و تبخالی وطنی (کمونولیتسم) و عدم اعتقاد به پیروزی کمونیسم را مقدم بر همه
 در فکرو آگاهی جوانان بیا شد. ما هنوز که در بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی
 تاکید کردیم: در این زنگار هشیاری سیاسی شدید: کار برفتار، ملی (آپراوی) و فاع کنند
 تبلیغاتی و دفع موقوف خرابکارانهای ایدئولوژیک خصمانه شوروی است" (۱)

سازمان حزبی بلوروس با در نظر گرفتن این مسئله با اتخاذ به قرارهای بیست و پنجم کنگره
 حزب کمونیست اتحاد شوروی با اصرار و ابرام امر تبلیغی سیاست خارجی اتحاد جماهیر شوروی را تمسق
 و تکمیل میکند. فن لنینی اعتقاد ایدئولوژی بورژوازی و برین بیستی و دشمنیت و تحمیل و آشکار کردن تضاد
 های حاد تشدیدی امپریالیسم را به کارهای تبلیغاتی می آموزد.

سازمانهای حزبی بکلی گوناگون ترین وسایف ایدئولوژیک ارتباط عمیق و گوناگون نتایج کار
 و فعالیتها و اقدامات مردم شوروی را با حال و فعل و خا ترین مسائل جهان معاصر مورد استعجاب صلح
 و ترقی اجتماعی نشان میدهند. ما وظیفه ختم خود را در این زمینه کنگره های مردم را بطور
 خستینار و خسته منهن پزشکی شوروی و انترناسیونالیسم پرولتری، همبستگی بیکدیگر و انبهای مبارز
 جنبش انقلابی و عدل سوسیالیستی جهانی: با روح آماده بودن برای انجام هر چه در زراه کسک به
 برادران هم طبقه و رفیقان هر جرم در مبارزه با فاعر آینده روشن تمام جامعه بشری لازم و ضروری است
 تربیت کنیم.

کسولیت های جمهوری ما معیار و رکن میکنند که پرورش و تربیت انسان نوهسته اصلی تمام فعالیت
 انقلابی و کمر سازند مغرب لنین است که رشد و تکامل همه ما را نهمها هنگ افراد و اهلترین هدف فدیویستیکان
 می آید. هر موقیضی در این امر تک مسوولیتی و ارزند ای در تامین پیروزی کمونیسم است.

از در سهای مبارزه طبقاتی در راه حاکمیت در مجارستان

د. وینیش

عضو هیروی سیاسی کمیته مرکزی
حزب سوسیالیست کارگری
مجارستان

ایس روزها مسئله مبارزه در راه دست گرفتن حاکمیت در هر چه بیشتر از کشور های سرمایه
داری غفلت وظیفه سیاسی مستقیم جنبش کارگری را بخود میگرد. بدین مناسبت این مسئله از
نومبر بحث وید اکره است که بهنگام گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم آیا بیکتوری پرولتاریا
شوریت دارد یا غیر. بنظر من این مسئله در برخی از کشورهای پیشرفته اروپای غربی نه به این طیت
 مطرح میشود که سبن پرولتاریا و مکرانیک و ستاور های آنها حاکمیت بیشتری است. اگر چه هنگام
تجزیه و تحلیل امکانات موجود معاصران امید ون تردید مؤثر واقع میشود. یکی از عوامل عدو ای که
این تار به را بوجود آورده که الهای سرمایه داری و ساختن جامعه سوسیالیستی به ون برقراری
دیکتاتوری پرولتاریا هم امکان پذیر است. به ون شک مبارزست از بعد این تغییرات جدی در تقابلیت
نیروهای سبن الطلی و تبدیل شدن جهان سوسیالیسم به نیروی تعیین کننده ای که روز بروز شدت
می یابد. عامل دیگری که میتواند عامل قاطع باشد مبارزست از تفهیر تحول شرایط برقراری حاکمیت
خلق است و مبارزت بگزینک چنین شرایطی بوجود آمده که با وجود آنچه فقط این امکان نیست
که دیکتاتوری انحصارها وسیله اتحاد ضد انحصاری سراسری طبقه کارگر و پر طبقه و قشرهای
زمنگنان واژگون گردد. بلکه شرایط موجود چنین اقدامی را بجا می کند.

مبارزه در راه حاکمیت خلقی در مکرانیک که سلطه انحصارها پایان بخشد و مبارزه در راه تعیین
گذار کشور به راه رشد و پیشرفت سوسیالیستی با واکنش سبب آن بیکتاری از هواداران ترقی و سوسیالیسم
روبر میگرد که همستگی خویش را با کمانی که علا در این مبارزه شرکت دارند ابراز میکنند و به پیروزی
در این مبارزات کمک میسازند. در این مسئله میتواند جای شک و تردید باشد و جنبش شک و تردید بهیانی
هم وجود دارد که آیا آنچه تاکنون در هیچ جامعه امیر نشده، یعنی ساختن جامعه سوسیالیستی بدون
انگاز به دیکتاتوری پرولتاریا در واقع و احوال تازه امکان پذیر است؟ ولی چنین شک و تردید چه چاش
نمیتواند و نباید در تضعیف همستگی مبارزه بزرگ در راه سرنگون ساختن حاکمیت انحصارها،
برقراری حاکمیت خلقی و مبارزه بخاطر فراهم آوردن شرایط لازم برای ساختن جامعه سوسیالیستی
گردند.

بررسی امکانات تازه برای مبارزه در راه رسیدن به حاکمیت طبقاتی نمیتواند فقط بلامعنی تجارت
هیروی موجود محدود گردد و البته بدین در نظر گرفتن آنها نمیتواند تحقق پذیرد. بهین سبب

تطها تجربه جنبش کارگری مجارستان هم در حد خود جای توجه است.
پرولتاریا در مجارستان در زمانهای بد دستگرفتن حاکمیت شروع بمبارزه کرد که هر دو دقیقه در
دران پس از جنگ جهانی اولی در واقع و احوال گوناگون بود. بار اول در مجارستان ۱۹۱۹-۱۹۲۰
هنگامیکه پرولتاریای مجارستان جمهوری شوروی برقرار کرد. بار دوم زمستان ۱۹۴۰-۱۹۵۰ یعنی
زمانیکه حکومت تود ای در مکرانیک ایجاد شد و کشور را برای رشد و تکامل سوسیالیستی رهنمون کرد. بد
نادر این جنبش از مطالعه روی برخی از در سهای این رویداد های تاریخی نمیتوانیم.

انقلاب تود ای در اوگوستال ۱۹۱۹ حکومت سلطنتی را که سبب شعله ور شدن آتش جنگ
جهانی وینچ وید ایها و پیشانیهای آن بود از روی زمین برانداخت. سوسیالیست های انقلابی
جنبش تود ای را رهبری میکردند. شورا های کارگران و سربازان ایجاد گردید و پس از آن در برخی
از نواحی کشور عمده ها فوستانین می بساخت و تغییر بوجود آورده شد. در این مرحله حاکمیت و ولتی
را به روزواری لیبرال که با حزب سوسیال دموکراتیک ائتلاف کرده بود غصب کرده بود و نتیجه کارخانه
ها، معادن و بانکها بر طبقیت سرمایه داران و املار بزرگ در دست کت ها و بانک ها باقی ماند.

در نوامبر سال ۱۹۱۹ حزب کمونیست ایجاد گردید. این حزب با اتمام گرفتن از جنبه روسیه
و شروع مبارزه بخاطر جمهوری شوروی برجم انقلاب سوسیالیستی را در کشور ما برافراشت. این مبارزه
بدین نتیجه همراه به سرنگونی نظام سرمایه داری و اعلام جمهوری شوروی مجارستان انجامید.
حکیم شورا های کارخانه ها و کارگاه ها و شورا های منطقه ای جنگهای بدی در میان آنها را از
در وجه این جنبش متناهی میکند و این ارزشهاست که ماند و ره است. نظارت و کنترل کارگری بر کارگران
خانه ها و چکان در گسترش فراوان یافت. تمام پلاسهای و ولت انقلابی. بنط ورتنگا قرار دادن شورا
های کارگری با عدم جفقت و بررشد و علاوه بر این شورا ها دیگر خانه ها در برخی از نقاط شهری بودند که
همومست است را بدین صورت گرفتند. شورا های کارگری منطقه ای هم بنوع خود امرا را گنایا و داری
و ولتی را زیر نظر خود گرفتند و در آغاز سال ۱۹۱۹ در برخی از مناطق شورا ها بطور حاکمیت محلی شدند
نظرو با جنبش شورا های سربازان در ارتش و زندگنی سیاسی کشور افزایش یافت.

در این بروسه در مجارستان مبارزه بر طبقه نیروها بیارتجایی گوناگون هنگام هر چه بیشتری میان
کمونیست ها و سوسیال دموکراتها بوجود می آمد. اگر چه تضاد های موجود میان سیاست رسمی
سوسیالیست دموکراتیک که دید غیر تحکیم نظام سرمایه داری بود. با سیاست کمونیست ها که مردم را به
شکار بر است تشکیل حکومت کارگری فراموش ناندند به موجب جبروت ها و شدت بدی در هر دو میان ایس
احزاب را فرها هم آورد.

در ولت انقلابی تشکیل از نمایندگان پرولتاریا و سوسیال دموکراسی قان زمیند کشور از احزاب
عقب اجتماعی و ملی که از کمیت سلطنتی واژگون شده به ارت ناند بود برین آورده. بر وجه
حزب کمونیست بطور بد این افزود میدهد و تلاشهایی که برای ایجاد آن بعمل می آمد با شکست روبرو
میکردند. شمار ولتداری حاکمیت به شوراها با پیروی طبقه نایب بری میان کارگزاران و سبب انان
می چیل و میان قشری یعنی از روشنفکران انتقار میساخت و تود و های مردم نمایندگان سوسیالیست دموکرات
ها را بخود جلب میکرد. جناح چپ خوب سوسیال دموکراتیک با عدم تخرجه به شوراها و برقراری
جمهوری شوروی و بعد به با حزب کمونیست میشد. در نتیجه اتمای جنبش انقلابی در مجارستان
سوسیال دموکراتیک و ارتحاد به های کارگری ساقطیت هابه جناح چپ پیوستند. جناح
اپوزیونیست و راست منفرده شد. نقش رهبری را از دست داد و پیوسته عقب نشینی گردید. در این حال
بحران و ولت انقلابی به ضعف و ناتوانی کامل آن انجامید. ۲۱ مارس ۱۹۱۹ احزاب کمونیست

سوسیال دیموکراتیک بودت رسیدند و وحدت علمای طبقه کارگر را زیر پرچم های انقلاب امحاء کردید. برپولتاریا حاکمیت را به دست گرفتید. برقراری جمهوری شوروی اعلام کردید. دولت انقلابی که گویا مشغول شده بود حاکمیت خود را بطریق سالیان آمیزه برپولتاریا واگذار کرد. طبقات حاکمه که پس از دست دادن پشتیبانی حزب سوسیال دیموکراتیک از طبقه سوسیالیست و چارتر شده بودند قادر به مقاومت جدی در برابر پارتیامکاران و رگتختخونی سازمان یافته ای کمینه اکثریت قاطع نبودند. روسی خود جلبیکردند. نبودند. در چنین اوضاع و احوالی اگر چه اندک از طریق مبارزات پارلمانی ولی بطریق سالیان آمیزه برپولتاریا انقلاب قیام شده بود.

از دولت جمهوری شوروی و در رهبری حزب و اتحاد سوسیال دیموکراتیک سابق کنونی و اشتد ولی بعضی از آنها با اعتقاد کامل اصول لنینی رأی بر رفتن آنها نیاوردند. این حزب کمونیست یک بلشویک انقلابی استوار بود. این بلوک انقلابی در ارتقا نهایی رهبری ویژه سنگین تری داشت و حتی زمانی هم که در صفوف سالیانست ها و در گریست با یوزان تزلزل و گریختن به تنگنا بود در اوقات و مشروط پدیده آمد. جوانیست سیاست خود را حقیق بنفش. جمهوری شوروی با شور و شوق فراوان در دست به گریسازای زندگی کمپوزیک ریخ و ادب فراوان از زندگی کمیده بود. ولی خیلی زود با ایدئولوژی نظامی کمپوزیک انتابت (Brento) و برپولتاریا در دولت کارگری با اعتقاد به خیر و همای خوبی و گسترش و صیقلیت انقلاب در اروپا ارتقا انقلابی بوجود آورد که بطریق با پیروزی در زمین کیه تا حد غیر قابل تمایز ای افروخته بود. پرداخت

در جریان این نبرد که چهار ماه و نیم بطول کشید و در صفوف سوسیال دیموکراتیک و حتی طبقه آنها که با انقلاب سازد فانه به جمهوری شوروی پیوسته بودند تزلزل و نا باوری و گرایش به کنا و گشتن با آنها نشانی به بهای سرخپوکاران از کمپوزیک برپولتاریا بروز کرد. آنها نتواند و در پیوستن "مؤکراسی" و داد ولی در نتیجه سرخپوکاران آنها را باقی آنها را در میان سوسیال دیموکراتیک و برپولتاریا و در نتیجه حکومت رسیده اند که رژیم فاشیستی در کمپوزیک برقرار کردند.

میدانیم که در ارتقا و آنها در ویکولویاکی در سالهای ۱۹۱۸-۱۹۱۹-۱۹۲۰ دیموکراسی برپولتاریا برقرار کردید. ارتقا در این پیش آمد خرسند بود که باور داشتن برپولتاریا از انقلاب سوسیالیست ساختن نظام سرمایه داری امکان پذیر کردید. اما ارتقا به پیوسته از این راهی نبود که نتیجه مبارزه داشته حقوق دیموکراتیک آزادی بیمران آزادی و وسیع تر شده بود و خود را برای زمین برپولتاریا برقرار کرد و برپولتاریا دیموکراسی برپولتاریا آنها را با دیموکراسی همان طور که در ایالتها اتفاق افتاد. کوششهای فاشیستی در آلمان و اتریش و دیگر کشورهای این نوع پیوست.

من از این بابتی که در این مورد که معتقدم با دآوری در من که به بهای گزاف برافراشته اند شده و اینکه بیوجه و بیجا است. هنگام بروز شدن با خطر کمپوزیک و نیمه فاشیستی در قاع از این جهت است.

برپولتاریا و دیموکراسی هم به طبقه سوسیالیستی جدید لنینی و دستوراتد نقش قاطعی در تعیین جهت فاشیستی اجتناب ناپذیر کند. وظیفه دفاع از دیموکراسی زمانی که حاکمیت خلق تثبیت نگردد. حتی اگر این حاکمیت هنوز نظام سوسیالیستی برقرار نماند. اهمیت بیشتری کسب میکند. حتی نیست در ایستادن بلکه کسی فردی بخود راه دهد که حاکمیت خلق کشورها هم که برای سوسیالیستی گام میبندند اما اقدامات آنها را کارخانه ضد انقلابی که ارتقا بین المللی و تلاش سازمان میدهند بهمین آید و زنده می کند.

پس از آنکه طبقه کارگر متحد اکثریت قاطع مردم را در دستش حاکمیت خود بخواند دیموکراسی برپولتاریا را برقرار کرد باید و در قاع از آن در برابر حملات دشمن داخلی و ارتقا بین المللی حفظ باشد.

بویژه که دیموکراسی برپولتاریا با حمایت خود را بنیان نماندند. زیرا هدف آنها آن بود که اکثریت مردم است. این آماده شدن برای دفاع بهترین و وظیفه هر نوع حاکمیت خلق است و اگر آنرا انجام ندهد تا خود میخورد. ولی در ضمن حال این هدف دشمن وظیفه حاکمیت خلق و از جمله حاکمیت خلق از نسوع دیموکراسی برپولتاریا نیست.

در ماه سال ۱۹۱۹ هنگامیکه جمهوری شوروی مجارستان در گمرک تازه منگلی بر طبقه برپولتاریا برترتانتان بود. لنین طی شاد با همی بنکارگران مجارستان آنان راه قاطعیت و در ضمن حال آتشش تا بدهی برای با هرگونه تردید و تعلل فرامیخورد و این مطلب را تاکید میکرد که "حاکمیت دیموکراسی برپولتاریا تنها در احوال جزئیست و مطلوب همه در احوال جزئیست. با محبت اصلی آن در سازمان یافتگی و انضباط گردان به پیشرو جنگستان. بهشتا زمان. بیگانه رهبران برپولتاریا است. هدف آن ساختن سوسیالیسم. تا خود کردن تقسیم جامعه به طبقات. تمام اعضای جامعه را از جنگش باز آوردن و از این برودن زمینه هر نوع استقامت را از برای است" (۱۱)

تردید نیست که با افعالی طبقات حاکمه سابق و تحلیل رفتن اکثریت نیاوردگان آنها در صفوف جنگستان و طبقه سرکوب حاضر دشمن در احوال کمپوزیک و دیموکراسی. تلاشهای خرابکاران داخلی که در ولایتها امپریالیستی محرک. پشتیبان سازمان دهند و آنها نمیتواند این برپولتاریا را که در پی نمیتواند آنرا شوق سازد و این نکته در موارد بسیاری به کمپوزیکهای سوسیالیستی که از سیاست لنینی پیروی میکنند. هر قدر هم ارتقا جهانی در جریان فعالیتها و تبلیغات مداوم خود برای تخریب این تجربه تلاش بخارج به دهد. به اثبات نرسد.

ارتقا شوروی که در اورد سته قاطعیت ها را از کمپوزیکها نیز پیروی راند و رساله های ۱۹۲۴-۱۹۲۵ را راه آزادی برقراری حاکمیت خلق بروی مردم کمپوزیک. شش ماه وقت لازم بود تا نتیجه جنگ سرمایه دیموکراسی برپولتاریا و قاطعیت ها کمپوزیک برقرار شده بود. هر چه سرخپوکاران بافتند برودند و در فضا ان این بود که سوز زمین بیجان و خوار شده ای از خود بجای گذارند. آنها بطور کامل بدین هدف خود نرسیدند. ولی در نتیجه عملیات جنگی زینهای جدی بکشور وارد آمد. حزب کمونیست که پس از ۲۰ سال کارشغال از نو آفریده اند میان مردم فعالیت میکرد بر ناه راستا خطی و دیموکراتیک راند بین گسرد و در همان او اواخر سال ۱۹۲۴ در رخسار خاوری کشور آزاد شده بود آنها منتشر نمود.

کمونیست ها که نقش سنگین سازماندهندگان آسمانی کشور را بر عهده گرفتند تمام دیموکراسی و دیموکراتیک را به همکاران در دولت کردند. همکاران بسیار بزرگی بیوژمان حزب کمونیست و سوسیال دیموکراتیک برقرار شد و این هنگامی بود که در رهبری حزب سوسیال دیموکراتیک طرفداران وحدت کارگری و دیموکراسی خود ای اکثریت یافتند.

او اواخر سال ۱۹۲۴ در اوضاع و احوالی که شرح آن گذشت. در سرزمین های خاوری آزاد شده و پس از ختم کار جمهوری شوروی طبقه کارگر حاکمیت خود دیموکراتیک با محرصه وجود نهاد. در چنین شرایطی با سرمت انقلابی اصلاحات از برای انجام شد که دیموکراسی مالکان بزرگ با مان داد. تجدید حیاطها سازای کشور که به کوشش فراوان طبقه کارگر و همان شهید ست که تازه صاحب زمین شده بودند در رجه اول و همچنین دیگر قشرهای دهقانان که با داریهای فراوان دست به گریبان بودند نیز زنده بود. بطور گسترده و وسعت آن آغاز کردید. طبقه کارگر و دهقانان از تروار به تحمل بار عهد با سازای کشور بودند که کمپوزیک آنها سازمان یافته بود. اطمینان داشتند که کمپوزیکها را گردانند

کشور مردم خواهد بود و سلطه و حاکمیت صاحبان کارشل ها ، پلدا ایران کلان ، مالکان و پیمانندگان آنجا برگشتند دارد . آنها با این شعار حزب کمونیست باور داشتند که : " کمونیست متعلق دارد ، تسو آنرا برای خود میبایز ! "

این تلاش و کوشش مردم زحمتکش در شرایط دشواریهای بزرگ اقتصادی و مبارزات سیاسی بسیار شد بد چه مصلحتی میبویشد ؟ هنگامی که این حاکمیت خلق کارخانهها و معادن هنوز در مالکیت سرمایه دارانی بودند که میخواهند حاکمیت سیاسی را هم از دست بدهند . نمایندگان بورژوازی مالکین که برای این خود را از دست داده بودند به عضویت حزب لیبرال کارفرمایان کوچک که در راستای سلاسل ملی شرکت داشتند در آمدند ، بورژوازی که به آنها سر دموکراتها در آمد و به مواضعی که هنوز در طرز اینها و حاکمیت داشت متکی بود برای راندن طبقه کارگران این مواضع مبارزه برداشته بود . تمام فعالیت بورژوازی با آنتی سوسیالیسم و آنتی کمونیسم مشخص میگردد . نمایندگان بورژوازی سعی داشتند انجام سیاست ضد انقلابی خود را بقدم بر همه دورههای حزب کارفرمایان کوچک تا همین سازند . آنها بکنک موزن اطراف جناح راست ضد کمونیست حزب سوسیال دموکراتیک هم اید بخته بودند . بورژوازی با ستادها و اینجانبانی کامل رهبران مرتجع کلمبا ، به احساسات ارتجاعی بخش بزرگی از کارمندان سابق هم که هنوز در دستگاههای اداری باقی مانده بودند دل بستگی بود . آنها پیوسته اید فراوان بکنک ارتجاعی انگلستان و ایالات متحده آمریکا داشتند .

۱۹۴۸ ، پس از جامعه هیروشیما و ناگازاکی امید آرزوی ارتجاع پیوسته افزایش یافت . ارتجاع با اتمام داشت که انحصار سیاسی اطراف آمریکا بکشورهای غیر امکان ندارد بلکه بدین مانع در امور سیاست و امید دهد و نتیجه به حکومت بلق در این کشورها بماند . او را خواهد شد . مالکان سابق با شتاب دست با فدا ماتی برای بازگرداندن زمینهای از دست رفته زدند و سرمایه داران میکوشیدند با شدت بیشتری در امر احیای صنایع خرابکاری کنند . ولی طبقه کارگر و دهقانان تشدید است این تلاشها را خنثی کردند و محصله قابل پرداخته پرداختند . شعار حزب کمونیست در این شرایط " زمین را باز پس نگیرد هم ! " تحقق پیدا کرد . تقاضای اقتصاد بخوابانده حکومت توده ای دموکراتیک و همچنین شرکت هر چه موثرتر کارگران در اداره امور و همکاریها و کارخانهها راه را بر خرابکاران بستند . معادنی ملی شد پس از آن برخی اینکها همای عظیم صنایع سنگین به تصرف دولت درآمد . در اوقات سال ۱۹۴۲ انجام نخستین برنامه سه ساله اقتصاد ملی کشور که از طرف حزب کمونیست طرح بویخت و من شده بود آغاز گردید . در این هنگام بانکها و بزرگترین کنترل دولت بودند و بعد ها مالکیت تمام شرکت درآمدند . در بهار سال ۱۹۴۸ تمام کارخانهها و فابریکهای بزرگ ملی شدند .

وحدت کارگری در جریان مبارزه در راه دگرگونیهای عمیق سوسیالیستی استوار گردید . همکار و تکامل یافت و تمام تلاشها در ارتجاع داخلی زمین الطبی برای تخریب آن جهت وحدت بود . در همین حال اندیشههای لیونیسم دامنه گسترش هر چه بیشتری یافت و شرایط برای وحدت کوشش اجزای کمونیست و سوسیال دموکرات ایجاد میگردد . این وحدت در تابستان سال ۱۹۴۸ به پیوسته مبارزه مشترک چندین ساله در رسپای آن پدید آمد مشترک ساختن نظام سوسیالیستی ملیس گردید . تلاشهای ارتجاع برای این برودن اتحاد توده ای دموکراتیک طبقه کارگر و دهقانان که جناح دموکراتیک حزب خرد مالکان را هم در بر میگرفت با شکست روبه رو شد . حزب خرد مالکان که از لحاظ ترکیب طبقاتی خود همگون نبود ، در نتیجه تحکیم اتحاد کارگران و دهقانان به اجزاء متشکله خود تقسیم گردید . دامنه نوسازی کشور اکثریت قاطع روشنفکران را هم بخود جلب کرد . بدین ترتیب اتحاد توده ای دموکراتیک کارگران ، دهقانان و روشنفکران نقطه اتکا عمده دگرگونی سوسیالیستی گردید .

حکومت توده ای دموکراتیک برای اینکه طبقه کارگران رهبری کنند و پیوسته رستاخیز ملی بتواند از طریق نسبتاً مسالمت آمیزی کشور را برای سوسیالیستی هدایت کند ، امکانات لازم را فراهم ساخت . اکثریت پارلمانی نیروهای چپ در این جریان نقش جدی ایفا کرد . شرکت مستمر توده ها به تشکیلات دیم پارلمانی خود بویکله در پیوار ساز سیاسی و تبلیغاتی ارتجاع نیز نقش مهمی داشت .

حزب کمونیست در سال ۱۹۴۶ این توده را در برابر خود قرار داد که انقلاب توده ای دموکراتیک را از راه مسالمت آمیز ، به انقلاب سوسیالیستی بسط و تکامل دهد .

برخورد حزب مادر این مرحله به دیکتاتوری پرولتاریا چگونه بود ؟ حزب کمونیست در آن لحظه معتقد بود که دموکراسی توده ای برای سوسیالیسم بسندون دیکتاتوری پرولتاریا است . این نظریه موجب بحث و مذاکره آن در حزب گردید که هر قدر رهبر پیوسته دگرگونی پرده سوسیالیستی جلوتر میرفت به شور و حرارت آن افزود میشد . اما موضع گیری رسمی حزب مادر دست همین بود و اکثریت مطلق کمونیست تمام آنها پذیرفت .

میدانیم که در آن دوران این تشکیلات حزب مانور که چنین نظری داشت . در ارتجاع و احوالیسی که حزب در دولت شرکت داشت در اداره امور کمونیست نقش اساسی ایفا میکرد و وضع چنین بود . اشتباه بود اگر تصور شد که چنین موضع گیری فقط جنبه تاکتیکی داشت و از آن برای راهی کردن کسانی استفاده میشد که هوادار سوسیالیسم بودند ولی با دیکتاتوری پرولتاریا که تا آن حد و جنبه تبلیغاتی ضد کمونیستی ، سر ارج و اعتبار شده بود مخالفت میکردند . رهبران حزب ، هدایت اول مسئول گت اکثریت آنها و واقعا هم اعتقاد بدین داشتند که اگر کمونیست طریق مسالمت آمیز را پسند

برای سوسیالیستی گام نهد در تکیه برای رسیدن به هدف های سوسیالیستی حکومت کاری نظیر دیکتاتوری پرولتاریا لزومی ندارد . زندگی برخلاف مدل کمونیستها بود و آنکه آنها در این جریان تقصیری داشته باشند و این نظریه وارد کرد . در ارتجاع و احوال " جنگ سرد " ککشورهای غیرنیس آنرا آغاز کردند و نشان دادند که آمریکا آنرا میبویزد و همچنین در شرایط مبارزه سیاسی داخلی بسیار شد بد که ابراه رشد سوسیالیستی با تشکیلات دیکتاتوری پرولتاریا تطبیق گردید . در آنجا کارچینیس معلوم شد که دموکراسی توده ای نقش دیکتاتوری پرولتاریا را ایفا میکند و در واقع هم منظور بود . بعد ها جابجاری نشان گردید که حکومت زمین اینکه از لحاظ سرشت خود یک حکومت کارگری است سیستم دیکتاتوری پرولتاریا شکل دموکراسی توده ای پرولتاریا است .

بدین ترتیب این فرضیه ماکه دموکراسی توده ای بدون دیکتاتوری پرولتاریا به سوسیالیسم نمی انجامد درست در نیامد . با اینهمه این فرضیه با چیز تازه ای همراه بود که سیاست بدین شکلی باشد . مقدم بر هر چیزی اینکه وضع جهان تغییر کرد ، بود و تقویت بین المللی اتحاد شوروی که تقسیمی اصلی را در پیروزی بر فاشیسم ایفا کرده بود افزاین یافته بود و قواش شریک کشورهای دموکراسی توده ای و این امر بویکله مداخلات کشورهای امپریالیستی تضمین میکرد .

دوم اینکه در میان ریسکان در شرایط حکومت توده ای دموکراتیک و در جریان دگرگونی پرده سوسیالیستی ، طبقه کارگری فقط توانست قشرهای میانوازی جمله دهقانان مانند حال را به طرف کند و بخش بزرگی از آنان را به متحدین خود مدول سازد . لگشورف شد کشورها با اتکا به اتحاد گسترده توده ای دموکراتیک برای سوسیالیسم سوق دهد . حاکمیت کارگری هم به شکل حکومت توده ای دموکراتیک کمسکی با این اتحاد بود تشکیلات یافته بود .

این وضع امکان آنرا کرد و در میان ساختن سوسیالیستی زمینهای توده ای حکومت توده ای دموکراتیک همچنان پیوسته باید و قشرهای میانه ای که تا حال به طرف بودند به سمت دین آن بدل گردند تا بدین ترتیب پیوسته متفرد سازش نیروهای ارتجاعی ، از زمین برودن بهر کمسکی و متحدین تمام اعضا

جامعه به افراد زحمتکش و شایسته کند ، افزایش یابد .
 وطن رهبری حزب مادر آنتیگام و انزوتاری در پیکتوری بر طبقه اشراف جگر می نینت نکرد . طبق
 تمامه نین قهرهای زحمتکش و از جمله دهقانان بهانه حال را که در رخصت سازی و در راه حاکمیت
 فقط بپردازد که به اندام بدنی از نیروی حاکمیت کارگری بخزله شده نمیون آن جلب کرد . رهبری
 حزب مادر آنتیگام حکم اشتباه آمیزی و املاک صل قرار میدهد که طبق آن در دوران موجود نیست
 در پیکتوری پروتارها مبارزه طبقاتی بطور اجتناب ناپذیر بهر هواری تشدید میگردد و صل ساختن اتحاد
 توده اند موکراتیک تشدید بدنی اساس جنبه در پیکتوری حاکمیت را ضاع خود قرار داد . این جریان
 با اشتباهاتی که در روند و گسترش اقتصاد و دیگر بخشها بطول پیوسته بود و همچنین با دیگرین آمد های
 و ضمیر پریش شخیصت همراه بود .

مجموع این عوامل علیرغم دستاوردهای بسیار جدی صنعتی کردن سوسیالیستی موجب منفرد
 ساختن عناصر مخالف و تجمع چنان اشتباهاتی گردید که مستوانست مورد استفاده وسیع از طرف
 تبلیغات ضد انقلابی قرار گیرد و از آنها در فعالیت های آشکار و نهانی خرابکارانه بهره برداری شود .
 در سال ۱۹۵۶ در چین با کمراه کردن بخش بزرگی افرادی که اوضاع را در وضعیت ندرت حتمی
 توانست برای یاد آوری کردن حکومت کارگری دست با اندامی بزنند . بدین ترتیب رهبری تازه حزب
 پس از رفع تلاشهای ضد انقلاب ناچار شد بسیاری از اشتباهات را تصحیح کند . حکومت کارگری را
 امتحان بخشید و سیاست نینتی اتحاد طبقات زحمتکش را به مقیاس گسترده تری دنبال کند .

سخن با زکشت به جرح و جثه های کنونی بررسی این مسئله جالب است که این فرجه گذر شرایط
 تازه کنونی سوسیالیسم در برخی از کشورها پیشرفته سرمایه داری بدون دیکتاتوری پروتکتاریا
 تحقق پذیر است بر چه فاکت های واقعی بنیان گذاری شده است . بر این واقعیت که بر نره سرمایه
 داری و ولتی افزایش یافته به اینگونه در زمینه حاکمیت توده ای و موکراتیک می تواند میزان زیستانی
 افزایش یابد و چنان نقطه اتکاء گذار به راه رشد سوسیالیستی گردد که در پاریس در گذشته حتمی
 سخنی هم نصیرت ؟ با بر این واقعیت که سطح تکنیکی امروزی تولید و فشار انحصارهای بزرگ تولیدی
 کنندگان کوچک را به همگاری تما یون شد بدین امر انگیزه و آگرایش نتوانند مانع از آن شوند که حیوانی ها
 آنها به یازده انحصارها مبدل شود و با آنکه حاکمیت توده ای و موکراتیک از چنین وابستگی
 اختتامی آوری رهایی یابد آنوقت صلا به درگساری سوسیالیستی کشور کمک نخواهند کرد ؟ بر این
 واقعیت که بخش بزرگ روز افزونی از قشرهای مانع میمانند طبقه کارگر به برین وقت انحراف اجتناب
 جدی ت با بند سرمایه داری را در طریق سوسیالیسم جستجو میکنند و این پدیده در موزیکوری و گرایش
 های واقعی نمایندگان سیاسی آنها جلوه میکند ؟

در هر حال ، تصور هر چه سخن بر سر موطنی است که احزاب برادر آنها را با کامل وقت مورد پژوهش
 قرار داده اند تا بتوانند از آنها نتایج سیاسی لازم را بگیرند . اما در این نکته جایی تردید نیست که
 اگر بجای دیکتاتوری انحصارها کنشورهای را که بر آنها حکومت میکند به بن بست و پایه ماجراجوییهای
 خطرناک میکشاند حکومت توده ای و موکراتیکی برقرار گردد که هدفش تامین درگساری واقعی سوسیالیستی
 جامعه باشد ، یعنی زمینه استقرار از رز در این مورد و هر یک از افراد جامعه را به تسری
 زحمتکش مبدل سازد ، آنوقت ، چنین حکومتی ، هر شکل ملی که داشته باشد وظیفتهای رهبری دیکتاتوری
 پروتارها را انجام خواهد داد .

این روزها این مسئله هم گامها در جامعه سوسیالیستی نیستیم چند جنبه مظلوم است و با همواره
 باید کوشید تا تنها یک حزب وجود داشته باشد موضوع بحث و اختلاف است ، جبر به نظر نمی آید
 که پیشرفت سوسیالیستی در هر دو سال امکان پذیر است . هرگاه میبست چند جنبه به انجام برنامه

ها و تحقق هدفهای درگساری سوسیالیستی جامعه را برسانند ، در آن صورت جهات طبقات چنان
 سیستمی میباید نقد تعیین کنند ، داشته باشد به وسط و تکامل و تحکیم اتحاد توده ای و موکراتیک
 صلح و سوسیالیستی طبقه کارگر و طبقه باقی و قشرهای زحمتکش کمک کند ، حتی در حالتی هم که
 نیروهای ارزنده ای در جریان رقابت های سیاسی میباید به دورود ، اما اگر مبارزه برای بدست
 گرفتن حکومت در تمامه استعجاب احزاب حاکم باشد آنوقت بعقید ماصور نمیگردد که بتوان مانع از این
 شد که نیروهای ضد سوسیالیستی ، داخلی و خارجی که به لباس " موکراتیک " یا حتی " سوسیالیست
 در آمده اند دست با اقداماتی برای فلج ساختن ساختمان سوسیالیستی و واژگون کردن حکومت
 توده ای بزنند .

اگر سیستم چند حزبی در کشور سوسیالیستی دارای خصالت اتحادی است که بر پایه هدفهای
 سوسیالیستی مشترک برای همه برقرار گردد به با این هدفها مشخص و معین میگردد .
 در آن صورت بنا به مشخص ما پس از یک فاصله زمانی کوتاه و با دراز اندیشه های مارکسیستی - لنینیستی
 بطور واضحی دارای احزاب متحد با کمونیستها هم انتشار می یابد . در نتیجه تمام این احزاب متحد
 میبایست در صورتی که از پیوسته ، حزب واحد تشکیل دهند .

پیشرفت اوضاع سیاسی در سالهای ۱۹۴۵ - ۱۹۴۸ در مجارستان ، پس از آغازی حاکمیت
 مالکان بزرگ و سرمایه داران و گذار کشور به راه اشتراک با برنامه سوسیالیستی ، به بهرین و اندک اکثریت
 نیروهای ضد کمونیستی از احزاب انقلابی منجر شد . اگر در پاریس سال ۱۹۴۴ برنامه رستاخیز فلسفی
 که از طرف کمونیست ها پیشنهاد شده بود ، به برنامه مشترک تمام انقلابی ملی مبدل شد ،
 در سال ۱۹۴۷ نخستین برنامه سه ساله ای هم که از طرف حزب با طرح گردید به چنین برنامه
 مشترکی بدل شد . احزاب انقلابی که از اکثریت عناصر ضد کمونیست پاک شده بودند در این راه پیروفتند
 که رهبر سیاسی کشور حزب کمونیست است و این موضوع ت آن با حزب سوسیال دموکرات این رهبری را
 متعلق به حزب زحمتکشان مجارستان میدانستند . این امر به بدان سبب که حزب با منقصر رهبری
 کنند مشخص و اعلام میداشت ، بلکه بدین علت که با ضام فعالیت خویش این اصلا با اشیا رسانید ،
 مورد قبول و احترام همگان بود . در نتیجه رقابت سیاسی در تمامه میان احزاب - متحد پس
 مسئله درجه دومی بدل گردید .

احزاب انقلابی ، یعنی حزب مردم مالکان و مزدبدهانان که قشرهای معینی از تبه بدستان
 و روشنفکران را متحد میکردند پس از این بیخ برنامه ریزی و تقاضای مشخص ساختن سوسیالیستی در واقع
 آنها هم بشخصه سیاسی میگرددند . بدین ترتیب شرایط بسیار مناسبی برای اینکه سیستم چند حزبی
 بر پایه صل ساختن هدفهای مشترک سوسیالیستی بنا گردد و راه دهد موجود بود ، ولی در افسر
 تحریف های ناروا در سیاست رهبری حزب و دولت در سال ۱۹۴۹ عکس این حالت پدید آمد . امکانات
 فعالیت احزاب موظفه بصیرت محدود گردید و وطن بدت کوتاهی بگن این برده شد . بخش چشم
 گیری از طرفه داران اتحاد قدیمی احزاب بدون شوق و علاقه خاصی به جرحال دست اندر کار ساختن
 سوسیالیستی کشور شد . اما بخیر دیگر به اراده خود به بطور اجبار در حالت پاسیف باقی ماند .
 این یکی از این آمده های سکتاریستی محدود ساختن سیاست اتحاد بود .

بعد ها عناصر ضد انقلابی در جریان اقدامات تفرقه طلبانه حکومت کارگری بخش معینی از ایستمن
 افسراد " در لاک خود نیروفته " را به فعالیت واداشتند و با چهره دشمن آرزو مغایری بحق صیای آنان
 را مورد استفاده خود قرار دادند . با فورس سال ۱۹۵۶ ضمن تلاش برای تحقق ضد انقلاب شعاریستیم
 چند جنبه مطرح شد و تا میس احزاب مختلف آغاز گردید . اما در آنتیگام از این جریان میخواستند

همانند وسیله اند برای واژگون ساختن حکومت کارگری استفاده میکنند. در همین حال کسانی را که در گذشته دکتوریت ها همکاری کرده بودند به احزابی که با آنها قبلاً همکاری نداشتند راه نمیدادند. باید گفت برخی از رجال و شخصیت ها ارتباطشان با دکتوریت ها جاتی بیسود و بیفایده بود و آنها استفاده نداشتند. ولی این قبیل افراد از همکاری با دکتوریت گروهبانی، همبستگی گریش های ضد انقلابی آشکارشان، خود داری کردند در هنگامی که کوشش برای واژگون کردن حکومت کارگری با شکست روبرو شد. اینها هم که برای احزاب دکتوریت چند حزبی بعمل میآید پایان داده شد. در سال ۱۹۶۶ این سیستم دکتوریت بعنوان وسیله ای در دست دشمنان حکومت کارگری و همان امپریالیست های غرب پستی بی ارج و اعتبار رها شده بود. اما در برابر حکومت کارگری که از توانستگام یافته بود وظیفه همکاری در ساختن جامعه نو با تمام افراد و از جمله با کسانی که در گذشته به پاسیف بودن "بنا برده بودند" و یا کسانی که آمادگی بودند بدون واسطه در این امر شرکت جویند برای تصحیح اشتباهات گذشته کمک رسانند مطرح شده بود.

حزب بسط و تکامل پر دامنه اتحاد سیاسی کمونیست ها و افراد غیر حزبی را در چهارچوب جبهه متحد می بیند. در دستگیر کردن افراد. سیاست اتحاد های لنینی در ارتباط با موضوعات و اجزای معین در جنبش و طبقه ای تجسم پیدا کرده. جبهه متحد ای با سرمتی پیش از آنچه انتظار صرفت استسکام یافت و به تعامل نیم به شرکت سیاسی کشور وصل گردید.

بسط و تکامل دموکراسی سوسیالیستی در تمام عرصه های جدید زندگی اجتماعی شرط اصلی تحکیم دیکتاتوریت پرولتاریا است. ما این را که ساختن سوسیالیستی و شرایط وجود سیستم یک جا چندین جنبش انجابه می باید حاصل نمین کنند. به شانری آورییم. اصل مطلب در این است که در عمل حاکمیت زحمتکشان هر چه کامل تر تریا بیند. و انقادی استوار تر از طرف و احتلا یادی فرهنگی مردم و شکوفایی سوسیالیستی ملت جامعه صل باشد.

پیشرفت سیاسی نظام اجتماعی ما حالا در یک پیمان گسترده بر پایه های سیاسی که با برت رسید به پیسود جریان دارد. نظام اجتماعی ما بطور قاطع بر پایه و اساس پیوسته خود بسط و تکامل پیدا میکند. برای مردم معیارهایی که دشمنان سوسیالیسم عرضه دارند و گویا همه بسود "دموکراسی" و "دکتوریتی" سوسیالیسم" است و اینها نیکه از خواستهای های گوناگون افراد با حسن نیت ما میگویند. تمیزین کننده تمیزت، معیارهایی برای مردم مطرح است که از آنهایی ما بر تفاوت های واقعی، ارزشمندی آن وظیفه تاریخی بزرگی که ساختن جامعه نو ترویج و پیشرفت اندیشه های سوسیالیستی را شامل میگردد، سرچشمه میگردد.

یکی از این معیارها مراعات آزادی وجدان است که برای پیشرفت نظریات سوسیالیستی و برای همبستگی سیاسی با کسانی که در بار مسائل معینی بحث و اختلاف داریم ولی سیاست کلی حزب و برنامه های سوسیالیسم اتحاد سوسیالیستی را می پذیرد و آمادگی دارد در انجام این برنامه ها کمک کند. ضرورت جدی دارد. تامین آزادی وجدان به همبستگی سیاسی با توده های بیانی که احوال و روحیه مذمومی دارند و با رجال مذمومی که ساختن سوسیالیسم را وظیفه خود بشمار می آورند کمک میکند. حزب همساز سیاسی آنان برای تلقین نظریات مذمومی با براتیک ایجاد جامعه سوسیالیستی به چشم اجتراس میگرد. همچنین ملت نیز جلال مذمومی و از جمله رهبران آنها با وجود آنی آسود نمیتوانند در فعالیتها تارگان سیاسی جبهه متحد ای می بیند شرکت جویند. میدانیم که مبارزه و بره حاکمیت باید دست گرفتن حکومت بهایمان نرسد. مبارزه در راه جفبط

آن که با کار بزرگ دگرسازی جامعه در هم آمیخته اند و دارد. این برویسه در اوضاع و احوال کشور ما و پیچیده ما، نه فقط در کشور ما لنینیست ها باندگی اقتصاد فرهنگی را هم شامل نمیکردند که طبعا یک وظیفه جدی "اضافی" بود. در جریان تمام این کارها فعالیت حکومت هم نمیتواند بدون تمیزین باقی بماند. در فریب اینطور ما بلندگوسیمست یک حزب مارانسی سیستم "توتالیتیر" بنامند. اما این یک سوء تفاهم توتال و بایک دروغ توتال است که به شرکت هممانه فعالیت اجتماعی ما، همکاری همه جانبه اعضای حزب و افراد غیر حزبی، اشتراک نمانند مردم و دموکرات گون ارگانها و ولتسی و مقدم بر همه در امور شرها و محل آنرا ملارد میکند. توسعه و تکامل فعالیت های سازمانهای اجتماعی و از جمله سندیکا ها در این زمینه نمیتواند نیمه مخفی باشد. آنها در امور صوری و پیشرفت حکومت توده ای کمک کردند. و در شکل حکومت و در آما در ساختن و انجام برنامه های ساختن سوسیالیستی شرکت می جویند. در تصویب قرارها و تصمیمات دولت، تقسیم و توزیع فواید های صرفی چه به قیاس کشور و چه در سطح های پایین تر سندی بگاها از حق رای برخوردارند، آنها در رتد همین برنامه های فرهنگی و اجتماعی - سیاسی شرکت میکنند و در انجام این برنامه ها نقش بزرگی ایفا می کنند. سندیکا ها در پیش بدوش حزب فعالیت میکنند و سیاست آنها تمام و کمال قبول دارند. اما در عین حال سازمانهای مستقلی هستند. به همین علت هم آنها نمیتوانند پیشیمان مؤثرتری برای حزب و دولت در انجام وظایف کلی و روزمره باشند. اجتماع طعی هم نقش روز افزونی در زندگی اجتماعی ما به عیبده دارند و اتحادیه های فرهنگی و ورزشی و جمعیت های گوناگونی که برآورده و خواستهای سیاسی و اجتماعی اند نیز چنین نقش را ایفا میکنند و کشور سوسیالیستی ما پیشیمان جدی فعالیت های آنها است.

بنا بر همین پیشرفت و تکامل عملت حکومت فقط با آوری مشمولی که پس از آنکه ساختن پایه های سوسیالیسم و افکندن کشاورزی خود مگالای در دست رعایتی بهایمان رسید چه تمیرواش پیدا آمده است.

در مرحله پیش از ساختن پایه های سوسیالیسم اتحاد و طبقه اصلی زحمتکش اتحاد توده ای دموکراتیک طبقه کارگر سوسیالیستی و دهقانان خرد مگالای می بود. با داخل شدن دهقانان متفرد در تعاونی های یعنی باید پیش در گونی سوسیالیستی در روشها این اتحاد توده ای دموکراتیک به اتحاد سوسیالیستی و همبستگی توده ای دموکراتیک ملت به وحدت سوسیالیستی ملت تبدیل میگردد.

پیش از آنکه در سازمان سوسیالیستی کشاورزی ما تکلیف میگردد به یک طبقه رهبر سازنده سوسیالیسم در جامعه یعنی طبقه کارگر دهقانان خرد مگالای و دیگر متحدین خود را به اداره امور جامعه بسطی میکند. پس از آنکه دهقانان منفرد تعاونی های تولیدی را بوجود آوردند، صحبت بر سر مسئله محزوری است و آن ساختن مشترک جامعه سوسیالیستی در همین حال پیشرفت و تکامل مشترک حکومت سوسیالیستی در آینده است. نقش رهبری کنند طبقه کارگر و نقش سمت دهند و مسئولیت حزبی نظای آن طبعا باقی خواهد ماند. روظایف آنها افزایش مییابد. ولی حکومت کارگری به حکومت تمام توده های که سوسیالیسم میسازند تبدیل میگردد. در دولت دیکتاتوری پرولتاریا در جهت تبدیل شدن به دولت تمام مردمی تمام می باید پیشرفت میکند. این همان نیست که منجر به ایجاد جامعه سوسیالیستی پیشرفته میگردد و جمهوری توده ای ما در استان بخش معینی از این راه را پیشت سزیده است.

تبلیغات رژیم و واقعیات انقلاب سفید

حمید صفری

عضویت اجرائیه کمیته مرکزی
حزب توده ایران و بنیاد حزب
توده ایران در مجلیه

با پیشرفت سریع کشور در راه سرمایه داری که با افزایش اهمیت رشد روز افزون طبقه کارگر همراه است، اندیشه و تفکر اجتماعی - سیاسی در ایران دستخوش دگرگونی و تحول میشود. مبارزه ایدئولوژیک تشدید میگردد. در این حال، برای اهمیت اندیشه مارکسیسم - لنینیسم افزوده میشود. انتشار اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم در ایران از آغاز قرن شروع شد و ایجاد حزب کمونیست ایران در سال ۱۹۲۰ (که حزب توده ایران جانشین شایسته آن از اکتبر سال ۱۹۴۱ گردید) دامنه بویژه گسترده ای کسب کرد.

اگرچه پیشه سیاسی و ایدئولوژیک رژیم ایران در جهت سرکوب تمام نیروهای مترقی است، هدف اصلی آن حزب توده ایران و جهان بینی آنست. این تعدادی نیست که نزدیک به ۵۰ سال پیش از تصویب نخستین قانون ضد کمونیستی (۱) قانون تازه و دشمنانه تری در سال ۱۹۷۰ به تصویب رسیده است.

طبق قانون جدید وضعیت در حزب توده ایران و وابستگی بدان و تبلیغ و ترویج اندیشه های کمونیستی یا زندان یا مجازات میگردد.

حزب توده ایران در شرایط دشوار کامیابی مبارزه ایدئولوژیک ادا نموده است. تشنه فراوان جنبش جهانی کمونیستی، و بویژه تجربه مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک و تئوریک بر طبقه اشکال گوناگون ایدئولوژی بورژوازی در این مبارزه به مزب کلاسبند. برای رسانیدن این توده به توده های مردم کمونیست راه راههای تازه و اشکال تازه ای برای انتشار اندیشه های مارکسیستی می یابند. اداره انتشارات حزب آگاهان، کتابهای آموزشی، ایجاد برنامه ای حزب و نظایر اینها را با تئوریستها زیاد می بجای میسراند. ترجمه کامل کتاب "سرمایه" کارل مارکس برای نخستین بار آراژ شده و اجست. ترجمه چند اول آن مدتی است انتشار یافته است. کتب و آثار مارکسیستی از طرف مردم زمختکش بسا استقبال فراینده ای میسر شده است.

در برنامه حزب مانگفته شده است: "جامعه ایران بسبب تحول بنیادی و به انقلابی که مرصهای مخطف زندگی را در بر میگردد و آیراجت طبایع خلق دگرگون کند، نیازمند است". در جای دیگر گفته شده است: "این انقلاب در مرحله کنونی تاریخی رشد جامعه ما یک انقلاب ملی و موزکاتیک است

۱ - در این قانون که در سال ۱۹۳۱ تصویب رسید، از جمله برای اعضای حزب کمونیست مجازات ده سال زندان در نظر گرفته شده است.

کستوری آن ضارست از: کوتاه شدن دست انحصارهای امپریالیستی از طبایع طبیعی و اقتصادی کشور و تامین استقلال کامل اقتصادی و سیاسی ایران. ۴- برجیدن پلانیهای عظامات قابل سرمنشانه داری و اتحاد صنعتگری سوسیالیستی. حال بنیمن هیکتسا که ایران در نظر میاید بهده های مترقی و عواقبتنها ی حزب توده ایران چه آورده است؟

مقدم بر همه اینها وند امپریوز باصطلاح "انقلاب سفید" باید نام برد. شاه روز ۲۹ تیر ۱۳۰۷ سال ۱۹۲۷ در کفرقوش انحصار یکصد زمیندار گناییش بافت اعلام داشت اصلاحاتی که در راستن آن انجام میشده، هرگز نسیاسازی نمی. در زندگانی کشور را برخواهد داشت. او در ای زا که اینضران میگردد از دوران "انقلاب سفید بدین عنوان میزند. نامید. این اصلاحات از چه قرار اند؟

۱- از تیرماه ۱۳۲۳ تا نوامبر سال ۱۳۲۵ در ایران ۱۴ اصل بدین شرح تصویب رسیده است: ۱- در تیرماه انجام اصلاحات ارضی. ۲- ملی کردن جنگلها. ۳- فروش کارخانهای دولتی و استفاده از این فروش آنها برای سرمایه گذاری در رشته اصلاحات ارضی. ۴- تفسیر قانون انتخابات ۵- منجم کردن کارگران در مورد کارخانها. ۶- ایجاد "کلاسهای مبارزه با بیسوادی" برای الفای و بیسوادان در کشور. ۷- تشکیل "سپاه ترویج آبادانی" برای بکارگرفتن شیوه های معاصر در امر کشاورزی. ۸- تشکیل "سپاه بهداشت" برای بهبود آوردن باصطلاح "خانه های انصاف" در روستاها برای رسیدگی به اختلافات محلی. ۹- شکایات و دعاها. ۱۰- ملی کردن منابع آب کشور. ۱۱- نوسازی کشور. ۱۲- "انقلاب ارضی". ۱۳- فروش سهام کارخانه تختابنه کارگران و دیگر صنعتکاران. ۱۴- مبارزه با تخلف و کفرافروشی.

در ماه نوامبر سال ۱۳۲۵ فرمان شاه در باره لزوم تدوین فلسفه چهارده اصل "انقلاب سفید" مردم "بشکل بلهه" ایدئولوژی جامع و منسجم اندیشه فکری برد بالکتیک طمی صادر کردید. هدف از این امر ارتقا رساندن و نشان دادن مطلق تغییراتی است که در زندگی فرهنگی، معنوی و ملی کشور رویداده است. (۱) ایدئولوژیهای "انقلاب سفید" مردم، ضد بزرگ و جامعه اعیانها آل کبده با به های آن برمدالت اجتماعی کامل بنا نهاده شده و صد میدهد. آنها بر مردم چنین تلقین میکنند که گویا در بگردن زاریان انتشار فرد از فرد و طبقات آهستی ناپدید موجودند و او در بلکه تنها گروهها و اجتماعات متساوی و حقوقی وجود دارد که بقاطرف منابع مشترک تمام ملت با هم یک برکساری میکنند. هینفسی حایقه ایران چنین تصور میکند که اصلاحات در چهارچوب "انقلاب سفید" باید کافی جزو بگونی آنها باشد. بهر حال، هر چه در مرحله تاریخی گذشت، نهایت و انجام این اصلاحات "انقلاب سفید" (۲) آنها را اصلاح مدامی چینی اند. این امکان بنویسند آنها را که در مدت کوتاهی ایران را به "روزگاری" تبدیل بزرگ برسانند. آراین تقابلی پایه و اساسی دارد و توجه انداره طبقه به سمت است. ۴- با این تقسیر خیالی، به تدریج اختلافات و تضویق که بتصویب رسیده در دید میشود کاتبا این کمبودها و نرفتها را برآوردند. توده های مردم و پارلیون در بگردن زاریهای چنین، پیشرفت نیروهای تولیدی به پیشگامی شده اند. در این حال هینفسی که ایران هدف فنیهای بنیادین استراکلیکی هم تعصب میکند. رژیم و تضادها، تکلیف بنحکم اشکال بورژوازی نظام اجتماعی، وابسته است بر این تحول آرام سرمایه دارانه است. میگوید جفا درها اجتماعی را سرکوب کند، بالاخره میخواهد توده های مردم را از کنترل سیاسی بیاید. ایدئولوژیک خود نمکند. لنین ضمن انطباق نظر در باره اصلاحات بورژوازی خاطر نشان ساخت که بورژوازی نمیتواند از توده ها کارگزاران زمین برد. و توده ها را "تیموان بدین سیستم کاسترا" گسترده، بطور منظم عمل کنند و نظری استخوان نماندگاری شده و چالیوس، دروغ و رسوا و توطئه

۱- رجوع کنید به روزنامه "آندگان" ۲۵ نوامبر سال ۱۹۷۰.

استفاده از تجارب دیگر احزاب برادرتان جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری امری است که از اختیارات کامل هر پارتی احزاب است. حزب ما تجربه انقلابی احزاب کمونیست و قدیم برهمنه خود به حزب کمونیست اتحاد شوروی را مورد استفاده قرار داده و رأینده نیز مورد استفاده قرار خواهد داد. کمونیست ها و نه فقط کمونیست ها، بلکه دیگران هم جامعه سوسیالیستی حقیقتاً موجودی را در نتیجه فعالیت های تئوریک و سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی در برابر خود دارند. لنین در اغراضیه نامه "بیماری کودکی (چپ روی در کمونیسم)" نوشت: "ما امروز بزرگترین سهم بین المللی کامل فراوانی در مقابل خود داریم که با صراحت کامل میگوید برخی از خصایص اساسی انقلاب با نه اھیستعلی، نه یوتزی، نه اهمیت زبونی فقط، بلکه اهمیت بین المللی دارند" (۱). حزب ما در جریان فعالیت های خویش وظایف انترناسیونالیستی را باید که بگردد می کند. بهترین سبب است که حزب خود ایران برای بنفید بود موافقت که همسنگی با اتحاد جماهیر شوروی شرط لازم مبارزه موفقیت آمیز ضد امپریالیستی، با خاطردن مکرر و ترس است. در برنامه حزب خود ایران گفته شده است: "اتحاد جماهیر شوروی بزرگترین و مقتدرترین تکیه گاه همسنگی های انقلابی و شرقی جهان است. از این جهت جلوگیری غناصیات با اتحاد شوروی مسئله تکراری در مجموع غناصیات نیست به سرنوشت تاریخی سوسیالیسم و جنبش انقلابی جهانی یکی از عناصر مهم و اساسی انترناسیونالیسم پرولتری می شود. از اهداف و وظایف و در پیش رهایی بخش ضد امپریالیستی و صگری در امر هواداری اصلاح است".

در واقع و ترویج دستاورد های جامعه کشورهای سوسیالیستی که موفقیت عظیم تمام پرولتاریای جهانی است و همچنین پشتوانی از مبارزه احزاب کمونیست و کارگری دنیا سرمایه داری و طبقاتی مقدس هر یک از کمونیست های ایران است. بنابه اعتقاد واضح حزب ما، این خود همان انترناسیونالیسم در پرتی است. در برنامه حزب خود ایران تاکید شده است که: "حزب ما عضو و دار خاندان بزرگ جنبش کمونیستی جهانی است و در تنظیم مشی مشترک این جنبش بنوعی نمود شرکت داشته و این خط مشی را زنده و عمل خود قرار می دهد و در راه وحدت جنبش کارگری و کمونیستی جهانی با خاطردن اصولی و بدون انحراف از مارکسیسم - لنینیسم بسوی "چپ" یا راست، طبقه دکاتیسم و پرولینیسم، علیه سیاست تفرقه جوئی و انشاع بگری، طبقه تکی نظری و تکروری ناسیونالیستی و شوونیستی در جنبش انقلابی مبارزه می کند".

ارج و اعتبار اندیشه های سوسیالیسم علمی بر جنبش پرولتاریای تشریفات در تناسب نهادهای ایران بسود ترقی و مکرر و مسان تشریح های گوناگون جامعه ایران افزایش می یابد. این واقعیت که در دوران تعمیق هر چه بیشتر جریان سرمایه داری و در جریان مناسباته جلیح آمیز و سیستم تضاد برتری سیستم سوسیالیستی بر سرمایه داری هر چنانکه تریس بر سر می گرد و نیزه افزایش این ارج و اعتبار استوار می کند.

مخالف ارتجاعی ایران که از این جریانها مضطرب و وحشیان خاطر شده اند بناچار در تکیه خود کمونیستی خود تجدید نظر میکنند. اگر در گذشته مطلقاً ضد جنبش های توسل بزرگ رماز به طبقه کمونیست

بنیاد زینونیسم از منصفه پیش

تشریح می بر طبقه امپریالیسم جهانی است. در راه استحکام انترناسیونالیسم پرولتری باید بنابر مکرر جنبش مبارزه ای خاص استحکام اند اما مشترک احزاب برادرم که جنبش فعالیتهای آنان در هر صه بین المللی و همان موفقیت کار و مشترک مانع می باشد.

(۱) - لنین، مجموعه کامل آثار (زبان روسی) جلد ۴۲ ص ۳.

ها را تشریح می نماید و باید بدین گونه از جنبش های خود بی انتقاد کند و میگوید هر چه بیشتر از شیوه های تاریخیم را از جنبه ارتعاشی کمونیسم - تئوریک "که تقریباً ای برای آن قائلند استفاده کند. از این رو در زمین فعالیتها را ضد کمونیستی می بینند گان بیرونی خارجی. که بخارسی میگردانند شده اند. اینها را خود در کشور خود می بینند مولفان. اینها را هم انترناسیونالیست می بینند گان اینها را تا تمام آسزگوری و پرتیک مارکسیسم - لنینیسم را تاجر بیف میکنند و تاریخ فعالیتها را حسب خود و ایران و مجموع جنبش کمونیستی و کارگری را جعل و سفید می کنند. اینها مولفان بارن تئوری مارکسیستی - لنینیستی بخنزه می کنند که با اوضاع و احوال ایران سازگار نیست. "وظایف" ایدئولوژی بیرونی را بیخود تبلیغ می کنند. تحریف کنند گان ایرانی مارکسیسم - لنینیسم بطوریست و خصمانه ترها ای جاگند که ای را از تنوع مختلف برداشته و آنها را جعل و تاجر بیف و تحریف می کنند. اغلب چیزهایی به بنام نگاران کمونیسم علمی نیست می دهند که در حقیقت هیوسته آنها بر زبان نرانند و اند.

نوشته های مولفان ایرانی از قبیل "مارکسیست ها" و "تاریخ سوسیالیسم - زندگی و آثار مارکس و انگلس" بخصوص از این لحاظ از دیگر نوشته ها متاثرند (۱). در "مارکسیست ها" کارل مارکس بخنزه سوسیالیست خیالیست قلند کرده که در همین محکوم کردن "اثرات پست و سون" کننده سرمایه داران قرن نوزدهم آرزوی عدالت اجتماعی و آزادی شخصیت را در سر داشت. امسا بحقیقه و مولف آرزوی کارل مارکس خواستهای پیش نبود. و نیز در کشورهاییک خود را از ایران و شمار مبارزه گها برای آزادی شخصیت اجتماعی قائل نیستند. مولف بخود اجازه بدد چنین بی بند و بار حاکم آن نه بخنزه منتهی و جعی همواره طبقه نروهای شرقی و مکرر آنکه مبارزه کرده و میکند و نظیر آنکار اعلام میدارد که هیچ نظریه و عقیده معالمان را تحمل نخواهد کرد. ولی مولف را چنین وضعی ناراحت نمی کند. او بنیاد میگوید با ضایعات رسانند که انقلاب سوسیالیسمی فقط متناوب با شورشها و بزه قرن نوزدهم بود ولی امروزه بخنزه ترقی و رشته تکنیک و تکنولوژی سرمایه داری را جملو از پیش بین متصرفان غنچه و گها بهر تکس و ستم طبقاتی از این برده گها بدگره چنین انقلابی نینازی نیست" (۲).

نگارنده در همین اثری هم گفته که رشد هم بطوری اند باشد. او هم ضرورت انقلاب سوسیالیستی را آنکار میکند و مشخصه است که بخنزه و تکامل تکنولوژی به افزایش درآمد مردم می انجامد مدد بین ترتیب موجبات استقرار جامعه رفه را فراهم می آورد (۳). انگلس بخنزه خود نوشت: "این مارکس بود که برای نخستین بار قانون بزرگ بخنزه تارسیخ را کشف کرد. قانونی که طبق آن هر ما زرتاریخی در هر زمینه ای اضم از سیاسی، مذهبی، فلسفی و سایر زمینه ایدئولوژیک و دیگره جهان داشته باشد در واقع فقط عبارت از جلی کم پیش آشکارا مبارزه طبقاتی اجتماعی است" (۴).

- ۱ - کتابهای ف. قاسمی "مارکسیست ها" و ه. هاشمی قاسمی "تاریخ سوسیالیسم - زندگی و آثار مارکس و انگلس" فصل بقصد در روزنامه ارتعاشی "کجهان" طی سالهای ۱۹۷۵-۱۹۷۶ و ۱۹۷۶ و ۱۹۷۶ رسیده. هیت تحریریه.
- ۲ - روزنامه "کجهان" ۲۲ ژانویه ۱۹۷۶.
- ۳ - ۲۴ ژانویه ۱۹۷۶.
- ۴ - کارل مارکس - فریدریش انگلس، مجموعه آثار (زبان روسی) جلد ۲۱ ص ۲۵۹.

نگارنده " تاریخ سوسیالیسم " این قانون را " رد میکند " . او درین تشریح برقی اوینده به
 های کار، بازرگان و نهاده قانونی می پذیرد، جامعه بشری مبارزه طبقاتی طلب میکند، اینست که
 اینکه تاریخ گیاه صافه ها و جنگلی، بسیار از آب و آرد که فقط عصبه میهنی حاصلی داشته اند
 افکار بازرگان را در میگذارد (۱) . " او در سوس رونی و نهاده قانونی اولیه و جامعه بشری در
 میکند و با آوردن نموده و مطالباتی از آن جامعه بطور مادی با سوس نیت به نتیجه گیری " تا در طومانه
 آشی را که در کسبیت ها گویا با تئوری ما روزه طبقاتی خود شان در تضاد اند . نگارنده با توجیه
 آتش را قانون پذیرفت و حرکت تاریخ به این نتیجه میرسد که مارکسیسم بطور مضمین وجود طبقات است
 استقامت گرایی جامعه بشری تحمل نمیکند . در حالی که سوس را تاریخ گیاه بر خلاف مارکسیسم و از جمله
 در ایران هم " فعلت غیر طبقاتی در (۲) " . " متغای " ایرانی مارکسیسم را در نتیجه
 در دست تری گویم صیغها هند رابطه متقابل، نیا نیت و معلول بر سوسها یا جتماعی را بهینه در
 تجسی ندارد . میدانم که در سوس ما روزه آید فولویک ما روزه منابع طبقات حقیقیه اجتماع ایران است
 سیاست طبقه خاسته ایران در مرحله تکامل کنونی در آن است که آگاهی این طبقه توسعه پیدا کرده
 را با نظریه " آتش اجتماعی " میان طبقات آشتی ناپذیر برقرار کند . اعتراف به حقیقت طبقاتی جامعه
 به علاوه اختلاف موجود ما روزه طبقاتی است که در یک جامعه سوس ما روزه انقلاب سوسیالیستی و برقراری
 در یک تئوری بر ولتاژ می انجامد . محافل حاکمیت بهتر از همه چیز از زمین میترسند . و چون دلیل
 است که در تفکراتان بورژوازی ایران با تمام نیرو در این محسوس است که با ثبات رسانند طبقات
 مارکسیسم - لننیزم در دوره انقلاب سوسیالیستی و در یک تئوری بر ولتاژ گیاه با خواستهای سوسیالیستی
 دیگر تطابق ندارد .

ما روزه فید فولویک در گفتار با اقدامات تشریح آیزوا فویست ها که متفق نیروهای ایران است
 و ما روزه شان طبع حزب توده ایران و جنبش جهانی کمونیستی اند . بهترین تشریحگر در سوس بر نامه
 حزب ما بویژه تاکید شده است که کمی از انحرافی شد مارکسیستی و سوس بکارانه قانونیست مارکسیسم
 فکونی زبانی جدی وارد ساخته و مانع شد و است که از امکانات واقعی برای به حضور سوسیالیستین
 آیزوا لیسم و ارتجاع بعد فکونی استفاده شود . " ملا فویست طنا به معنای آری از " جنگ سوس " و حمایت
 انگیزی بر خاسته و نظریت گروه بندیها و برنامه های تجار کارانه امپریالیستی را توصیف میکند و بویژه برای
 ارتجاعی و ضد کمونیست از نوع رژیم های کوشی ایران و سوسیالی را بر ضد منابع خلقها تشریح میکند و سوس
 جنبش ها و ولشاهای انقلابی ضد امپریالیستی را مضبوط آشکار در پیش میگرد و اتحاد و سوس براد شمن
 شماره یک خود اعلام داشته بود بنیسان وارد مرحله سازش حیانت آمیزه دشمنان صلح و سوس کراسی
 و سوسیالیسم شده است . " تا کمانیکه در ایران بر طبق مارکسیسم - لننیزم قد بر افراشته میبندد
 از طرف لیسم " چه " و آنا رضیت ها گرفته جلاید فولویک های بورژوازی از " انبار سوسات اندیشه های
 مارکسیسم با خلقت تمام در دست همان چیز فکونی را بر ماریت میگرد که بنی از هر چیز دیگر بدان تلقی دارند
 این واقعت بویژه بر سوس خاطر آنان می افزاید که اتحاد شوروی و این تئوری اصلی جامعه کشورهای
 سوسیالیستی " از طرف مخالفان بکن به امین بزرگ طبقه کارگر سوسیالیسم " هدف ضد خرابکارانه
 آید فولویک و سوسی آنها انتقاد شده است .
 خرابی تود ایران بر ضد انواع مختلف آتش کمونیسم و آتش سوسیالیسم ما روزه میکند و همان را آن

۱ - روزنامه " کیهان " ۲۴۰ ژانویه ۱۹۳۶ .
 ۲ - همانجا .

ایرانی امپریالیسم و سوسیالیسم را اغشا مینماید . آید فولویک های " انقلاب سفید " بطور مضمین
 در سگاه نیرومند تبلیغاتی خود با شکست روبرو میشوند . در حتمتکان که بهترین معشوش بهما هیبت
 ارتجاعی این آید فولویکی بی برده اند از آن روی گردان شده اند . بکن آنها از زمین در لای طنا
 اعتلای شده جنبش های اجتماعی در کشور است . همزمان با تشدید بحران رژیم فراهیل برای تشدید
 فعالیت نیروهای مترقی و موزکراتیک بیشتر و آحاد مترشود . هیچ نوع تضیق و فشاری قادر است از
 بین بردن تشریحات بخش اند پشمهای مارکسیسم - لننیزم در ایران نیست . زیرا هیبت
 آید فولویکی دیگری ، هر قدر هم کمطلوب و محبوب محافل حاکمه ایران نباشد ، قادر به توضیح و
 تشریح علمی ربه اگاهی که در کشور در جریان است نمیشود . تنها مارکسیسم - لننیزم سلاح
 تئوریک و آید فولویکی در ما روزه برای ایجاد تغییرات تحول بنیادی در زندگی کشور به طبقه کارگر
 و تمام قشرهای زحمتکشان میدهد . حزب توده ایران همواره با در نظر گرفتن این موضوع تحقیقات کار
 در میان تود ما کهدر آن از آن تبیین زحمتکشان با آید فولویکی طبقه کارگر است ما فراهیل و آنرا گسترش
 میدهد .



وظایف نیروهای انقلابی عراق

عزیز محمد

د بیرونی و غیره مرکزی
حزب کمونیست عراق

در سالهای اخیر در کشورهای کخی شرقی در عراق روی مید هتکه دایره وسیع مباحثات اقتصادی و اجتماعی را در بر میگیرد .
در رشته هائیکه پایه اقتصاد ملی را تشکیل میدهند مقدم بر همه در صنایع استخراجی بخش دولتی نقش مسلط را دارد . سهم بخش دولتی در میزان تولید ۷۰٪ است . پژوهش ملی کردن منابع نفتی کشور به انجام رسیده است . تمام معاملات با نفت ، بخش اعظم بازرگانی خارجی و عمده فروشی داخلی و صنایع استحصالی بطور کامل تحت کنترل دولت قرار دارد .

در نتیجه اصلاحات مترقی ارضی زمینداران بزرگ ۶۰ درصد زمینهای قابل کشت را در دسترس دادند . پس از تقسیم ارضی بودا کثیری زمین برای اجاره مساحت کشتزار هائیکه بوسیله دهقانسان تهیدست و بیجان حال کشت میشود به قریب ۲۵ میلیون هکتار رسید . طبق قانون اصلاحات ارضی بخش تعاونی کشاورزی ایجاد گردیده است ولی فعلا تعداد تعاونیهای خدمات در این بخش بیشتر است . اقتصاد های روستائی به مساحت ۲۵ میلیون هکتار با نزدیک به ۷۰٪ تمام زمینهای قابل کشت کشاورزی تعاونی های کشاورزی با اشکال گوناگون در بر میگیرد . قمر ای کشاورزی دولتی اقتصاد های جمعی که دارای قریب ۳۰۰ هزار هکتار زمین میباشد تا سیس شده است .

این تحولات و در کوششهای دیگری محدود شدن رشد سرمایه داری بمنزله یک صورت بندی اجتماعی اقتصاد ای انجامید . برکناری بورژوازی بزرگ از حاکمیت سیاسی هم اثری آمد های این تحولات است . در کشور رژیم میهن پرستانه مترقی برقرار گردیده ، اتحاد انقلابی ایجاد شده ، احزاب و نیروهای ملی و میهن پرست مترقی را متحد و میازد . در سیاست خارجی خط مشی مبارزه علیه امپریالیسم ، صهیونیسم و ارتجاع و استحکام میانی صلح جهانی و پشتیبانی از جنبشهای رهایی بخش تمام خلقها و استحکام روابط سیاسی و اقتصادی با همه کشورهای جامعه شورهای سوسیالیستی در پیش گرفته شده است . با عقد پیمان دوستی و همکاری میان عراق و اتحاد شوروی (۱۹۷۲) روابط میان بخشین شوروی سوسیالیستی بر مرحله کخی نهی ارتقا یافته است .

پروسه هائیکه در کشور جریان دارد ، مواره مورد توجه کمونیستهای عراق است . کمونیستهای عراق برای تجزیه و تحلیل وضع نوکاملا آماده بودند ، و مهارت خود را در نتیجه گیری از نتیجه گیری از شرف هائیکه در کشور روی میدهد و همچنین در ارزیابی در توانا پیشرفتی که پدید آمده ، اثنا ، بهار شمیم - لنینیسم نشان دادند . سوین کثیری ملی حزب کمونیست عراق که ۱۶۴ ماهه سال ۱۹۷۶ در بغداد پایتخت عراق تحت شعار " بخاطر استحکام و تعمیق پروسه هائ انقلابی و پیروی عراق بسوی سوسیالیسم " برگزار گردید این واقعت رابه شکل بازاری نمود اساخت . این مجمع کمونیستهای عراق در تاریخ حزب ما همه جنبش انقلابی کشور را بیداد فوق العاده مهمی بود . این کنفرانس مستقیم کثیری ملی حزب کمونیست عراق بود

که ۴۰ سال پیش تا سیس یافته و تقریبا در همه این سالها هتکه بر این بنیاد قناعت کرده است . طی این مدت کمونیستهای عراق تنها در یارد سال ۱۹۴۵ و ۱۹۶۰ در عالی ترین مجمع جهانی گرد آمده بودند . کنفرانس کثیری در دوران اصولا تازه ای برای حزب و کنفرانس تشکیل یافت . تحقیق همگامی همین برهه نشانده حزب کمونیست عراق با حزب حاکم - حزب بعث همزکت نمایندگان حزب کمونیست در دولت با اشغال دو مقام وزارت ایجاد جبهه ملی میهن پرستان مترقی و ملی شدن انتشارات کثیری از مشخصات این دوره است .

تغییرات و گامهای مترقی در زندگی اجتماعی ، در تمام جریان تدارک تشکیل کثیری تأثیر خود را بخشید . هشت ماه پیش از تشکیل کثیری ، کمیته مرکزی حزب ، طرح برنامه جدید حزب و تغییرات تازه در اساسنامه حزب کمونیست عراق را که شرایط کار ملی حزب را انعکاس میدهد ، برای بحث و بررسی در اختیار تمام اعضا و نمایندگان حزب کمونیست عراق قرار داد . سازمانهای حزبی پیروان این اسناد مباحثات گسترده ای انجام دادند که در دستا و طرفداران حزب کمونیست عراق نیز در آن شرکت کردند . دهها کنفرانس شهری و ایالتی با شرکت هزاران نماینده انتخابی علاوه بر مسر جلسات سازمانهای یاقینی حزبی برگزار گردید .

شیوه تدبیر اسناد و وسیع بررسی و بحث و وسیع پیروان آنها گواه سطح عالی رعایت موازین دموکراسی درون حزبی بودند که جنبه کلاما جمعی داشت و به استحکام ارتباط میان سازمانها رهبری و سازمانها های یاقینی حزب و استحکام وحدت حزب کمک نمود .

این نحوه تدارک میزبان زیادی موفقیت آمیز بودن کار کثیری و تصویب همه اسناد پیشنهادی برای بررسی در کثیری رابه اتفاق آراء از پیش تعیین کرد . بحق میتوان گفت که خط مشی سیاسی که بر اساس گزارش کمیته مرکزی و بحث پیروان آن تدبیر شد ، برنامه جدید و تغییرات در اساسنامه حزب و دیگر تصمیماتی که کمونیستها اتخاذ کردند نتیجه تدبیر و تنظیم سیاست حزب با بطور دستجمعی بود .

سوین کثیری حزب کمونیست عراق آن خط مشی سیاسی را که حزب از ژوئیه سال ۱۹۶۸ به غنسی زمانیکه بعث هاد عراق به حاکمیت رسیدند ، دنبال کرده ، جمع بندی نمود و اثرات کثیری حزب کمونیست عراق از هه سالهای ۴۰ به مسئله آن اتحاد کثیریهای میهن پرست همواره توجه داشتند و در تمام مراحل انقلاب ملی و دموکراتیک در راه ایجاد چنین اتحادی تلاش میکردند ، مادرضمن به ارزیابی تجزیه و تحلیل نیروهایان حرکت چنین اتحادی و نیروهای مخالف آن و مدت حزب پیش انقلابی کشور خود را دیگر جنبشهای انقلابی متفکر بودند . پس از سال ۱۹۶۸ هم کمونیستها بلندپایه ایجاد اتحاد طبقاتی را در مقوم خویش قرار میدادند . این اندیشه با مقتضیات مرحله مشخص مبارزه آزاد بخش که در رویکرد موفق میداد . محتوی این فرجه هم عبارت از انجام وظایف انقلاب دموکراتیک ، ملی و همکاری یاقینی ها در ایجاد شرایط لازم جهت گذاره سوسیالیسم بود . پس از آنکه این خط مشی در سوین کثیری ملی حزب کمونیست عراق (۱۹۷۰) تأیید شد ، حزب و کمیته مرکزی آن به تعمیم وظایف ملی آن در پیروانستند نزدیک با تحولات عمیق اجتماعی و اقتصادی و ادانه دادند .

نتیجه گیری در باره آنکه پیروان جبهات جنبش رهایی بخش ها همواره با و در جبهه نیروهای ملی (به این بیان شکل) پیروانند ، در الیکه ظلت عقب نشینی معمولا ترقه در صریف میهن پرستان بوده نتیجه یاک تجزیه و تحلیل مارکسیستی لنینیستی بود . حزب با توجه به این نتیجه گیری مشخص اعلام نمود که اتحاد طبقاتی که با مرحله کثیری وقف داد ، به باسد باید از طبقه کارگر ، دهقانان ، خسرده بورژوازی شوین و عناصر مترقی بورژوازی متوسط تشکیل گردد . کمونیستها ادانه کارگران دهقانان و دیگر قشرهای رنجکش را بایه این اتحاد میدانند .

جبهه ملی، جبهه پرستان شرقی، مظهر اتحاد سیاسی بود که حزب کمونیست، حزب بعث و محافل وناصریه و پارتی و متفرق عرب و کرد را در خود متحد و مساخت و پیدایش این جبهه در ۱۷ ژوئیه سال ۱۹۷۲ نتیجه تحقیق پورسه انقلابی در عراق و از کا میابهای بزرگ جنبش ملی ماورائیانچ کوششهای د و حزب بعثه، در کشور یعنی حزب کمونیست و حزب بعث عراق بود. محافل شرقی کشورهای عرب و سوسیالیستی و جهان برای تشکیل این جبهه هیچ فراوان قائل نشدند.

برخلاف اتحاد های متری که در گذشته در عراق تشکیل میشد و نسبت به حکومت رسمی جنبه خصمانه داشتند و ارتجاع کمونی حزب بعث که در برابر حکومت ملی است، حزب کمونیست و همچنین دیگر احزاب و نیروهای متری که در ردیف بعضی هاد رد ملت حرکت دارند باید بگرهنگاری میکنند. همه آنها را برانه جبهه یعنی مشوراء اقامت ملی که موافق با شرایط دوران کمونی، یعنی دوره انقلابی و مکرراتیک تدوین شده متحد میسازد، این برنامه راه رشد سرمایه داری را مردود دانسته و بنیادی سمست گیری سوسیالیستی است.

این مسئله که برنامه متری کمونی تا چه اندازه بطور شرعی اجرا میشود این روزها اهمیت ویژه ای کسب کرده است. سوبین کنگره حزب کمونیست عراق به این پرسش پاسخ میسوی داد. کنگره بسه نقش و فعالیت جبهه ملی - جبهه پرستان شرقی ارجح فراوان نییاد. کمونیستهای عراق در همین حسابا کامل مطابق با دستور اقامت ملی شرایط افزایش رده فعالیت جبهه را چه در سطح خود جبهه وجه در سطح احزاب شرکت کنند. در آن تعیین کردند. در برابر نیروهای متری این وظیفه قرار گرفته است که طوط مشوراء حتی اجرا کنند. نقش جبهه ملی - جبهه پرستان شرقی را در زندگی سیاسی کشور - استحکام بخشند و جبهه رایج جنبش گسترده توده اب فعالی که قادر به برقراری نظارت مردم بر دستگاه حکومتی باشد تبدیل سازند و شرکت توده ها را در تدوین برنامه ساختمان اقتصادی کشور تارین کنند. م- اینستکه همه سازمانهای اجتماعی در یک برنامه شکل از اتحاد را که در جبهه تجسم یافته پایه کار خود قرار دهند.

کنگره مردم را در برابر تارین آزاد بیهی و مکرراتیک، سیاسی، اجتماعی و اتحادیه ای و آزادی مطبوعات، نظریات و معتقدات به انجام برنامه جبهه ملی، جبهه پرستان شرقی فراخواند. م- منظور بود که مکرراتیک در زندگی اجتماعی بوجه انجام رساندن در دوران گذار زمان سیاسی کشور باید بسه برقرار کردن و فوق العاده پایمان داده شود، قانون اساسی دائمی تهیه کرد و سازمان ها و ادارات بر طبق قانون اساسیین نظیر راههای قانونگری و اجرائی ایجاد شود، مسئله تشکیل نهاد ملی خود مختاری های محلی (شوراهای ملی انتخابی) در دهه هاد واحد های اداری، و ایجاد نهاد بهره گیری در جهت استحکام میانی و مکرراتیک و تارین شرکت هر چه وسعتر توده های خلق در مبارزه با خطر اجرائی و دولتی متری هم جائز اهمیت است. در نتیجه تمام این اقدامات حکومتی جبهه استحکام خواهد یافت رشد و تامل آن در دست متری تارین - واحد شد و نیروهای ملی اصیل بطور کامل و موری خود نتوانست انقلاب و دستاورد های آن در برابر محلات ارتجاع و توطئه های امپریالیسم دفاع کنند.

پیشرفت جنبش انقلابی در کشور ما و تجربه جهانی موجود ضرورت اتحاد احزاب انقلابی و طبقات و قشرهای اجتماعی متری را که رسالت دارد و وظائف انقلاب ملی - مکرراتیک را تحقق بخشند، نشان میدد و همچنین امکان موجودیت و وسط و تکامل بعدی چنین اتحادی را با نفع آینه سوسیالیستی عراق تأیید میکند.

در کشورهای پانصد کشورها ملی بده جلال متادی و دولتی اصلی آن (عرب و کرد) در برابر یکدیگر بسر میبرند و در آن نمایندگان گروههای بی هم را اقوام کوچک ترک تارین زندگی میبندند مسئله ملی، همچنین

اهمیت خود را حفظ میکند. کمونیستها با توجه به شرایط مشخص و مصالح مبارزه خلقهای عرب و کرد و طبقه کارگر عراق همواره از جنبش ملی خلق کرد و خواستهای عادلانه آن در مورد واگذاری حق خود مختاری به کردستان عراق پشتیبانی کرده اند. حزب ما قانون خود مختاری را که جبهه ملی جبهه پرستان شرقی به پذیرش آن توفیق یافت در سال ۱۹۷۴ به تصویب و دست رسیده، تأیید کرد.

سوبین کنگره حزب کمونیست عراق خط ملی انضولی کمونیست را در مورد مسئله شناسایی حقیقی ملی خلق کرد و از جمله حق خود مختاری آنرا تأیید نمود. ما بر این عقیده ایم که حل مسئله کرد در عراق مقدس م سر همه با تحکیم میانی و مکرراتیک در کشور پیوند دارد. در همین حال مجمع کمونیستهای عراق موافق حزب کمونیست عراق را در مورد محکوم کردن رهبری راست گرای ارتجاعی در جنبش ملی خلق کرد که با قسانسون خود مختاری، با خط ملی متری رژیم و حزب کمونیست مخالفت میورزند مورد تأیید قرار داد. این نیروها با برآورد انداختن شورش مسلحانه ضد دولتی در محافل امپریالیستی، سببونیستی و محافل ارتجاعی منطقه مانیکه گاه و حاهی برای خود یافتند.

اما عکس این نیروهای راست گرایان نیز رویت بود و ملت آن مفهوم است. بطوریکه در کنگره خاطر نشان شد خود جریان زندگی یار دیگر نشان داد که مسئله خلق کرد، جدا از مسئله مردم عراق بطور کلی و مشکلات انقلابی - مکرراتیک و در سده های اخیر جبهه جهانی حق پیشرفت فرهنگی نمیتواند حل شود. این مسئله را نمیتوان توطئه و زد و بند با محافل امپریالیستی، سببونیستی و ارتجاعی حل و فصل نمود.

اینکه رهبری حزب کمونیست با ایجاد تضمین کامیاب در حل مسئله کرد کوششهای خستگی ناپذیری برای تثبیت و بسط و تکامل خود مختاری بکار میرسد. راه رسیدن به این هدف عبارت از تحقق بخشیدن به حقوق و آزادیها و مشکلات انقلابی - مکرراتیک و در اساسات ملی آن خلق و شناسایی حق پیشرفت فرهنگ و زبان ملی و حفظ ساختار مسکنه کردستان عراق است. حفظ میراث متری خلق کرد، مبارزه علیه اندیشه و اقداماتیک به برادری خلق عرب و کرد تارین و ارد سازد و تارین حقوق تمام اقلیتهای ارتیک بهمان درجه سعادت را اهمیت است.

یکی از مسائل عده که در سوبین کنگره حزب کمونیست عراق مطرح شد مسئله دورنمای آینده انقلاب عراق بود. نتیجه گیریها تیکه در این زمینه بصل آمد در برنامه جدید حزب ثبت شده است.

فاریکسیم - لنیسم امکان میدهند که روی مسئله گرهی مانند گذار به سوسیالیسم بطور مطلق تعقیق و تامل شود پیوند متقابل دیاکتیکی عمیق میان قانوندهیهای عام ساختمان سوسیالیسم و ویژگیهای آن در شرایط دیاکتیک مریض مشخص پیدا کند. در مراحل مقدماتی پیشرفت اجتماعی گذار بسوسیالیسم هم پیوسته از تشویق دیاکتیکی شایان اهمیت است.

حزب ما با تکیه به احکام مارکسیسم - لنیسم و در نظر داشتن واقعیت یعنی عراق به این نتیجه گیری استراتژیک رسیده که انقلاب ملی - مکرراتیک در کشور ما وارد مرحله نو متری راه رشد سرمایه بسه داری شده است. اکنون ما در برابر ضرورت تحقق کامل وظائف ملی - مکرراتیک قرار داریم که فقط در نتیجه تعقیق و رشد انقلاب در جهت سوسیالیسم حاصل تواند شد. این مطلب در برنامه جدید حزب کمونیست عراق فرمول بندی شده مکی به تجزیه و تحلیل کامیاب و در گسار نیمه ادراست استحکام میانی استقلال سیاسی و تحقق استقلال اقتصادی است.

در برنامه حزب تأیید شده است که " راه رشد سرمایه داری که معنی اجرای وظائف انقلاب ملی - مکرراتیک و ایجاد شرایط مقدماتی لازم جهت گذار به سوسیالیسم است، در نزد بهره بردار سرمایه داری که راه رشد سرمایه داری را همانند یک صورت بندی اجتماعی و اقتصادی سد میکند " (۱) تجسم

۱ - "طریق العصب" ۱۶ ماهه ۱۹۷۱

یافته است . درین حال ، تداوم برآمدن و تأسیسات تولیدی سرمایه داری را پی می کند و مانع گسترش این مسائلیات می شود .

راه رشد غیرسرمایه داری همکاران با مرحله گذار به سوسیالیسم نیست . مرحله اخیر برای عزتین ویره خود است . علاوه بر این ، در مرحله کنونی خطر نیروهای ارتجاعی که تلاش دارند کشور را بر سرمایه داری بازگردانند و آنرا وابسته به امپریالیسم سازند ، وجود دارد . (تجربه کشورهای دیگر نیز گواه این مطلب است) .

مؤرخین همچنان به ایجاد مانع در راه رشد انقلاب ادامه می دهند . سرمایه خصوصی گفتگوکننده هم در شهرها فروخته شده است . افزایش سرمایه داری نفوذ اقتصادی و ایدئولوژی سیاسی در جامعه و دستکاه دولتی است . سرمایه خصوصی از حیث وسیع ارتباطات خود با سرمایه داری جهانی که از آن حمایت میکند ، نیروکسب میکند . محافل راستگرا همچنین از وابستگی کشور به بازار جهانی سرمایه داری که همچنان باقی است بترسند و میبندند .

سرمایه خصوصی برای ضایع بین اندازه بحساب بخش دولتی تلاش میکند و تمام هم خود را بکار میبرد تا آخرین رقم آنرا بکشد و حتی متری آنرا از بین ببرد و بدین طریق زمینه را برای نابودی بخش دولتی و بازگشت کشور به سرمایه داری آماده سازد . گسترش دامنه قشرهای جدید بیرونی در جوار چوب بخش دولتی از قبیل چکانگران ، واسطه ها و بوروکراتها برای چنین چرخشی خطرناک خواهد بود .

از سوی دیگر رقابت کنونی برای آنکه به بازگشت به راه سرمایه داری امکان داده نشود ، شرایط عینی بوجود میآید . تنها بوسیله گسترش دامنه انقلاب پیشبردن آن به جلومستوان از این شرایط بطور موفقیت آمیز استفاده نمود . برای این منظور تنها شرایط داخلی ، بلکه شرایط بین المللی لازم نیز هست موجود است . ما در وران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم به عقیاس جهانی ، یعنی درونی که میبستیم سوسیالیسم به نیروی قاطع رشد و تکامل جامعه انسانی تبدیل میشود و برای دیگر خلقها نمونه جاذب پیشگام است زندگی منتهی . اندیشه های سوسیالیسم علمی جالان تنها بر طبقه کارگرتوده های زحمتکش ، بلکه همچنین بر نیروهای سیاسی و اجتماعی جدید و مرکزهای انقلابی نیز تائید میفرزاید . دارد . این نیروها اخیر دگرگونیها میآید و از امپریالیستی و ضد فئودالی قیامت نمیکند ، بلکه پیش از این به رشد سرمایه داری مخالفت میکند . دموکراتهای انقلابی با اندیشه ها و استنتاجات سوسیالیسم علمی به اهمیت مؤثر بودن آنها در مبارزه در راه تأمین پیروزی انقلاب ملی - دموکراتیک و ایجاد جامعه فارغ از استعمار انسان از انسان راضی تر درک میکند .

اشاهه نمایان توجه اندیشه های سوسیالیسم میان قشرهای وسیع اهالی کشورهای عامل یعنی است که به پیشروی عراق در راه رشد غیرسرمایه داری مساعدت میکند . روابط وسیع کشور با کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی نیز در این زمینه اهمیت بسزایی دارد . این روابط برای ازم گسیختن زنجیرهای وابستگی کشورهای بازار جهانی سرمایه داری و ایجاد شرایط لازم جهت ساختن سوسیالیسم به عسماق کمک میکند .

محیط بین المللی که با گامهای بزرگی در اجرای برنامه صلح پیشنهاد شده از طرف ۲۴ - مین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی ، پیروزیهای تاریخی خلقهای ویتنام ، کامبوج ، لائوس ، برتغال و یونان مشخص میکند در این جنبش پیشرونده انقلاب با مطلقترین شرایط مساعد ایجاد میکند . نتایج پیکارهای ضد استعماری در آنگولا ، موزامبیک و کینه - سیاسو نه تنها برای افریقا بلکه همچنین برای جنبش رهایی بخش ملی بحقیاس جهانی جائز اهمیت فوق العاده است . این پیروزیها در شرایط تشدید مجدد بحران عمومی سرمایه داری در زمینه های سیاسی و اقتصادی و ایدئولوژیک بدست آمده است . کنگره بیستم

حزب کمونیست عراق در حال نقش قاطع سیستم سوسیالیستی هیشتادگان اتحاد شوروی را در پیرویه رشد و تکامل جهانی متذکر گردید .

کمونیستهای عراق برای اهمیت بین المللی ۲۵ - مین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی که بزرگترین رویداد در زندگی مردم شوروی و جنبش جهانی کمونیستی بود ارج فراوان قائل شدند . آنها بر مردم شوروی و حزب لنینی آن بها طراکتهایی هائی که در امر ساختن کمونیسم بدست آوردند ، افسند میگرد . تنهت گفتند و به رهبری حزب کمونیست عراق توصیه نمودند پیوندهای برابری را همبستگی با حزب کمونیست اتحاد شوروی و دیگر احزاب برادر آفریننده استوارتر سازند . مجمع کمونیستهای عراق نسبت به خلقها لیکه در راه آزادی سیاسی و اقتصادی خود مبارزه میکنند ، نسبت به قربانیان نژاد پرستان امپریالیسم و فاشیسم در تمام مناطق جهان هفتبستگی آندین خود را برآورد است . حزب ما با قاطعیت خواستار آزادی رفیق لوشین کورولان ، دبیرکل حزب کمونیست شیلی از زندان است .

به تجزیه و تحلیل اوضاع منطقه عربی و خاور نزدیک در کارکنگره توجه فراوان شده بود . عراق که بخشی از جنبان عرب و جنبش رهایی بخش ملی این منطقه است تأثیرات پررنگ هائی را که در این منطقه جریان دارد مستقیماً احساس میکند . در حال حاضر خاور نزدیک به مره حادثه ترین مبارزات میان نیروهای ترقیخواه این کشورها امپریالیسم ، سوسیالیسم و ارتجاع از سوی دگر یکدیگر تبدیل شده است . این مبارزه بر سر مرزهای طبیعی همگن بود . در منطقه خلیج فارس و در نظر گرفتن موقعیت مهم استراتژیکی کشورهای عربی انجام می یابد . سوسیالیسم و امپریالیسم حقوق قانونی خلق عرب فلسطین و از جمله حق آنرا برای بازگشت به زمین خود و ایجاد دولت ملی مستقل انکار میکنند .

تجاوز سوسیالیستی امپریالیستی و اشغال سرزمینهای کشورهای عربی توسط اسرائیل ، خاور نزدیک را به گان خون خفناک تشنج بحقیاس جهانی تبدیل کرده است . امپریالیسم ایالات متحده امریکا پس از شکست در ویتنام سعی خود را هر چه بیشتر در منطقه متمرکز میکند و این هم بنویه خود بحران خاور نزدیک را احاد تر میکند . تفرقه در صفوف اعراب و اقداماتی که در جهت تضعیف اتحاد اعراب با اتحاد شوروی انجام میشود رویدادهای لبنان نمودار این امر است . بیگ سکن ۹۰ هزار تنیستهای امریکا تمام کوشش خود را بکار میبرند تا نفوذ خویش را در خاور نزدیک احیا کنند و عفات شرورهای طبیعی این منطقه ادامه دهند . سوسیالیسم کنگره حزب کمونیست عراق ارتداد نیروهای راست گرد . راد جنبش رهایی بخش فلسطینی خلقهای عرب محکوم کرد . آشکارترین نمونه های یک چنین ارتدادی مؤقت نامه های سینا (۱) و فسخ پیمان دوتیمی و همکاری مصر با اتحاد شوروی توسط انفراسادات بود . هر دو این اقدامات تخیلیست خطی است . تازه ، رهبری مصر در سیاست داخلی و خارجی است .

از جنبین کنگره نگارنی عمیق حزب اتحاد شوروی خندین لبنان آنرا از گردید . کمونیستهای عراق ضمن از ترحم و ستایش و فشار بر آنکه نیروهای ملی و پیشین پرست و جنبش مقاومت خلق قهرمان فلسطین اقدامات جدید درین حال با اتساق یاد آوریدند که اقدامات برخی از مداخل عربی نسبت به لبنان در جهت منافع خلق و پیشین پرستان این کشور نیست .

برای آنکه در راه رشد هر چه بیشتر جنبش رهایی بخش ما در سمت انقلابی و ازین برن شکافهای تکه

۱ . صداقت نامه میان مصر و اسرائیل در راه خروج بخشی از واحدهای نظامی اسرائیل از سینا که در سپتامبر سال ۱۹۷۲ مصلحتاً رسید از طرف محافل اجتماعی مترقی کشورهای عربی و جهان مورد توجهش قرار گرفت . (هیئت تحریریه)

در این جنبش پدید آمده و رفع دشواریهای کنونی فوری حاصل شود و حدت محافل و رژیم های فاسد امپریالیستی در جهان عرب ضروری است .
 ما هنگام ساختن مواضع دول شرقی ، تشکیل جبهه های ضد امپریالیستی - یومین پرستانه داخلی و سراسری کشورهای عربی ، استحکام اتحاد آنان با جامعه کشورهای سوسیالیستی - یومین پرستانه استحکام رشته های دوستی خلقهای عرب و شوروی که همه جانبه و شرقی عرب اثرات فاجعه پروری برای امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع میدانند معائن اهمیت است . چنین است نتیجه گیری کنکره کمونیستهای عراق .
 به عقیده حزب ما تنها از این رو است که میتوان الغای تجار و کارگزاران اسرائیل ، آزادی سرزمینهای اشغال شده ، ایجاد شرایط اساسی برای پیروزی خلق عرب فلسطین برهبری سازمان رهایی بخش فلسطین را تعیین کرد و درگسترش دامنه انقلاب رهایی بخش در جهان عرب و تعمیق محتوی مترقی آن توفیق حاصل نمود .

امکان حل مسائل نامبرده برای ما تا حد زیادی با گامهای بیپای جنبش کمونیستی و کارگری جهان بستگی دارد . اکنون این جنبش که حزب پرافتخارترین و احزاب حاکم در کشورهای سوسیالیستی مقام پیشتر از ایران دارند به گامهای بیپای بزرگ و همه جانبه ای دست یافته است . سومین کنکره حزب کمونیست عراق صحت ایستتاجات جمعی کنفرانس جهانی احزاب کمونیست و کارگری سال ۱۹۶۹ در مسکو را که با معجز زندگی مورد آزمایش قرار گرفت ، با شرایطی خفا طرفهان کنکره ، کنکره فعالیت کمیته مرکزی حزب را که از پیشنها د تشکیل کنفرانس جهانی تازه احزاب کمونیست پشتیبانی کرده تأیید کرد ، زیرا پیوسته از وظایفی که در کنفرانس سال ۱۹۶۹ مطرح شده بود انجام یافته و تا کنون در جهان درگونگیهای مهمی روی داده است . تبادل نظرها و استحکام و جدت جنبش کمونیستی بر پایه اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری ضرورت یافته است .

حزب کمونیست عراق ضمن دفاع از هدفهای ملی و یومین پرستی و اتکا به پیگریه طبقه کارگر و قشرهای زحمتکش خلق همواره نسبت به اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری وفادار مانده است ، در تاریخ چند دهه ساله این حزب پوی وجود نداشته که وظائف ملی حزب جدا از وظائف جنبش جهانی کمونیستی مطرح و بررسی شده باشد . این اصول بنیادی همواره در تعیین خط مشی داخلی و بین المللی برای حزب کمونیست عراق شیخ الهام خواهد بود . کمونیستهای عراق قصد دارند در آینده نه تنها وظایف خود را با جنبش کمونیستی جهانی استوار سازند ، در راه استحکام این جنبش طبقه هرگونه تلاش و خطری ایجاد نفره در صفوف آن مینور کنند . کمونیستهای عراق معتقدند که دفاع از انترناسیونالیسم پرولتری برای هر یک از احزاب برادر در رسیدن به اهداف ملیشان از شرایط ضروری جهانی است . کنکره تأکید کرد که احترام به استقلال هر حزب مارکسیستی - لنینیستی در تعیین سیاست آنها نباید با در مقابل هم قرار دادن منافع ملی و وظائف انترناسیونالیستی یا اصول استقلال هر یک از واحدهای جنبش جهانی کمونیستی یا اشترالی رسالت تاریخی جهانی که آنها را با هم متحد میسازد ، همراه باشد . کمونیستهای عراق ما توفیق را بعلت عدم پیوند آن با مارکسیسم - لنینیسم و مواضع خصمانه علیه انجمنیاد شوروی و بگر کشورهای سوسیالیستی و جنبش جهانی کمونیستی و طبقه کارگرین المللی و جنبش رهایی بخش ملی شدید محکوم کردند .

تحقق برنامه جدید و مصوبات یومین کنکره حزب به نیروهای انقلابی کشورها امکان میدهد گام بنسوی به پیش بردارند . کمونیست های عراق که وحدت اراده و واندیشه آنها را متحد ساخته همم هستند این وظایف را در جریان مبارزه مشترک در اتحاد با حزب بعث و همه محافل مترقی انجام دهند . مسئولیت سنگینی برعهده ماست و آن اینکه با روح یومین پرستی انقلابی و صداقت کمونیستی به خط مشی سیاسی تعیین شده

فعلات و خلاق جاه عمل بهوشانیم . ما از صرف هیچگونه نیرو و انرژی دریغ نخواهیم کرد تا خود را شایسته اعتقاد عشق که نسبت به کمونیستهای عراق در شرایط و مهمل گوناگون از جانب برادران و متحدین آن میزبل شده است نشان بدهیم . حزب ما با قائل بودن ارج فراوان برای این پشتیبانی در آینده نیز بدون گذشت از اصول انترناسیونالیسم پرولتری و مارکسیسم - لنینیسم دفاع خواهد کرد .

www.iran-dro.com

چه در زمینه اقتصادی و چه در زمینه سیاسی کنگ سرمایه انحصاری ایالات متحده امریکا نقش قاطع داشت. اما سیاست پرتزیش خود بورژوازی آتیش هم که هم خود را مصروف جلب قشرهای متوسط بسوی خویش کرده بود از اهمیت فراوان برخوردار بود. بورژوازی آتیش برای آنچنان گذشتی در برابر بورژوازی که پیش آمد آماده شده بود که از زبان حزب خلق آتیش حتی از ملی کردن گسترده صنایع (مالکیست پیشین آلمان) پشتیبانی کرد.

چنین تریزی در روابط متقابل با سرمایه انحصاری خارجی نیز نشان داده شد. بورژوازی آتیش در آزارگاه فقط همانند عامل و واسطه انحصارهای امریکا عمل میکرد. ولی با افزایش قدرت سرمایه انحصاری اروپای غربی انتقال مرکز ثقل روابط خارجی بورژوازی آتیش هم جا حاصل پویشد. سرمایه بزرگ آتیش با احیا و تحکیم مواضع خود تاحد و مدعیانی از همان مانی هم برای اینکه بدون صرف نظر کردن از حمایت امریکا مشترکا بسود هرد طرف با انحصارهای اروپای غربی عمل کند استفاده کرد. بسود و تردید این بود تا عمل در درجه اول با انحصارهای جمهوری فدرال آلمان بود که هم از لحاظ جغرافیایی و هم از لحاظ سنت های تاریخی نزدیکتر از سایرین بود. این پدیده شایان توجه است که قطعی کسردن مالکیت های سابق آلمان در آتیش بدون مانع انجام شد. انحصارهای آلمان غربی نسبت به اوضاعی که پیش آمده بود "حسن ظاهر نشان دادند" و این اقدامات را هم از نقطه نظر منافع دراز مدت خود و هم به خاطر حفظ آتیش مانند پلانکسور بورژوازی ضروری دانستند.

سرمایه بزرگ آتیش "بکمال لیدرهای حزب سوسیالیست" شیوه ای بکار برد که بکمال آن نه تنها به درآمد خود بحساب ارزش اضافی که در موسسات ملی شده ایجاد میکرد پد افزود، بلکه خود را از خطر مبارزه و رقابتی راحت و آسوده کرد. اما این فقط آغاز کار بود. پس از آن بهم پیوستگی آهسته و تدریجی رهبری موسسات دولتی با سرمایه خصوصی خود آتیش و همچنین جمهوری فدرال آلمان با وقوع هیوست در نتیجه بخش چشمگیری از این مالکیت خارجی ملی شده و بلاواسطه به کنسرنهای آلمان غربی بازگردانده شد. این کم فرید ریسانگلن که در کنسورسهای داری ملی کردن موسسات آنها را سوسیالیستی نمیکند بطور موقتی تأیید کردید (۱). زندگی باریک ریش نشان داد که ما هم سعی شدن با خجالت طبقاتی و سلب اینکه حاکمیت در جامعه بکدام طبقه تعلق دار تعیین میکرد.

روشن است که این امر اهمیت ملی کردن راه مانند شرط مهم پیشرفت مبارزه بر علیه حاکمیت انحصار ها خد شد در نیمیازد. بهمین سبب نیز، اینکه در واقع امر در همه جا در بخش غیر سوسیالیستی جهان هم شمار ملی کردن جای برجسته ای در کارنامه (پلاتفرم) نیروهای دموکراتیک و شرقی احزاب کمونیست قانونمند است. حزب ما نیز با قاطعیت با هر کوششی که برای البانی ملی کردن صنایع و کارگران آلمان مالکیت دولتی به سرمایه خصوصی بعمل آید مخالفت خواهد کرد.

ملی کردن صنایع در آتیش موجب تغییرات عمیق اجتماعی - سیاسی گردید. نمیتوان حد اقل بیکی از این تغییراتو چگونگی مسئله بید با یقیناراست که تسولیت مستقیم وضع کارگران موسسات ملی شده پدید آمده دولت مجبور گردید. این خود عامل مهمی در مناسبات میان کار سرمایه وارد ساخت و شرایطی بوجود آورد که میتواند از طرف طبقه کارگر برای گسترش هر چه بیشتر مبارزه اش مورد استفاده قرار گیرد. مجموع این پیروسی با افزایش سرمایه گذاری کنسرن های "ترانس ناسیونال" آلمان غربی و دیگر کشورهای همراه است. طبیعی است که بورژوازی بزرگ آتیش بطور مد اوم سعی در تحکیم مواضع خود دارد. اما این بخش از بورژوازی بخوبی درک میکند که قدرت شرکت های چند ملیتی چقدر زیاد است و میتواند

کمتر موقعتی دست دهد آنها بطور قطع برتری خواهند جست و کسب حد اکثر پیروزی را برای خود تاخیر خواهند کرد.

رشد و تکامل سرمایه داری دولتی - انحصاری آتیش که بر پایه عمل متقابل با کنسرن های چند ملیتی ورهه دواندن آنها در اقتصاد کشور استوار است فقط در نتیجه پیروی از یک سیاست معین سیاسی اتحاد با سرمایه داران کوچک و همکاری با قشر فوقانی حزب سوسیالیست آتیش و اتحادیه های کارگران میتوانست تحقق پذیرد. هر سیاستی باید زیربنای مادی داشته باشد که با آن وفق دهند. این زیربنای مادی در آتیش چه بود و حال چیست؟

سرمایه انحصاری برای افزایش سود و درآمد های خوش ناچار است بسود قشرهای گوناگون اهالی مانند سرمایه داران کوچک و متوسط، بخشی از دهقانان و بخشی از کارگران و کارمندان نویسی "گذشت" بکند. البته سخن از ارفاق با اعدا نشای برای سنجش میزان این گذشت هانیست. در این میان همواره تغییراتی پدید میآید که بی ثباتی وضع اقتصادی و عدم اطمینان راجع قشرهای از اهالی که از آنها نام بردیم تشدید میکند. علت این راهم نقش نهاد ریز پیروزی های دانشی که از هر کجای اقتصاد بورژوازی است، بلکه در تحقیر بحران عمومی سرمایه داری باید جستجو کرد.

تیزتر از انحصاری سرمایه تولید که انقلاب علمی و فنی آنرا تسریع میکند هزاران سرمایه دار کوچک و توده های دهقانی را ورشکست میکند. حاکمیت مطلق انحصارها نه فقط برای طبقاتی که بطور مستقیم استثمار میشوند بلکه برای قشرهای گسترده تری از جامعه بورژوازی هم بمعنی تشدید بیستمن اجتماعی - اقتصادی و سیاسی در آن واحد است. این حکم لنین که "امپریالیسم عصر سرمایه مالی و انحصاری است که در همه جا گرایش به تسلط و حاکمیت و ته آراهی راهبردارت" (۱) و که "تضاد آتش بیخیرمان امپریالیسم که دموکراسی را فنی میکند توده ها که برای رسیدن به دموکراسی تلاش میکنند" (۲) هر چه حادثه میگردد، امروزه کاملا تأیید میشود.

قشرهای "بینابینی" اهالی که وسیله انحصارها استثمار میشوند ورشکست میگردد و با همسال میشوند اگرچه با حق و نمودی در جانشین میشوند طعمه سیاسی سازمانهای فاشیستی و ما با ماجراجویان چپ گرای افراطی گردند. اما آنها نمیتوانند متحدین طبقه کارگر مبارزه در راه نظام اجتماعی نوی میشوند که آنها را از وحشت جنگ و ستم و استعمار برهانند. تردیدی نیست که امکان راه دوم در حال حاضر محلی که بر دکان روشن است خیلی بیشتر از دوران بین دو جنگ جهانی است.

اما این راهم نمیتوان نادیده گرفت که در واقع بورژوازی کنونی در ترکیب قشرهای باصلاح میانه گروههایی پدید میآید که از یک طرف وسیله سرمایه انحصاری زیر فشار قرار گرفته و استثمار میشوند و از طرف دیگر در همان دایره موجودیت اجتماعی - اقتصادیشان وابسته بدانند و با آن ارتباط نزدیک دارند. مثلا کارکنان در رشته سومی یعنی رشته خدمات که در ساختار اقتصاد پیشرفته معاصر سه عنصر ضروری حیاتی میذل شده است از جمله افراد این گروهها هستند. اکثر کسانی که در این رشته بکار اشتغال دارند مزه بگردد و از این دیدگاه از لحاظ وضع خود در اجتماع نزدیک طبقه کارگرند و با آنکه واحدهائی از آنها تشکیل میدهند. توجه بدین فاکت شایان اهمیت است که اینها اکثر کارکنان گروههای کوچک و اغلب بسیار قابل هستند که با شرایطی که در آن طبقه کارگر در موسسات بزرگ متد شده و سازمان میدهند هیچ آشنائی ندارند. صاحبکاران کوچکی که اینها برایشان کار میکنند معمولاً خودشان هم بطور مستقیم در تولید شرکت میکنند، در نتیجه جلد سرمایه داران کارکنان مزه بگیری و مناسبات وابستگی

۱ - لنین مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) مجلد ۲۰، ص ۲۱۹
 ۲ - لنین مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) مجلد ۲۰، ص ۲۱۹

۱ - مجموع نشید به کارل مارکس و فریدریش انگلس، مجموعه آثار (بزبان روسی) مجلد ۲۰، ص ۲۸۹ - ۲۹۰

مقابل و تاثیر مقابل معنی برقرار میگردد . چنین وضع بطور مثال آشکارا در صد ها موسسه کوچک و بزرگ حمل و نقل و توییل و همچنین در بانکهای کوچک ساختمانی و مانند اینها پدید میآید . خود سرمایه داران کوچک هم (که برخی از آنها با گذشت زمان نیرومند میشوند) منشاء دوگانگی اجتماعی اند ؛ آنها از یکسو سرمایه انحصاری بیوفت دارند و همانند عاملین مستقیم آنها عمل میکنند با آنها تئوریتی اند و زندگی و همین وضع آنها را بطرف داران سرمایه موجود میل میکند . از سوی دیگر مستخدمان قدرعطفه سرمایه انحصاری را که بطور مداوم آنان را از بخش مهمی از درآمدی که بعقیده آنها متعلق به آنانست محروم میسازد می بیند و با گوشت پوست خود احساس میکند ، برخورد آنها نسبت به کارگران و مزد متکاران " خودشان " هم دوگانه است . از یکسو این مناسبت یک صاحبکار است که مایل است از هر چه کمتری بپردازد بپردازد ، اما از سوی دیگر مناسبت انسانی است که کارمندان آنها را باید بگر ارتباط میدهد . در اینجا است که اغلب موضوع مشترک آنان در اقداماتشان بر علیه دولت و مالیهائیست سنگین و رشوه خواریش و بر ضد الیگارشی مالی و بر علیه " سیاست بزرگ " بطور کلی جلو میروند . خلاصه کلام اینکه سرمایه داران کوچک دودل و مترددند ، تغییر شرایط و اعتلا و تنزل و رکود در تغییر سیاست آنها نقش بزرگی دارد . جلب این سرمایه داران کوچک و وابستگان به قشرهای متوسط جامعه سرمایه داری بسوی خود و تبدیل آنها به متحدین خویش برای طبقه کارگر در مبارزه اش بر ضد سرمایه انحصاری اهمیت فوق العاده دارد . این مسئله امروز بسیار مهم تر از گذشته است . بیرون امکانات برای تحقق آتموم خیلی پیشتر از گذشته یعنی زمانی است که چنان نیرومند سوسیالیستی وجود نداشت بدیهی است که سرمایه انحصاری بطور قاطع با تشکیل چنین اتحادی مخالفت میکند . بسیاری چنین مخالفان هم وسیله از فشار اقتصادی تا تاثیر بر طریق ارگانهای خبری و ارتباط جمعی در اختیار دارند . انحصارها خود میگویند قشری ای متوسط را گرد خویش متحد سازند و علاوه بر این طبقه کارگر را نیز در اثر نفوذ خویش بشانند . رهبری حزب سوسیالیست اتریش در این کشور دستیار فعال انحصارها است . کرایسکی صدراعظم و صدر حزب سوسیالیست اتریش چندی پیش اعلام کرد که کنسرن های چند ملیتی کاملاً ضروری اند و دولت " سوسیالیستی " او آنها را خوب کار می آید .

میدانیم که در اتریش بورژوازی با اتفاق رهبری سنیکاها و ولیداران حزب سوسیالیست اتریش سیاست با اصطلاح مشارکت اجتماعی رایجند میکند . این سیاست چیزی دیگری غیر از شکل پرزیش واپسگردن طبقه کارگر به سرمایه انحصاری بطور عام و سرمایه انحصاری بطور خاص نیست . این سیاست نشانه و میراث گذشت های سرمایه انحصاری به سرمایه داران متوسط و کوچک و همچنین به طبقه کارگراست . این شیوه ایست که با حاصلگیری و با خاطر تضمین " صلح اجتماعی " و سایر متریکویم برای تائین سطح بالا و رشد فزاینده سود و درآمد بسیار برده میشود .

آنگی کونومس کاکا گاهانه از طرف لیبرالان حزب سوسیالیست اتریش برای جلوگیری از جدت طبقه کارگر در مبارزه اش بر علیه حاکمیت سرمایه داران زد میفوتد بخش مهم سیاست " مشارکت اجتماعی " و " صلح اجتماعی " را تشکیل میدهد . کونومس های اتریش که در راه وحدت طبقه کارگر و پیشبرد فساد انحصاری گسترده ای میباشند افشای ماهیت و مکانیسم " مشارکت اجتماعی " و تعرض بر ایذائیسوزی زنجیر گسترده آنگی کونومس و سیاست رهبری حزب سوسیالیست اتریش را از وظائف مهم خود بشماران میآورند .

روشن است که کونومس ها و سوسیالیست های چپ یهمان اندازه ای که مشترکاً در مبارزه فساد کونومستی عمل میکنند نه فقط بر ضد انحصارها بلکه هم معین آن بلکه بطور عام بر ضد سیستم بهره کشی سرمایه داران که یورود آورنده آنها است ، اقدام می نمایند .

در برخی از دیگر کشورهای اروپای غربی (بعلتی که در اینجا بیشتر آنها بنی برداریم) وضعی بوجود آمده که با وضع اتریش تفاوت فراوان دارد . در آن کشورها ، بنوعی طی سالهای اخیر تعداد میان قدری لایه دولتی - انحصاری و قشرهای اجتماعی گوناگونی سرمایه کوچک وقتی متوسط اند ، شدت یافته است و اکثریت طبقه کارگر در همه جا آگاهانه بر علیه سیستم حاکمیت انحصاری گام نهاده است . پدید ه های بحرانی که در سالها ۷۰ جامعه بورژوازی را بلرزده در آرد در بارش و هیولای نقش هلاکتیابنا و انحصارها بر ملا ساختند . با این ترتیب به جستجوهای که در راه خروج بحران میشود نیز مستمعین داده شد . درک این نکته که حق با کونومست ها است که این راه خروج را در زمین بردن حاکمیت سرمایه انحصاری و بدین ترتیب هموار کردن راه گذار به سوسیالیسم می بینند که ضرورت آن بدت ها است احساس میشود ، هر چه بیشتر میمان توده ها قوت میگیرد .

کونومست ها نشان میدهند که در شرایط کنونی این گذار میتواند از طریق مسالمت آمیز باشد و میتواند برای اتحاد اجتماعی - سیاسی طبقه کارگر با قشرهای " بینابینی " و دیگر گروههای اجتماعی تحقق یابد . این دسته اخیر هم از انفعالی حاکمیت سرمایه انحصاری و هم از مشارکت آشکار همراه با طبقه کارگر در مبارزه بخوا طرد گرگونیهای عیق سوسیالیستی بهره وریشوند . تصادفی نیست که در گسترده ترین محافل اجتماعی این اندیشه قوت میگیرد که میبایست اتحاد نیروها در موکراتیک را که پس از آن گسسته جهانی دوم ، پس از نیروی بر فاشیسم موجود بود احیا کرد و که چنین اتحادی را امروز در اوضاع و احوال کاملاً تازه میتوان به سطح عالیتری ارتقا داد .

کونومست ها در راه پدیدایش چنین اتحادی میگویند . این سیاست آنها برای ما به نفعهای گذار و موفقیت و برپایی عهدی است که داده میشود که بعد عملی نشوند استوار نیست . بعبق این سیاست واقعا از ضرورت پیچیدگی بهتر تر این بسوی سوسیالیسم ناشی میگردد . این سیاست عقاید موکراتیک است . در حالیکه سرمایه انحصاری در دهه - اوایل و طرد او هم به حقوق موکراتیک مردم تجاوز میکند ، از زمینهای استیفا داری وقتی فاشیستی پشتیبانی می نماید سعی در مستقر کردن آنها دارد ، طبقه کارگر در راه گستر حقوق موکراتیک مردم و در راه دموکراسی پیگیر که ما آنرا بمنزله راهی بسوسیالیسم و از شرایط لازم می دانیم مبارزه میکند ، زیاد دموکراسی و سوسیالیسم با هم ارتباط ناگسستی دارند . ما همواره این سخنان لنین را بخوا طرد اویم که " پیشرفت دموکراسی تا به آخرین حد ، جستجوی اشکال چنین پیشرفتی در عمل بیرون از مایه های آن را در آن آنها و نظایر آنها در همه نوعی از اجزا " ترکیب کننده و طبقه مبارزه در راه انقلاب اجتماعی است " (۱) .

محروم کردن سرمایه انحصاری از حاکمیت و ایجاد دموکراسی ضد انحصاری را (اینها هدف سیاسی است که ما در اتریش در جریان بیستودومین کنفره حزب خود برای خویش تعیین کردیم) تنها میتوان بمنزله گامی بسوی سوسیالیسم بشمار آورد . در همین حال ما بطور دقیق و با قاطعیت اعلام میداریم که در نظر اریم با سرمایه داران کوچک و متوسط با توده های دهقانان و سایر احزاب بسوی سوسیالیسم گام برداریم . از این نقطه نظر ما طرفدای اهلوارالیسم هستیم (بشرطی که سرمایه انحصاری از بین برود) . میشد اینطور تصور کرد که در اتریش هم نظیر برخی از کشورهای بورژوازی اروپا این مسئله مربوط به آینده دوری است . خیر ، این مسئله همین امروز هم دارای اهمیت بنیادین است و برای گسترش دامنه مبارزه موفقیت آمیز در راه وحدت تئورهای ضد انحصاری بسیار حاد و مهم است .

ب . کرایسکی از رهبرانی است که استفاده میکند تا اعلام کند که کونومست ها که از گذشته سوسیالیسم در اتحاد با دیگر نیروها و احزاب چپ اندر میکنند ، دنباله روسوسپال دموکراتها و حتی برشتین اند . در

ضمن اوضاع اداریه اختلاف عمده ای کمپان کمونیست ها و سازشکاران و اپورتونیست های بی پرسنسی وجود دارد و باید حقیقت تریگویم در رابطه با سوسیال دموکراتها اینکه پرتنگی برپا نین سرمایه داری بهار باشد سکوت اختیار میکند . موضوع اخیرا طرف هم در سال ۱۹۲۱ در رکورد لیزیک حزب سوسیال دموکرات آلمان مستقیما بیان کرده است . کراسکی در تالیف که ازگی هانتشار یافته توافق کامل خود را با این عقیده تأیید میکند . او نوشته است : « او از دیدیک سخنرانی (بطور مشخص سخنرانسی تاراف) بملت انتقاد شدیدی که تمام چپ ها بدان رواد اشتند کاستند » (۱) . در همان کتاب ماه این گفته تیهیک او ، بهالعه برخورد میکنیم : « ماسوسیالیست ها تا درجه معینی حتی در حالت انتقاد دو جاتنه با سرمایه داری زندگی میکنیم » (۲) .

چنین تحریف و توصیف های رهبری سوسیال دموکراسی از خود باند از عکاسی تفاوت سیاست وی را از سیاست کمونیست ها معلوم و مشخص میسازد . لیدان راستگرا به اتحاد قشرهای متوسط و خمسرده بورژوازی با سرمایه انحصاری کمک میکنند و این امر واقع همانند مطیع و منقاد کردن این قشرهای اجتماعی و به افلاس کشاندن آنهاست . این از دیدگاه اقتصادی است . ولی از لحاظ سیاسی آنها کار را بسه تشدید گرایی های ضد دموکراتیک میکنند . اما کمونیست ها از آزادی قشرهای خرده بورژوازی و بیانه از دید بند سرمایه انحصاری پشتیبانی میکنند و راه را نیز در اتحاد آنها با طبقه کارگر میدانند . ما این را پنهان نمی کنیم که بدین ترتیب راه حل تضاد اساسی سرمایه داری یعنی تضاد میان سرمایه و کارزار هم نشان میدهم . ما میگوئیم که در آخرین تحلیل حل این تضاد موافق با منافع تمام شرکت کنندگان در مبارزه بر علیه سرمایه انحصاری است . ما در ضمن در واقع هم نمیخواهیم هیچکس را « بیلیمیم » . اما ما نشان دادیم بهترین راه ترقی اجتماعی ضروری از لحاظ تاریخی را به مردم و وظیفه خود بنما میرویم .

بدین ضابطیت یادآوری این اندیشه نشین شد و حتی ضروری است که در تمام جنبشهای انقلابی و دموکراتیک (ما امروز کلمه ضد انحصار را هم بدان می افزودیم) کمونیست ها نقش پیشقدم را نه با حرف و قهقهانه پارسی تدبیر اذاری و انقباضی بلکه با پیگیری سیاسی خود ، با اندیشه های شوریک خویش و مهارت غنی کردن آنها بر پایه تجارت پارتیک بدست آمده و بنا بر این با ینکافنه تا در تمام شرکت کنندگان در مبارزه را بر بارنامه عمل روشنی بسیم کنند احراز نمایند (۳) .

این در واقع سرمایه انحصاری است که با تمام فوئالی که در اختیار دارد ، از جمله با توسل به زور ، امروزه پیشروی بسوی سوسیالیسم بطریق مسالمت آمیزه از دیدگاه منافع مردم مطلوب ترین راه است . ما میگوئیم : این انحصارها هستند که تلاش دارند مانع از اتحاد طبقه کارگر با دیگر قشرهای اجتماعی گردند و از همکاری با کوشش ها و احزاب چپ و دموکراتیک مناعت بعمل آورند .

آبامیوان بر این اساس و همچنین با توجه به تغییرات نام در پیشرفت سرمایه داری معاصر بر این نتیجه رسیدیم که تضاد آشنی نا بدیر میان سرمایه انحصاری و طبقه مردم اینک به تضاد اساسی جامعه بورژوازی مبدل گردیده و تضاد میان کاروسرمایه راتحت الشعاع خود قرار داده است ؟ بطور ما چنین نتیجه گیری نه از لحاظ توریک و نه از لحاظ پراتیک سیاسی مقرر به مستحتمی بود .

تضاد اساسی صورت بندی اجتماعی ، بطوریکه با این روش های مارکس بدان واقف شده ایم

۱ - W.Brandt, B. Kreisky, O.Palme." Briefe und Gespräche ". Europa-Verlagsgesellschaft, 1975, S. 121.

۲ - مانجا ، صفحه ۱۱۸ .
 ۳ - رجوع کنید بطور مثال به : لنین ، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۹ ، صفحه ۱۸۱ و جلد ۱۱ ، صفحه ۱۰۴ .

و بطور اذیم هم بر پایه تجربه واقعی تاریخ زندگی معاصرین از یقین حاصل میکنیم ، در محیطی کتلیزه و مناسبات تولیدی راد بر میگردید بدین آید . در ضمن نیروهای مولد هم مانند مناسبات تولیدی بدون تزکیه ، بسط و تکامل نمی یابند و در جهان جنوب همین تولید دستخوش تغییراتی میشوند . اما تضاد اساسی موجود بین مناسبات تولیدی خود واقعی میماند . این تضاد میان خصلت اجتماعی تولید و شکل تضاد و تصرف مخصوصی سرمایه داری با تضاد آشنی نا بدیر میان کاروسرمایه است . در باره اینکه با افزایش ، بعلت نطق انحصارها این تضاد از بین میرود و اوجیت مرکزی خود را از دست میدهد حد اقل این فاکتورهای میگذرد که خود انحصاری شدن تولید بر پایه تمرکز آن بوقوع می پیوندد و این نیز بنوعه خود نتیجه هر چه بخرش است که هم افلاس سرمایه داری کوچک و تبدیل شدن آنها به قشر متوسط و هم وحدت اینها و دیگر قشرها در موسسات (فرم) بزرگ تری را شامل میگردد . اما این پروسه بطور کلی عبارتست از تبدیل شدن از مناسبات تولیدی سرمایه داری به مناسبات تولیدی اشتراکی .

در همین حال ، « بنظر ما » باید میان تضاد اساسی نظام اجتماعی و تضاد عمده سیاسی این یا آن مرحله معین پیشرفت فرق نهاد . توجه بدین تفاوت شاید اهمیت است ، اگرچه اصولا ریشه فرغضاد آشنی نا بدیر سیاسی در آخرین تذلیل در تضاد های اجتماعی - اقتصادی است .

عوامل سیاسی زیادی در اینکه که اینک تضاد های سیاسی سرمایه داری در شرایط معین تاریخی به تضاد عمده مبدل میشوند دخالت دارد . روشن است که بطور مثال ، در دوران جنگ جهانی دوم ، تضاد میان فاقسیم ریکسونیوهای (بیسارمنتهوی) که در مقابل آن قرار گرفته بودند ، از سوی دیگر تضاد عمده بود .

اینک در یک سلسله از گزینهای سرمایه شرایط مناسبی برای وحدت اکثریت مردم بر پایه کارپایه مشترک مبارزه بر علیه انحصارها بوجود آمده است . این پی آمد قوتمندانه جریان هایی است که طی دو دهه سده گذشته انجام یافته که تمرکز سرمایه ، تشدید استثمار گسترده ترین قشرهای مردم کمونیته آن یعنی طبقه کارگر و زمین خالی مبارزه طبقه کارگر و احزاب کمونیست از جمله آنهاست . این امر تا حد کوشش زیادی هم نتیجه تغییراتی است که در مرحله بین المطلق در احوالات خلقها به صلح و موافقت های که در راه کاهش تنش بدست آمده ، بوقوع پیوسته است . این جزئیات به حکم نیروهای دموکراسی و ترقی اجتماعی انجامیده است . اگرچه این تغییرات در تضاد کشورهای سرمایه داری یکسان نیستند ، بنظر ما امکان چنین نتیجه گیری وجود دارد که مرحله تاریخی شوی تا رسید جهانی میان سرمایه داری و سوسیالیسم بدید آمده است و که این مرحله شرایط تازه مساعدی ایجاد میکند که باید آنها را مورد استفاده قرار داد . اما چگونه ؟ این سئوالی است که هر حزب کمونیست آنرا مستقلا و بدون نظر گرفتن بزرگی های وضع مشخص در کشور خود باید حل کند . اما به هر تقدیر مطابق منافع مشخص قشرهای گسترده جامعه ، در رونق واقعی لب اکثریت مردم به مبارزه در راه دگرگونیهای عمیق اجتماعی و دینسای وحدت آنها را در طبقه کارگری ما میگوید .

ما همیشه میگوئیم که در مبارزه در راه دگرگونی سوسیالیسم طرفداری اکثریت مردم را ضروری میدانیم . طبیعی است که چنین حکمی موجودیت اقلیتی را هم الزام میدهد که بحالیه با ما بر خیزد و از سرمایه انحصاری دفاع کند . ما برونی این رادیکال مینیم که اینگونه تقسیم جامعه به اکثریت و اقلیت تابع عوامل بسیاری است و فقط تضاد آشنی نا بدیر میان کاروسرمایه نیست که در این امر دخالت دارد . زندگی بطور مشخصی از جمله این یادآوری لنین و بومین بودن آنرا تأیید میکند که در شرایط نظام بورژوازی حتی طبقه کارگر راه میبویان تمام و کمال سوسیالیسم جلب کرد . شرط مقدماتی ضروری برای انجام این عمل برقراری - اکتب طبقه خود طبقه ارگراست .

چگونه «مارکس شناسان» بر ضد مارکسیسم-لنینیسم مبارزه میکنند

رلف باونرمان
کارل کایسر
الطربولیسیر

دانشمندان جمهوری دموکراتیک آلمان

«مارکس شناسی» از اجزای ویژه و متشکله ایدئولوژی بورژوازی معاصر است که تخصص آن در تحریف و «رد» مارکسیسم-لنینیسم و آثار مارکس و انگلس و لنین است. موضوع ایدئولوژیک بورژوازی است.

«مارکس شناسی» بطور عمده و اساسی بنابر و اکثر دفاقی ایدئولوژی بورژوازی بحران زده و در مقابل گسترش نفوذ مارکسیسم-لنینیسم، اشاعه آن و استکدام مباحث اندیشه‌های آن در میان طبقه کارگر و توده‌هاست. مردم است. لنین خاطر نشان کرده است که: «گسترش نفوذ مارکسیسم ناگزیر موجب افزایش و تشدید حمله‌ها بر بورژوازی علیه آن میشود و دشمنان آنرا مجبور میسازد به امید اینکه نیروی گنایه به تشسوری مارکسیسم را تضعیف کنند و علاقه‌مندی روزافزون نسبت به مارکسیسم را در مسیر ناد رستی بیندازند» بلباس مارکسیست‌ها درآیند (۱). این دشمنان ایدئولوژیک بیوزگی طی ده سال اخیر در ورا نیکه تناسب نیروها در صحنه جهانی بنفع سوسیالیسم تحسیر نیادی کرده شد تا یافته است. بدین ترتیب توسل ایدئولوژیک‌های بورژوازی به آثار لنینیست‌گذاران مارکسیسم-لنینیسم امری تصادفی نیست.

«مارکس شناسی» یکی از منابع ایدئولوژیک تحذیری آنتی کمونیسم است. درک روشن سرشت طبقاتی و مقام آن در مبارزه معاصرانه بنده‌ها از شرایط مهم اجرای وظائف است که کنفرانس اجلاس کمونیست و کارگری اروپا مقرون داشته و آن هم مفرد ساختن و شکست آنتی کمونیسم است (۲).

ایدئولوژی بورژوازی امروز یک سویرا بر واقعیت رشد فزاینده و موفقیت آمیز سوسیالیسم و آزادی دیگر در برابر تشدید روزافزون تضادها درونی و عدم ثبات روزافزون سیستم سرمایه داری قرار گرفته است.

نمایندگان ایدئولوژی بورژوازی دیگر نمیتوانند این واقعیت را باطل مگر شوند که سرمایه داری پیش از این خود را در برابر دیدگان توده‌های زحمتکش بر اعتبار میکند و همین جهت آتم‌بندرت جاسارت میکنند از نظام سرمایه داری آشکارا دفاع کنند و اغلب ناگزیرند به شکلهای استتار شده ای برای توصیف آن متوسل شوند. حتی محافل محافظه کار بورژوازی امروز بیشتر با شعارهای «نوسازی» نظام سرمایه داری و نه حفظ آن نپیدان می‌آیند.

بدین ترتیب با با قائل شدن اهمیت لازم برای تضاد سیاسی که در جامعه بورژوازی معاصر میان انحصارها و اکثریت مردم پدید می‌آید و با حساب آوردن آن در تنظیم و تدوین مبنی استراتژیک خود بر بردن به تفاوت آن با تضاد اساسی سرمایه داری با تضاد میان کارسرمایه راهم که در آخرین تحلیل تعیین کننده سرشت تمام مسائل در سطح و تکامل سرمایه داری است. نمایان اهمیت میدانیم.

بجاست یادآوریم که بدین علت آن طرز برخورد به مسئله دیکتاتوری پرولتاریا که ریفورماچیسم در مقاله بطور کلی جالب خود تحت عنوان «تقریباً ستاز در جنبش توده ای» (۱) برگزیده، قابل بحث بنظر می‌آید. زیرا در این مقاله تا حد جمیع مسائلی که بدین امر مربوط میگردد از دیدگاه مسائل سیاسی که بخوبی خود قابل اهمیت است بررسی میشود ولی به تضاد اساسی سرمایه داری معاصر حد کافی در آن توجه نمیشود.

در رترو مکاناتی که برای گذار مسالمت آمیز سوسیالیسم پدید می‌آید بنظر ما باید برای آن اشکال مبارزه سیاسی هم که با استفاده از سیستم های انتخاباتی موجود و اصول پارلمانی ارتباط دارند، ارجح و ادرت قائل شد. بطور مثال نمیتوان این موضوع را از مجموعه اجتهالات نفی کرد که نمایندگان طبقه کارگر با ائتلاف اکثریت انتخاب کنندگان میتوانند موسسات قانونگذاری عالی را عملاً به پارلمان واقعی مردم تبدیل سازند. با وجود پشتیبانی جنبش توده ای پرولتاریا، تمام پیمیکشان، روشنفکران و دیگر قشرهای مترقی اهلای از این پارلمان میتوانند به ابزار مؤثر مبارزه بر علیه ارتجاع و به چنان ارگان دولتی تبدیل شوند که قادر است جامعه را به راه درگرونیهای بنیادی سوسیالیستی هدایت کند.

طبیعی است که هر شکل جنبش مسالمت آمیز سوسیالیسم هنگامی میتواند به واقعیت تبدیل شود که طبقات استعمارگر خود بریند نیروهای که در درگرونیهای بنیادی سوسیالیستی بنفع اند و تصمیم به تحقق آن در عمل گرفته اند اسلحه بکار نیند.

بنظر ما اکثریت توده ای که در مبارزه علیه انحصارها پدید می‌آید و از طرف طبقه کارگر رهبری میشود قادر است به اندیشه دموکراسی ضد انحصاری جامه عمل بپوشاند و در گرایشهای بدافع رژیم های استبداد و متشاقشستی شکست وارد آورد. بسط و تکامل سرمایه داری معاصر حادث ترین تضاد سیاسی میان سرمایه انحصاری و اکثریت مردم را بطور عمیق در مرکز زندگی اجتماعی یک سلسله ارتکوبهای بورژوازی قرار داد.

بدین ترتیب این امکان برای طبقه کارگر وجود آمده است که به مبارزه گسترده ای دست بزند تا از طریق مسلح حل این تضاد خود بر راه گذار سوسیالیسم کام شود و دیگر نیروهای د و دکراتیک جامعه راهم بد نبال خود بکشد و بنا بر این بر هر طرف ساختن تضاد اساسی صورت بندی سرمایه داری یعنی تضاد آنتی ناپدید میسر میان کارسرمایه و آنتیم به بهترین شکلی برای مردم یعنی شکل مسالمت آمیز و پیشگی توافق حاصل نماید.

۱ - رجوع کنید به: لنین «مجموعه کامل آثار» (بریان روسی) جلد ۱۷ ص ۱۸۷، جلد ۲۲ ص ۲۰۲ - ۲
 «Für Frieden, Sicherheit, Zusammenarbeit und sozialen Fortschritt in Europa» Dokument der Konferenz der kommunistischen und Arbeiterpartei Europas, Berlin 1975, «Neues Deutschland» 1 Juli 1976.

* آثارشیت ها * ویریه بیانگر نظریه دوم اند * مارکس شناسانی * که بیانگر وجهیات خود بورژوازی هستند نظریه انتزاعی و غیر طبقاتی دولت را به مارکس وانگلس نسبت میدهند و برای دولت سوسیالیستی هم خصائص * امان فشار * بقول آنها که از خصصیات دولت امپریالیستی است قائل هستند *

شیوه جعل و تحریف مواد قیفر ترکه شود شدید مابزی در این مورد معین ساده است : گفته های مارکس در پاره پاره نظام استعمارگر شامل جامعه سوسیالیستی همیکنند (۱) * بن ارجحین مطلق * عدم تطابق * حاکمیت دولتی در کشورها و سوسیالیستی با نظریه مارکس طبعا به مسئله بدیهی تبدیل میگردد اما همان نظریات خود مارکس که این مطلب را رد میکند صاف و ساده گوچه نمیشود * از جمله * مارکس شناسان * انتقاد برنا هگوتها * را که در آن اصل مربوط به * آینده حاکمیت جامعه کمونیستی * فرمول بندی شده و نشان داده شده است که نوم دولتی که با تمام دوران تاریخی گذار از صورت بندی

سرمایه داری به صورت بندی کمونیستی تطابق دارد و یکتا توری پرولتاریاست * مورد توجه قسزار نمیدهند (۲) * در پاره این اصل مارکسیستی هم که طبق آن دولت سوسیالیستی در یگرا بر سر طبقه اقلیت استعمارگر نخواهد بود و حاکمیت اکثریت زحمتکشان بر بهتری طبقه کارگر را محسوس میکند و به لغو هرگونه استعمار میساند : تا جامعه بدون طبقات خد متیکنند * سکوت اختیار میکنند *

گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم در زمینه سیاسی یعنی گذار از دموکراسی به دیکتاتوری (چنانکه مدافعین سرمایه داری تلاش دارند و نمود کنند) نیست بلکه گذار از دیکتاتوری انحصار مکتا (که به اشکال گوناگون و از جمله به شکل دموکراسی بورژوازی وجود دارد) به دیکتاتوری پرولتاریا (یعنی به دموکراسی سوسیالیستی برات هر زحمتکشان) است *

تا به به ما صراحتین مطلب را با وضوح کامل نشان میدهند * رفیق هونگر در گزارش کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان به همین نکته حزب خاطر نشان نمود که قشرهای گسترده اجتماعی جامعه سرمایه داری که امروزه به قدرتمندانه صا رها و در راه درگوشیهای صمیم اجتماعی پیروز بر میخیزند با مقاومت بورژوازی انحصاری که با تمام وسائل در حفظ دیکتاتوری طبقه خود میگوید روی میروند * تجربه نشان میدهد که در آخرین تئوریک لیل ترفی اجتماعی در هیج جا بدون برانداختن این دیکتاتوری طبقه سوسیالیستی امکان پذیر نیست (۳) *

میدانیم نظار مارکس وانگلس نسبت به کمون پارسی نظری کاملا موافق و یا کلا مخالف نبود * آنها مساضع تئوریک نسبت گرم به کمون پیشینیانی آران در بین حال رجال سیاسی آتریا جلند گشت فراوان نسبت دشمنان خود و نقد آن مرکز حاکمیت انتقاد میکردند * انگلس نوشت : فقدان تمرکز و اتوریته * به پستی موجودیت کمون پارسی تمام شد * انگلس با آمو میگوید که * هر وقت بین در پاره او توریه و تمرکز که در هر راضاع و احوالی مانند و چیزی سبب او رنگوشند سخن میگویند * من تصور میکنم کسانیکه چنین نظری دارند یا نمیدانند انقلاب یعنی چه و یا شاهد رگفتار انقلابی هستند * (۴) *

طبقه که تجارب جمعیوری دموکراتیک آلمان و دیگر کشورهای سوسیالیستی نشان میدهند از حاکمیت و نفوذ دولت سوسیالیستی کاسته نمیشود بلکه پیروز در مرحله تئوریک افزایش مییابد * این راه تئوریک است و تکامل هر چه بیشتر نظام اجتماعی سوسیالیسم * آداره پرورسه های اجتماعی و اقتصادی بنفخ همه زحمتکشان در هر یک از کشورهای سوسیالیستی وهم مقتضیات متعین پرورسه های

هم پیوندی سوسیالیستی اقتصادی * ضرورت دفاع از دستاورد های سوسیالیستی در مقابل سوء قصد های امپریالیسم جهانی و تامين شرایط مساعد سیاسی خارجي برای رشد سوسیالیسم در جمهوری است * استحکام صلح جهانی نیروی از سیاست همنیست مسالمت آمیز فروری میسازد * این هم به پیچیدگی تضادی با مارکسیسم ندارد *

دو مین هدف جعل و تحریف کنندگان آموزش مارکس عبارت از کوشش برای رد کردن اهمیت تمام وجهه جانبی لنینیسم است * در حذلات * مارکس شناسان * علیه لنینیسم دموکراتیک به پیوند متقابل نزدیک با هم دارند و چشمپوشی خود : تلاش برای تحسین و تخریب از سیاست سوسیالیستی جهانی با ایجاد تزلزل در پایه های ایدئولوژیک و تئوریک آن و تضعیف ارجح و اعتبار هر چه کمونیست است اتحاد شوروی * نیروی رهبری کننده نیرومند ترین دولت سوسیالیستی در جهان * لنینیست ها هم که مواضع اندیشه ای آنها نسبت به مارکسیسم - لنینیسم خصمانه است در این جریان به انواع وسائل از امپریالیسم پیشینیانی میکنند * لنینیست ها بسیار پیروی از سیاست شیونستی * طمعت طلبانه در واقع همین هدفها را تعقیب میکنند * تلاشهای * مارکس شناسان * برای قرار دادن مارکسیسم در مقابل لنینیسم به تمام احکام اصولی که در پیاده لنینیسم یاد تعالیم مارکس تشکیل میدهند منوط نمیشود * اما آنها پیروز کوشش فراوانی برای رد نظریه لنین در پاره انقلاب سوسیالیستی * وسع و ساختن آن در قالب های جغرافیایی و تاریخی بکار میبرند * صراحتا چنین سخن تصویری و افشامی میدهد که * لنینیسم * پیروز یگری بجز استاده از مارکسیسم در تطابق آن با شرایط تصویری کم رشد نیست (۱) *

استند لالیلیک * مارکس شناسان * در این مورد بکار میبرند هرگز تاریکی ندارند * هسته آنها * اندیشه های تشکیل میدهند که در اصل پیش از طرف مخالفین لنینیسم انتشار داده شده است * از جمله آنرا انتزاعی فرمول بندی شده از طرف رهبران انتزاعی سوسیالیست در دوم دزمورد * تناقض * نظریه لنینیسم - انقلاب سوسیالیستی با نظریه تعارض است * باین سبب که گویا لنین تعالیم مارکس را با چنان شرایطی تطبیق داده است که در تعالیم مارکس وجود نداشته * زیرا پرولتاریای روسیه اکثریت جمعیت را تشکیل نمیداد و کمپرونیسم در آغاز شده برای انقلاب سوسیالیستی آماده نبود * شاید بی معنی باشد که روی پندارهای واهی تکیه شود * بی اساسی تئوریک واقعی این نظریه دیرزمانی است که به نحوی قانع کننده از طرف مارکسیست - لنینیست ها افشاء شده است * ولی دشمنان مارکسیسم - لنینیسم این با صبه های مبتذل را هر روز از پیله پیش میکشند * جمله متقابل تازه ایدئولوژی بورژوازی هر چه شدید تر هر همین پایه بسط و تکامل مییابد *

مارکس شناسان * با تلاش برای رد نظریه مارکسیستی - لنینیستی انقلاب و قرار دادن مواضع لنین در مقابل اندیشه های مارکس بد نیال رهبران انتزاعی سوسیالیست در دوم به اشرا مارکس * در پاره انتقاد اقتصاد سیاسی استاد میکنند که در آن از نامله خاطر نشان شده است * که هیچ صورت بندی اجتماعی قبل از رشد تمام نیرو های مولدی گمان صورت بندی به رشد آنها امکان میدهند اول پذیر نیست (۲) * * مارکس شناسان * مدعی هستند که این اندیشه مارکس بر اساس تجربه روسیه تأیید نمیشود * چرا که گویا روسیه نیروهای مولد برای تصویر صورت بندی سرمایه داری یا سوسیالیستی بحد کافی رشد نیافته بود * در این ضمن خاطر

1 - E.von Oertzen, Thesen zur Strategie und Taktik des Demokratischen Sozialismus in der Bundesrepublik Deutschland, In: "die Neue Gesellschaft" Bonn 1974, H. 4, S. 77.

۲ - مارکس وانگلس * مجموعه آثار * جلد ۱۳ * ص ۷

1 - R. Supek, Soziologie und Sozialismus, Probleme und Perspektiven Freiburg 1970, S. 192/193.

۲ - مارکس وانگلس * مجموعه آثار * جلد ۱۳ * ص ۲۲ * 19 Mat 1976 * "Neues Deutschland" 3

۳ - مارکس وانگلس * مجموعه آثار * جلد ۱۳ * ص ۲۲ * ۳

نشان مکتوم که "مارکس شناسان" انقلاب اکثریت سوسیالستان سوسیالیسم در اتحاد شوروی را مانند سوسیالیسم
 اعمال جبریم را رفع عقیدت اندکی و ایجاد همان جامعه صنعتی تحمیر میکنند که در غرب در نتیجه ریسک سوسیالیسم
 سرمایه داری بوجود آمده است. از این تعبیر چنین نتیجه گیری میکنند که گویا نمونه شوروی برای جنبش
 کاری معاصر کشورهای سرمایه داری رشد یافته یا خنجر نتواند سرمش باشد (۱).
 در کالجین نکته دشوار نیست که این استدلال هانا هانس از تقریباً همه مکتومانی اندیشه های مارکس
 است. این استدلال ها از آنرو بود نیاز "مارکس شناسان" واقع شد که امکان تحقق انقلاب سوسیالیسم
 نیست، در این بیان کنور استباه سطح رشد نیروهای تولیدی وابسته کنند (که معیارهای تشخیص آن هم
 در همین حال فوق العاده باخترج اند و بعد کافی مشخص نیستند).
 اما در واقع امر این مسئله بفرجه آماده بودن شرایط برای سوسیالیسم در مجموع سیستم سرمایه
 داری بطور کلی بستگی دارد. مارکس که بر اساس این معیار تجارب انقلابیهای سال ۴۰ سده گذشته امیل
 لزوم آمادگی معین سرمایه داری را برای تحقق انقلاب سوسیالیستی اراغ نمود، نشان داد که در همان
 دوره که سرمایه داری هنوز مرحله اتلاعی خود را نیکر زانده به مانع ترقات اجتماعی تبدیل میشد و راهی آن
 شرایط عینی و ذهنی سوسیالیسم بصورت فراهم میآید. این نظریه برای دوران بعدی در بطریق اولی
 صادق است.

در آستانه سده ۲۰ سرمایه داری بمرحله امپریالیستی داخل شد و نشانها تولیدی آن بد رجعات
 بجای بیشتر از دوران مارکس به سده راه رشد نیروهای تولیدی مبدل گردید. سرمایه داری به سیستم
 جهانی مبدل شد که از همان لحظه در مجموع برای انقلاب سوسیالیستی آمادگی پیدا کرد. دوران انقلاب
 هلی سوسیالیستی فرارسید. در نتیجه عملکرد قانون رشدنا موزون اقتصادی و سیاسی سرمایه داری،
 انقلاب سوسیالیستی آغاز میاید در کشوری که تضاد های آن به اوج حدت رسیده است، تحقق پذیرد.
 چنین کشوری هم روسیه ای بود که خود جزئی از سیستم امپریالیستی بود و رشد سرمایه انحصاری در آن بد درجه
 عالی رسیده بود. در روسیه تضاد های سرمایه داری توأم با تضاد های فئودالی وستم تزار است. یکس از
 ارتعاشی ترین سیستم های سیاسی جهان بود، حدت خاصی کسب کرد، و این تضاد ها از همه چیز برای
 انقلاب سوسیالیستی کاملاً آماده ساخت، اگرچه روسیه در شمار رشد یافته ترین کشورهای صنعتی جهان
 نبود. گویا این حدت ترین تضاد ها تا نود سده پایه انقلاب روسیه ازم گسست. همه این منطقی است.
 بی پای نظریات "مارکس شناسان" را افشاء میکند که لتینیم را "نوع ویژه روسی مارکسیسم" اعلام
 میکنند، منکر اهمیت عام آن بوده، عدم تالی و ادم کارگزار در نظریات مارکس ولتین درباره پیشرفت تاریخ را
 شرح و تبیین میکنند.

نظریات "مارکس شناسان" برای اثبات گفته شدند. نظریات مارکس برای تجزیه و تحلیل مسائل
 مسائل پیوسته انقلاب جهانی معاصر روشن کردن واقعیت سرمایه داری دوران ما نیز به همان اندازه بسی
 پایه و اساس است. این دیولوگ های بورژوازی تا همین جندی پیش مساعی فراوانی یکا بر میوردند تولید سیده
 های جدید دوران سرمایه دار و دلش از انحصاری ناسی از چیران پیشرفت انقلاب علمی مدنی را کسه
 پیدا این تغییراتی در ساختار اجتماعی طبقه کارگزار خصوصیات آمنت، چنین وانمود سازند که گواید بریده
 تثبیت سیستم سرمایه داری هم پیوندی طبقه کارگر در سیستم سرمایه داری با حقیقت "این رفیق رولتانیان"

1 - N. Leser, Die Odyssee des Marxismus. Auf dem Weg zum Sozialismus, Wien-München-Zürich 1971, S. 52/53.

انجام میشود. تشدید سریع پدیده های بحرانی در جهان سرمایه داری به همه این خیالیهای خنام
 پاسخ قانع کننده میدهد. در شرایط بحران سرمایه گرگانیسم های تنظیم دولتی - اجتماعی ماید های
 این دیولوگ های بورژوازی به ثبات و اعتقاد آنبایه امکان دگرگونیهای سازنده و نیز نتیجه مثبتی بر مالکیت
 خصوصی بر وسائل تولید هم خیالیهای آزاب درآمد. در برابر تشدید بحران عینی سرمایه داری، گسترش
 یکا های طبقائی و سنگین ترین بحران اقتصادی پس از جنگ دوم جهانی، اندیشه کاشف قدرت
 انقلابی طبقه کارگروه پیوندی آن در سیستم سرمایه داری بیخ را زدن تصویر پایه و اساس بنظر میرسد.
 بدین ترتیب نظریات مارکسیستی درباره شرکت سرمایه داری و نه پیش پیش کارل مارکس درباره غیر
 قابل بودن تضاد های آن بلکه پژوهشهای "مارکس شناسان" بی پایه آزاب درآمد،
 یکی دیگر از اصول "مارکس شناسان" تبلیغ اندیشه چند گزایی (پلورالیسم) و مارکسیسم،
 "قانونزدگی وجود" مارکسیسم های "گوناگون و حتی متناقض باید یک راست (۱).
 بناگه نامعلوم است در مراحل مختلف تاریخ دانش مارکسیسم - لتینیم این یا آن مسائل تئوریک

در مرکز توجه بنیاد گذاران مارکسیسم - لتینیم قرار گرفته است. زیرا مارکسیسم - لتینیم میبایست به آن
 مسائل پاسخ میداد که در جریان مبارزه رشد یافته انقلابی طبقه کارکجهانی در دستنویز قرار میگرفتند.
 "مارکس شناسان" هم تلاش دارند در سمت از دیدن مصلحت سو استفاده کنند. آنها با تکیه کلاصوری
 وجود اختلاف در طرز مسائل در مراحل مختلف رشد و تکامل مارکسیسم - لتینیم از همانجا تضاد های
 دگرگونی کلاسیک ماید، میکنند. بدین ترتیب از جمله در مقابل هم قرار دادن "مارکسیسم انساندوستانه"
 بایک نوع "مارکسیسم" پدید آمد. بدین منظور در امر نظری مارکس را با توجه تفسیر اید آلمنیستی
 آنطور لوپیک در دستنویسهای "اقتصادی - فلسفی سال ۱۸۴۴" تشریح میشود. اذ اما میشود کسه
 مضمون اولیه انساندوستانه و "بی تلاوتی طبقاتی" آموزش مارکس، متعاقب با "سیاسی شدن" و تبدیل
 آن به سلاح آید دیولوگ مبارزه زحمتکشان از دست رفته است و گویا اثر انگلس آنتی دورینگ، که بنوعی
 خود در پهلخانوف ولتین تاثیر فراوان بخشیده، تا مددی به این امر کمک کرده است. طرفداران کنونی
 چنین برخوردی نسبت به آموزش مارکس را نیکو هم چنان کوشش دارند وجود تضاد میان آثار اولیه و بعدی
 مارکس را به "اجبات رسانند" و از سوی دیگر مارکس و انگلس را در نقطه مقابل هم قرار دهند (۲).

تردیدی نیست که در دستنویس مرحله شکل یافتن و تکامل کنونیسم علمی در درجه اول مسائل فلسفی
 انسان و انساندوستی توجه مارکس را بخود جلب میکرد، ولی در همان مرحله هم مارکس این مسائل را در
 ارتباط متقابل دید با کشف قوانین عینی تکامل جامعه بررسی میکرد. در زمانهای بعد مارکس در انفسر
 سرمایه "کاپیتال" بطور عمده به تجزیه و تحلیل مشخص علمی قوانین عینی بسط و تکامل شیوه سرمایه داری
 تولید پرداخت. این تجزیه و تحلیل موجب آن گردید که استدلال و انیسیم سوسیالیستی بر مبنای صیق تری
 ارتکذ شد قرار گیرد. انگلس در آثار خود "آنتی دورینگ" و همچنین "دیالکتیک طبیعت" کوشش کرده
 است تا با قایل انطباق عام اصول دیالکتیکی - ماتریالیستی آنراک را از جمله در پژوهش طبیعت هم
 نشان دهد. حالت وجود تضاد در این مورد از آنجا ناشی میشود که "مارکس شناسان" این واقعیت آشکار
 را انکار میکنند که مبنای درک ماتریالیستی طبیعت و جامعه بوسیله مارکس و انگلس در همان سالهای ۴۰ به
 انطباق پژوهش و تدوین شده است.

1 - H. schack, Marx, Mao, Neomarxismus, Frankfurt a.M. 1969, W. Le-
 onhardt, Die Dreispaltung des Marxismus, Düsseldorf, Wien 1970,
 D. Oberndörfer, W. Jäger, Marx-Lenin-Mao, Stuttgart, Berlin (W),
 Köln Mainz 1974.
 2 - I. Petcher, Karl Marx und der Marxismus, Von der Philosophie
 des Proletariats zur proletarischen Weltanschauung, München 1967.

احکام (تزه‌ای) مارکس‌شناسان" در باره وجودیه اصطلاح تناقض میان مارکس و انگلس پیرامین مسائل دیالکتیک، انقلاب سوسیالیستی و آموزش درباره حزب و دیگر مسائل علیه وحدت و یکپارچگی درونی مارکسیسم مطبوع است. در ضمن در آثار مارکسیست-لنینیست هاد پرزوانی است نشان داده است که این "تضادها" هم محصول پنداره‌های باطل انتقادکنندگان مارکسیسم است. در تئوری مارکسیسم - لنینیسم تضادی وجود ندارد، تضاد در تفسیرها و تضاد پیرامید تئولوگیک‌های بورژوازی است که مانند آئینه‌های کج نامتصور هر شیئی را تحریف میکنند. در این آئینه کج نامارکسیسم که یک سیستم منظم و واحد و یکپارچه مانند شمشیر پولادین است به آموزش بی شکل یا تضاد های درونی تبدیل میگردد.

بطوریکه خاطر نشان کردیم در فعالیت انتقاد کنندگان مارکس میتوان دو جریان مشخص را نام برد: یکی آشکار و دیگری پنهان. ما در این مقاله بطور عمده شکل مبارزه "انحطاط پذیر" ایدئولوژی بورژوازی و معاصر علیه مارکسیسم - لنینیسم را مورد بررسی قرار دادیم. اما لازم است که چند کلمه هم از جریان دیگر سخن گفته شود که استفاده و مسائل تبلیغاتی آنی کمونیستی و نهضت و افترا از خصوصیات آنست، بویژه از آنجمله که این شکل مبارزه در دوران اخیر دوباره باز آمده و بیسی روی یافته که ملت آن هم بحران عمیق سیستم امپریالیستی و عدم ثبات سیاسی روز افزون درونی این سیستم بینگانی است که حتی مارکسیسم غیر واقعی "مارکس‌شناسان" خرد بورژوازی و تجدید نظر طلب هم در نظر برخی از مدالان این سیستم خطراتناک جلوه میکنند. آنجیزه این امر همینست در آنستکه در شرایط بین المللی معا صرکه اصول همبستگی مسالمت آمیز و مناسبات بین دول بگرایش برتر تبدیل گشته امپریالیسم پوشیده با عدت بیشتری از احصاط ایدئولوژیک با سوسیالیسم مقابله کند.

در این مبارزه شیوه‌های سنتی و قالبی آئینی کمونیسم بکار گرفته میشود. مثلا ایدئولوگیک بورژوازی تلاش میکند مارکسیسم را تجلی و آموزش نیمه مذ هبیکه فاقد پایه علمی است، و نامردسانند و مفسرانه آنرا "خدانسان دوستی" و "استبدادی" اعلام میکنند و سوسیالیسم کنونی را نتیجه عیبی این آموزش "فقد انسان دوستی" تصور میکنند (۱).

نیازی نیست که انسان عیب گویانند تا بگوید هیچیک از اشکال و انکشاف ضد کمونیستی پیرامین احصاط و انحطاط پذیر علیه مارکسیسم - لنینیسم قادر نیست از نفوذ هر چه زودتر آموزش مارکسیسم - لنینیسم در آنرا و اندیشه نود هاد و زحمتکش جلوتری بعمل آورد و به ثبات سیستم سرمایه داری که تاریخ آنرا محکوم برزوال ساخته است، کمک کند.

برخی اطلاعات در باره احزاب کمونیست و کارگری

حزب کمونیست نروژ

این حزب در آوریل نوامبر سال ۱۹۲۳ در شهر اسلووا در آن زمان بنامندگان جناح چپ حزب کارگر نروژ که پیر از افتادن رهبری آن بدست سوسیال دموکراتهای راست جدا شدن حزب از کمینترن از حزب خارج شده بودند تاسیس شد (حزب کارگر نروژ در سالهای ۱۹۱۹-۱۹۲۳ در ترکیب کمینترن بود).

در دوران اشغال فاشیستی نروژ (۱۹۴۰-۱۹۴۵) حزب کمونیست نروژ غیر قانونی اعلام شد و در شرایط کاربنامی فعالیت میکرد. اسناد برنامه‌های حزب کمونیست نروژ که در سالهای ۱۹۵۳-۱۹۶۳ بشصوب رسیده، در مبارزه حزب کمونیست نروژ در اینکارجگی سازمانی حزب و مبارزه با استحقاق ایدئولوژیک و سیاسی آن و افزایش نفوذ حزب میان توده‌های مردم در سالهای اخیر اهمیت فراوان داشت. در حال حاضر حزب کمونیست نروژ بر پایه برنامه‌ای که در سال ۱۹۷۳ در ننگره چهارم حزب بصورت رسیده عمل میکند. این برنامه با در نظر گرفتن مواد اصولی اسناد پیش کمونیستی جهانی و تجربه جنبش کارگری بین المللی وطن تنظیم شده است. جهات عمده فعالیت پراکنده حزب کمونیست نروژ در برنامه عملی حزب که در سال ۱۹۶۶ بصورت رسیده قسرومل بندی گردیده است.

در سال ۱۹۷۳ اتحادیه انتخاباتی نیروهای چپ در نروژ ایجاد گردید که اتحاد انتخاباتی سوسیالیستی (ا.س.ا) نامید میشد و علاوه بر حزب کمونیست نروژ چند حزب گروه سیاسی چپ به آن پیوسته و در انتخابات سال ۱۹۷۳ با بدست آوردن ۱۱۲ درصد آرا و ۱۶ کرسی (از ۱۵۰ کرسی) پارلمان موفقیت چشمگیری داشت. ولی لیدرهای سوسیالیست‌های چپ گرا بر روی داده همکاری در مبارزه با اتحاد انتخاباتی سوسیالیستی خواستار درگساز این اتحاد انتخاباتی و تبدیل آن به حزب و انحلال احزاب گروه‌های سیاسی که داخل در آن بودند و از جمله انحلال حزب کمونیست نروژ شدند (در ماه مارس سال ۱۹۷۳ تاسیس حزب سوسیالیست چپ برپایه اتحادیه انتخاباتی سوسیالیستی اعلام گردید).

کنگره نهمی پانزدهم که در نوامبر سال ۱۹۷۵ تشکیل یافت خواستار انحلال حزب را با قاطعیت رد کرد و یاد آورد که "مبارزه موفقیت آمیزه بقا کارگرد هر کشور مشروط بوجود حزب مارکسیستی-لنینیستی در آن کشور است". در نظر برنامه کنگره گفته شده است: "شام تجربه مبارزه با قیاس بین المللی گواه براین است که سوسیالیسم هیچگاه در هیچ کشوری بدون وجود حزبی کفعلیست خود را برپایه اصول مارکسیسم - لنینیسم استوار کرده باشد، و پیروز نشده است". کنگره پانزدهم ضرورت استخدام تئوریک، سیاسی و سازمانی حزب را تأکید کرد و تدابیر مشخصی را برای افزایش

1 - E. Topitsch, "Wie human ist der Marxismus? In: "Die Welt" Hamburg, 4./5. Oktober 1975, F. I. Raddatz, Karl Marx. Eine politische Biographie, Hamburg 1975.

قدرت مبارزه و تشدید فعالیت حزب کمونیست نروژ میان توده ها ایجاد آوردند . کنگره کمونیست های نروژ
را به تحکیم رشته هایی که حزب کمونیست را با احزاب برادر دیگر کشورهای اوچینتر کمونیستی جهان نسبی
پهوند میدهد فراخواند .

حزب کمونیست نروژ بر پایه قرارهای کنگره در آبان سال ۱۹۷۶ " برنامه همکاری زحمتکشان نروژ "
را تنظیم و تدوین کرد . در این برنامه خواسته های اساسی کمونیست ها در مبارزه در راه صلح ، دموکراسی
و حقوقهای اجتماعی - اقتصادی زحمتکشان نروژ ترسیم بندی شده است .
حزب کمونیست نروژ را لحاظ ترکیب اجتماعی خود به دو رده هاید حزب کارگری است و بر پایه
مرکزیت دموکراتیک بوجود آمده است . ارگان عالی حزب کنگره است که هر دو سال یکبار تشکیل میشود
در فاصله میان دو کنگره داتره مرکزی و کمیته اجراییه داتره مرکزی حزب کمونیست نروژ جانشین این
ارگان عالی است . حزب دارای سازمان جوانان است که " جوانان کمونیست " نامیده میشود .
مطبوعات - نامه هفتگی " فرمستن " (آزاد) ارگان مرکزی حزب کمونیست نروژ است .

حزب توده ای انقلابی لائوس

مبارزه مردم لائوس در راه آزادی که بلافاصله پس از اسارت استعمار در آمدن کشور آغاز گردید
در سالهای ۳۰ از طرف حزب کمونیست هند و چین رهبری میشود . پس از اعلام استقلال کشور در رساه
مارس سال ۱۹۵۵ حزب توده ای انقلابی لائوس ایجاد شد (تا سال ۱۹۷۲ حزب خلق نامیده
میشد) که فعالیت حزب کمونیست هند و چین را دنبال میکرد . این حزب بمنزله حزب طبقه کارگری
که در اقدامات خویش از ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم بهره ی میگیرد بوجود آمد و نیروی سخت و هنده
انقلاب لائوس گردید . جبهه میهنی لائوس که حزب توده ای انقلابی لائوس نیروی سازمان دهنده
و رهبری کننده آنست بر پایه اتحاد کارگران و هقانان پدید آمده و مبارزان راه استقلال واقعی و
دگرگونیهای عمیق اجتماعی را در خود متحد میسازد .

مردم لائوس زیر رهبری حزب توده ای انقلابی به پیروزی رسیده اند . تمام حاکمیت کشور به دست
مردم افتاد و حکومت سلطنتی سرنگون شد و مردم دسامبر سال ۱۹۷۵ تا سیم جمهوری توده ای دموکراسی
لائوس اعلام گردید .

حزب توده ای انقلابی لائوس اعلام داشت که وظیفه ی اصلی دولت توده ای دموکراتیک عبارت از
این است که با اتکا به دیکتاتوری پرولتری دگرگونیهای بنیادی سوسیالیستی را تحقق بخشد و در
کشور سوسیالیسم بسازد .

(ایشماره ۸ مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم ")

آمار و ارقام

طبق آمار رسمی

هر روز میتوان در روزنامه ها و مجله های جهان ، اعداد و واقعاتی را درباره وضع زحمتکشان در
کشورهای سرمایه داری خواند . این آمار هیچ تشریح و توضیح دیگری نیازمند نیست .
مطابق اطلاع سازمان بین المللی کار (ای . او) درصد بیکاران در کشورهای سرمایه
داری پیشرفته در ۴۰ سال گذشته به میزان رسیده است که هرگز سابقه نداشته است .

در آرسال گذشته در ۲۳ کشور تعداد بیکاران به ۱۸ میلیون نفر رسید . این رقم بیش از ۵ درصد
مجموعه کارگران کشورهای نامبرده را شامل میشود . اسال بازم شماره بیکاران افزایش یافته است .
طبق ارزیابی کمیسیون " جامعه مشترک اروپا " رقم بیکاران از ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۶ در بریتانیا
کبیره ۴۴۷۰۰۰ ، در فرانسه ۱۱۱۰۰۰۰ ، در ایتالیا ۸۵۰۰۰۰ و در بلژیک ۵۲۰۰۰۰ بالا رفته است .
جدول بیکاری در کشورهای سرمایه داری (توشیه ۱۹۷۶)

کشور	تعداد بیکاران (در هزار)	نسبت به تعداد افراد قادر به کار
بلژیک	۲۲۵۰	۸٫۵
جمهوری فدرال آلمان	۹۲۱۰	۶٫۰
فرانسه	۱۱۳۵۰	۴٫۸
بریتانیا ی کبیر	۱۲۴۹۰	۵٫۵
هلند	۲۰۷٫۳	۵٫۰
ایالات متحده امریکا	۹۷۰۰۰	۱۰٫۲

جوانان بویژه بیشتر از بیکاران از بیکاری رنج میبرند . اواسط سال ۱۹۷۶ تعداد جوانان
بیکار در کشورهای بازار مشترک به بیش از ۲ میلیون نفر رسید . پیش بینی میشود که این رقم در طول سال
باز هم ۲۵ درصد بالا رود . سرنویشت شوم بیکار ماندن بویژه اقلیت ملی را در بر میگیرد . نسبت بیکاران
در میان اهالی افریقائی - امریکائی در ژوئن اسال ۱۳۰۳ درصد در میان جوانان افریقائی - امریکائی
۴۰٫۳ درصد بود .

زنان قادر به کار هم دچار رنج و هذاب بیکاری هستند . تعداد در دوران بحران اقتصادی

در ۲۳ کشور سرمایه داری ۷ میلیون زن کار خود را از دست دادند . در سالهای گذشته نسبت زنان بیکار از ۴۰ درصد به ۴۶ درصد بالا رفته است .

مخارج زندگی در کشورهای بازار مترك و سایر کشورهای سرمایه داری پیشرفته بطرز عجیبی بالا رفته است . تنهاد رخشماهه اول سال ۱۹۷۶ این بالا رفتن قیمت هادریستانیهای کبیر از ۱۹٪ در ایرلند ۱۶٪ درصد ، در ایتالیا ۱۳٪ درصد ، در لوزان میورگ ۱۰٫۶ درصد و در انگلرک بیش از ۹ درصد بوده است . در همین مدت قیمت هادریستاد ۱۱ درصد ، در ترورژ ۹٫۵ درصد و در ایالات متحده آمریکا ۶٫۳ درصد بالا رفته است .

شماره بی خانمان هادریستادهای سرمایه یعنی کسانی که مطابق آمار یوزوانی در شمار " فقیران " محسوب میشوند ، داشماریه ترش است . حتی طبق آمار رسمی که عدد شمار آنها بسیار کم عرضه شده است ، شماره این افراد در رخشماهه اول سال ۱۹۷۶ در فرانسه ۱۶ درصد ، در ایالات متحده آمریکا ۱۳ درصد ، در کانادا ۱۱ درصد و در بریتانیای کبیر ۷٫۵ درصد اهاالسی را شامل میشود .

هیئت تحریریه و هورای تحریریه مجله
 مسائل صلح و سوسیالیسم از نمایندگان احزاب
 کمونیست و کارگری کشورهای زیر ترکیب میشود:
 اتحاد شوروی، اتریش، اردن، آرژانتین، آسیایه
 اسرائیل، جمهوری افریقای جنوبی، الجزیره،
 جمهوری دموکراتیک آلمان، جمهوری فنلاند
 آلمان، اندونزی، ایالات متحده آمریکا، ایتالیا،
 ایران، برزیل، بریتانیای کبیر، بلژارستان،
 بلوی، پاراگوئه، پاناما، پرتغال، چکسلواکی،
 دانمارک، رومانی، ژاپن، سنگال، سوئد، سودان،
 نیلی، عراق، فرانسه، فنلاند، فیلیپین، قبرس،
 کانادا، کلمبیا، لبنان، لوکزامبورگ،
 مجارستان، مفلستان، ونزوئلا، هندوراس،
 هندوستان، برنلان .